# تهیلیم

## مزامیر

## حضرت داود نبی علیه السّلام

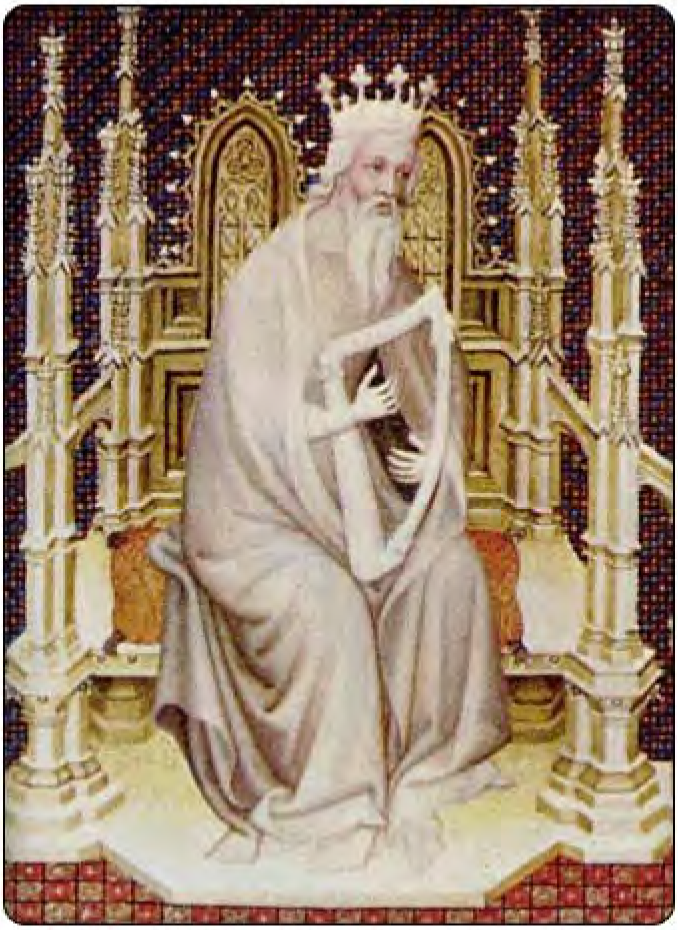
## مقدمه

«تهیلیم» کتاب مزامیر حضرت داوود یکی از معتبرترین منابع دینی ، اخلاقی و فرهنگ یهودیت است. مطلب درباره اهمیت «تهیلیم» در فرهنگ دینی و اعتقادی یهودیان در این مختصر نمی‌گنجد و مطالعه کتاب مزامیر حضرت داوود خود بیان کننده دلنشین‌ترین و گویاترین اصول توحید و ستایش غزل‌گونه خداوند و نعمات او است که همواره مورد تحسین مردم جهان بوده و البته گاهی نیز با تعابیر نادرست همراه بوده است.

از مزامیرحضرت داوود ترجمه‌های گوناگون وجود دارد، بخش‌هایی از ترجمه مرحوم حاخام حییم موره موجود است و اخیراً چند ترجمه از «تهیلیم» در خارج از کشور منتشر شده که هیچکدام ارزش و استحکام ترجمه حاخام حییم موره و ترجمه‌های قدیمی را ندارد.

در ترجمه‌ای که اینک در اختیار خوانندگان عزیز است ترجمه مجموعه کتب مقدس پایه کار قرار گرفته و از آن استفاده شده است، البته بعضی لغات و اصطلاحات در ترجمه کتاب مذکور بعد از گذشت هفتاد سال چنان مهجور و دور از ذهن شده است که بازنگری و انتخاب معادل‌های بهتر ناگزیر به نظر می‌رسید و بر همین مبنا ترجمه مذکور بازبینی شده و بدون اینکه اصل کتاب به لحاظ اصالت ترجمه و وفاداری به متن مورد تردید قرارگیرد، بازنویسی گردیده است.

# پیشگفتار



تهیلیم اولین کتاب از سری کتب «کتوبیم» می‌باشد چنانچه از نام کتاب بر می‌آید تهیلیم شامل اشعار و سرودهایی در وصف و ستایش الهی و خلقت اوست. تهیلیم تفاوت بارزی باسایر کتب نبوی یهودیان دارد، در نوشتار انبیاء این خداوند است که بوسیله انبیایش با انسانها سخن می‌گوید، ولی در مزامیر این انسانها هستند که بصورت فردی و یا جمعی با خدا سخن می‌گویند. گاه با نماز و استغاثه و گاهی با شکرانه و ستایش. یکی از متفکرین می‌گوید «مزامیر آینه‌هایی هستند که حتی کوچکترین تأثیرات وارد آمده برنفس را همچون، نگرانی‌ها، شادمانی‌ها، ترس، شک، امید، و یاس، رنج و سرگردانی منعکس می‌سازند».

مزامیرحضرت داوید از آنچنان تنوع بیانی و موضوعی برخوردار است که هر نیاز و خواسته‌ای را برآورده

می‌سازد.

شاید بخاطر همین ویژگی است که در ایام قدیم لِوی‌ها که از نواده‌های « لوی» یکی از فرزندان حضرت یعقوب بودند و خداوند مسئولیت تشریفات معبد مقدس را به آنان محول نموده بود، بسیاری از مزامیر را همراه با مراسم قربانی در خانه خدا با آهنگ و نواهای متنوع موسیقی می‌سرائیده‌اند.نوع سرودها تعیین کننده نوع آلات موسیقی و آهنگ مناسب آن سرود خاص بوده، زیرا یک شعر نیایشی با سرود تسبیحی یا شعر مرثیه‌ای متفاوت است. البته با وجود تحقیقات بسیار ماهیت آلات‌موسیقی و یا آهنگهایی که در آغاز مزامیر ذکرگردیده‌اند، مثل «نِخیلوت»،«شِمینیت»،«شیگایُون»،«شُوشَنیم» و ... بدرستی مشخص نگردیده‌است.

هارامبام در شرح مراتب نبوت به درجه‌ای اشاره می‌کند که انسان در بیداری احساس می‌کند حالتی در وجود او حادث شده و نیرویی او را به سخن می‌آورد و او سخنان لطیف و حکمت آمیز و یا ستایش گرانه یا نصایح مفید و حتی مطالب اجتماعی و یا الهیات بر زبان می‌راند. او این فیض عقلانی را که از جانب خداوند نازل می‌گردد «روئَح هَقوُدِش» می‌نامد ، و می‌گوید کتاب تهیلیم حضرت داوید از جمله این کتب است که با درجه «روئَح هقودش » تالیف شده‌اند و به همین خاطر این کتاب جزو «کتوبیم» یعنی « با الهام نوشته شده » از مجموعه سه‌گانه تَنَخ (توراه- نوییم- کتوبیم) جای گرفته است. درباره همین نوع الهام است که حضرت داوید می‌فرماید: «کلام او بر زبانم جاری‌است».

در ادبیات و زبان نگارش انبیاء یهود بخصوص در رابطه با صفات و اثرات باریتعالی اصطلاحی در تلمود وجود دارد که می‌گوید «تورا با زبان انسانها سخن گفته است ». یعنی در ظاهر امر آنطور نوشته شده که تمام قشرهای مردم بتوانند با ساده اندیشی خود نیز درکی از خداوند بیابند، در غیر این صورت چطور می‌توان شکوه و عظمت الهی را به آنان تعلیم داد. بدین خاطر برخی از صفات و افعال مادی برای معرفی و اعلام وجود الهی به عاریه گرفته شده است، زیرا یک نوآموز در ابتدای نگرش، وجود را در محسوسات می‌بیند. همچنین برای بیان بی‌نیاز بودن و بی‌نقص و کامل بودن خداوند نیز از بعضی کمالات که برای انسانها مصداق دارد استفاده شده است. پس صفات و افعالی در کتب انبیاء، مثل حرکت، نزول، صعود، رفتن، ایستادن، گشتن، نشستن، ساکن شدن، خارج شدن، و آمدن و عبور کردن، که همه آنها صفاتی مادی هستند و درباره جسم مصداق دارند، هرگز به مفهوم مادیشان به خداوند واحد و ازلی و ابدی اطلاق نمی‌شوند، بلکه برای بیان حضور و نظارت و توانایی و لطف و داوری باریتعالی بصورت تمثیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

مزامیر حضرت داوید همچون هر اثر نبوی که سرچشمه از دریای بیکران وحی دارد به یک زمان و مکان و موضوع خاصی محدود نمی‌شود. بلکه به همه زمانها و نسلها تعلق دارد. هر مزموری، می‌تواند ضمن داشتن پیام آموزنده خود، ابعاد مختلف و رموز نهفته در خود داشته باشد و به موضوع‌های مختلف در زمانهای متفاوت اشاره کند. چنانکه حضرت داوید مزامیرموسوم به هَلِل هَگادُول (از مزمور۱۱۳تا ۱۱۸) را در وصف و ستایش خداوند بخاطر معجزات زمان خروج بنی اسراییل از مصر در زمان قدیم و مددهای الهی به موحدین در دوران خودش می‌سراید و بعدها، حزقیا از پادشاهان یهودا، بخاطر عظمت شکست خوردن سپاهیان سَنْحِریوْ (پادشاه

آشور) و خلاصی قومش، همین مزامیر نبوی را با نگاهی و برداشتی در رابطه با شگفتی‌های زمان خودش می‌سراید یا بازگو می‌نماید (۶۹۰ تا ۷۲۰ قبل از میلاد).

روایتی به نقل از تلمود (باوا بَترا ۱۴ب) می‌گوید «داوید تهیلیم را بهمراهی ده تن از بزرگان یعنی حضرت آدم – مَلکی صِدِق (بقولی لقب حضرت سام فرزند حضرت نوح) – حضرت ابراهیم – حضرت موسی – هِمان – یِدوتون – آصاف و فرزندان قُورَح سرایید- مفسرین مذهبی در توضیح این روایت گفته‌اند: حضرت داوید بسیاری از مزامیر دوران قبل از خود را به همراه مزامیری که حتی در دوره او و توسط شعرای لوی چون آصاف و هِمان – یدوتون- سروده شده بودند با " با روئَح هَقُودِش" دریافت و گردآوری کرده است.

شکی نیست که بسیاری از مزامیر به دوران بعد از داوید و حتی تا به زمان حشمونائیم نیز مربوط می‌شوند.

مزمور (۴۵) را برخی به ازدواج داوید با دختر پادشاه صور و یا یکی از وصلت‌های فرزند او سلیمان و برخی آنرا به ازدواج اَحآو از پادشاهان بنی‌اسرائیل با "ایزِبِل" دختر پادشاه صیدون مربوط می‌دانند.

مزمورهایی چون ( ۷۴) و(۷۹) از دوران خرابی شیلو (۸۵۳ –۸۷۵ قبل از میلاد). حشمونائیم و ویرانی خانه خدا سخن به میان آورده‌اند. محققین (۷۳) مزمور را به خود داوید به عنوان سراینده اصلی و نه دریافت کننده منتسب می‌دانند. دو مزمور (۷۲) و(۱۲۷) به حضرت شِلُمُو(سلیمان) (۸۳۶-۷۹۶ قبل از میلاد) نسبت داده می‌شد، هر چند در مزمور (۷۲) سلیمان موضوع شعر است و روشن نیست که آیا خود آنرا سروده یا مزمور درباره او سروده شده است. ۱۲ مزمور به آساف که از اولین شعرای لوی در زمان داوید بوده نسبت داده می‌شود. ۱۱ مزمور نیز به نواده‌های «قورح» که در زمان پادشاهی «یِهُوشافاط» (۸۳۶– ۷۱۳ قبل از میلاد) از پادشاهان یهودا، بعنوان شعرایی از جامعه لوی‌ها معرفی شده‌اند منسوب‌اند. یک مزمور به اِتان اِزراحی «و یکی به همان ازراحی» تعلق دارد که این شخصیت‌ها که در کتاب پادشاهان به عنوان دانشمندان و شعرای معروف در ایام قدیم معرفی شده‌اند. افسانه‌های تلمودی اِتان ازراحی را لقب حضرت ابراهیم می‌دانند. مفسرین مزمور (۹۰) و بقولی (۹۱) را نیز به حضرت موسی نسبت داده‌اند. برخی نیز مزمور(۶۶) را به « مِنَشه» (۵۳۲-۴۷۷ قبل از میلاد) از پادشاهان یهودا پس از توبه و بازگشت او بسوی دستورت الهی منسوب می‌دانند.

البته می‌توان تصور نمود که اکثر این مزامیر و تفیلاها به وقایع و ماجراهایی که بر سرایندگان و یا جامعه آنها گذشته‌اند مربوط بوده، که در زبان و ادبیات خاص و نظم شعری در کلمات مختصر نقش گرفته‌اند که درک کامل و واضح آنها را برای خواننده تااندازه‌ای مشکل می‌سازد. همین روش عبارت پردازی و انشاء بلیغ و استعاره‌ای است که بعد عارفانه و تقدسی خاص به آن بخشیده تا آنجا که یهودیان در موقعیت‌های سخت و بیماری و افسردگی با تلاوت آن احساس آرامش می‌کنند و روحیه می‌یابند و معتقدند که کلمات ستایشگرانه تهیلیم نردبانی برای صعود و ارتباط قلبی و روحی نزدیکتر انسان با خداوند ایجاد می‌نماید، و روح و جسم آنها را جلا می‌دهند وشفا می‌بخشند.

***پی نوشت:***

مجموعه کتب «تَنَخ» بنام (میقرا) بمعنی قرائت هم نامیده شده زیرا معمول بوده که در ایام شنبه و اعیاد

قسمت‌هایی از این کتب مقدس را در حضور مردم قرائت می‌کرده‌اند، مدرسین میشنا هم به این مجموعه «میقرا» می‌گفتند تا آنرا با خود «میشنا» و «میدراش» که تورای شفاهی خوانده شده‌اند، متمایز نمایند. در زمان عِزرای کاتب و به همت او و سایر اعضای انجمن کبیر قانون گذاری (کِنِسِت هَگدولا) کتب مقدس در یک مجموعه بیست و چهار جلدی جمع‌آوری شدند و این چنین نظم گرفتند. (قرن پنجم قبل از میلاد)

۱- پنج جلد تورا

| | |
|---|---|
| بِرشیت | آفرینش |
| شِمُوت | خروج |
| وَیِیقرا | لاویان |
| بَمیدبار | اعداد |
| دِواریم | تثنیه |

۲- چهار جلد

انبیاء اولیه شامل یِهُوشوع، داوران، شِموئِل اول و دوم و پادشاهان اول و دوم

۳- سه جلد انبیا متاخر شامل یِشَعیا، یِرمِیا و یِحزِقِل

۴- یک جلد از کتب انبیاء بنام تِرِه عاسار (کتب دوازده‌گانه) که شامل ۱۲ کتاب کوچک از دوازده نبی متاخر است به‌نامهای هُوشِیعَ، یُوئِل، عامُوس، عُوَودیا، یُونا، میخا، ناخوم، حَبَقوق، صِفَنیا، حَگّی، زِخَریا و مَلآخی

۵- یازده جلد کتوبیم که شامل تِهیلیم، امثال سلیمان، ایوب، سرود سرودهای سلیمان، روت، اِخا یا مراثی بیرمِیا، جامعه، اِستِر، دانیل، عِزرا و نِحِمیا و تواریخ ایام یک و دو

به اعتقاد یهودیان ۵ جلد تورا دیکته شده مسقیم از جانب خداوند به حضرت موسی است ، هشت جلد کتب انبیاء را انبیاء در رویای نبوت به صورت وحی دریافت کرده و بعد آن را نوشته‌اند، و یازده جلد کتوبیم نیر با "روئَح هَقُودِش" نگرش شده‌اند بعضی از علما این سه ترکیب را به نام‌های توراه، نبوت و حکمت نیز نامیده‌اند.

*توضیح:* تاریخ‌های قید شده دوران سلطنت پادشاهان را مشخص کرده است.

سلیمان حکاکیان

# تهیلیم

## (مزامیر حضرت داود علیه السلام)

### مزمور اول

۱. خوشا به حال کسی که به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزاء‌کنندگان ننشیند
۲. بلکه رغبت او در شریعت خداوند است، و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند
۳. پس مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود، که میوهٔ خود را در موسمش می‌دهد، و برگش پژمرده نمی‌گردد، و هرآنچه می‌کند نیک‌انجام خواهد بود
۴. شریران چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می‌کند
۵. پس شریران در داوری نخواهند ایستاد، و نه گناهکاران در جماعت عادلان
۶. زیرا خداوند طریق عادلان را می‌داند، ولی طریق گناهکاران فنا خواهد شد

### مزمور دوم

۱. چرا امت‌ها خروش نموده‌اند، و طوائف در باطل تفکر می‌کنند
۲. پادشاهان زمین برمی‌خیزند و سروران با هم مشورت نموده‌اند، به ضدّ خداوند و به ضدّ ماشیح او
۳. که بندهای ایشان را بگسلیم، و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم
۴. او که بر آسمانها نشسته است می‌خندد، خداوند بر ایشان استهزاء می‌کند
۵. آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد، و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت
۶. و من پادشاه خود را نصب کرده‌ام، بر کوه مقدّس خود صیون
۷. فرمان را اعلام می‌کنم خداوند به من گفته است، تو فرزند من هستی امروز تو را متولد کردم
۸. از من درخواست کن و امت‌ها را به میراث تو خواهم داد، و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید
۹. ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست، مثل کوزهٔ کوزه‌گر آنها را خُرد خواهی نمود
۱۰. و اینک ای پادشاهان تعقل نمایید، ای داوران جهان متنبه گردید
۱۱. خداوند را با ترس عبادت کنید، و با لرز شادی نمایید
۱۲. منزه را ببوسید مبادا (خد.اوند) غضبناک شود، و از طریق خود هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می‌شود، خوشا به حال همهٔ آنانی که بر او توکل دارند

## مزمور سوم

۱. مزمور داوید وقتی که از پسر خود ابشالُوم فرار کرد

۲. ای خداوند دشمنانم چه بسیار شده‌اند، بسیاری به ضدّ من برمی‌خیزند

۳. بسیاری برای جان من می‌گویند، از جانب خد.ا برای او خلاصی نیست سلاه

۴. لیکن تو ای خداوند گرداگرد من سپر هستی، جلال من و فرازندهٔ سر من

۵. به آواز خود نزد خداوند می‌خوانم، و من را از کوه مقدس خود اجابت می‌نماید سلاه

۶. و اما من خسبیده بخواب رفتم و بیدار شدم، زیرا خداوند من را تقویت می‌دهد

۷. از کرورهای مخلوق نخواهم ترسید، که گرداگرد من صف بسته‌اند

۸. ای خداوند برخیز ای خد.ای من مرا برهان، زیرا سیلی بر رخسار همهٔ دشمنانم زدی، دندان‌های شریران را شکستی

۹. نجات از آنِ خداوند است، و برکت تو بر قوم تو می‌باشد سلاه

## مزمور چهارم

۱. برای سالار مغنیان بر نگینوت، مزمور داوید

۲. ای خد.ای عدالت من، چون بخوانم مرا مستجاب فرما، در تنگی مرا وسعت دادی، بر من کرم فرموده دعای مرا بشنو

۳. ای فرزندان انسان تا به کی جلال مرا خوار (می‌کنید)، و بطالت را دوست داشته دروغ را خواهید طلبید سلاه

۴. اما بدانید که خداوند مرد صالح را برای خود انتخاب کرده است، و چون او را بخوانم خداوند خواهد شنید

۵. هراسان شوید و گناه مورزید، در دل‌ها بر بسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید سلاه

۶. قربانی‌های عدالت را بگذرانید، و بر خداوند توکل نمایید

۷. بسیاری می‌گویند کیست که به ما احسان نماید، ای خداوند نور چهرهٔ خویش را بر ما برافراز

۸. شادمانی در دل من پدید آورده‌ای، بیشتر از وقتی که غله و شیرهٔ ایشان افزون گردید

۹. به‌سلامتی می‌خسبم. بخواب هم می‌روم، زیرا که تو فقط ای خداوند مرا در اطمینان ساکن می‌سازی

## مزمور پنجم

۱. برای سالار مغنیان بر نخیلوت، مزمور داوید

۲. ای خداوند به سخنان من گوش بده، در تفکر من تأمل فرما
۳. ای پادشاه و خد.ای من به آواز فریادم توجه کن، زیرا که نزد تو دعا می کنم
۴. ای خداوند صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید، بامدادان (دعای خود را) نزد تو آراسته می کنم و انتظار می کشم
۵. زیرا تو خد.ایی نیستی که به شرارت راغب باشی، و گناهکار نزد تو ساکن نخواهد شد
۶. رسوایان درنظر تو نخواهند ایستاد، از همهٔ بطالت کنندگان نفرت می کنی
۷. دروغ گویان را هلاک خواهی ساخت، خداوند شخص خون ریز و حیله گر را مکروه می‌دارد
۸. و اما من از کثرت رحمت تو به خانه‌ات داخل خواهم شد، و بخاطر هیبتت به سوی هیکل قدس تو عبادت خواهم نمود
۹. ای خداوند به‌سبب دشمنانم مرا به عدالت خود هدایت نما، و راه خود را پیش روی من هموار گردان
۱۰. زیرا در دهان ایشان راستی نیست، باطن ایشان شرارت محض است، حلقوم ایشان گشاده قبری است، و زبان‌های خود را تیزی می‌دهند
۱۱. ای خد.ا ایشان را ملزم ساز تا به سبب مشورت‌های خود بیفتند، و به کثرت خطایای ایشان، ایشان را طرد کن زیرا که بر تو فتنه کرده‌اند
۱۲. و همهٔ متوکلانت شادی خواهند کرد و تا به ابد ترنم خواهند نمود، زیرا که ملجاء ایشان تو هستی، و آنانی که اسم تو را دوست می‌دارند در تو به وجد خواهند آمد
۱۳. زیرا تو ای خداوند مرد عادل را برکت خواهی داد، او را به رضامندی مثل سپر احاطه خواهی نمود

## مزمور ششم

۱. برای سالار مغنیان بر شمینیت، مزمور داوید
۲. ای خداوند مرا در غضب خود توبیخ منما، و مرا در خشم خویش تادیب مکن
۳. ای خداوند بر من کرم فرما زیرا که پژمرده‌ام، ای خداوند مرا شفا ده زیرا که استخوانهایم لرزانند
۴. و جان من به شدت پریشان است، پس تو ای خداوند تا به کی
۵. ای خداوند مرا دریاب و جانم را خلاصی ده، به رحمت خویش مرا نجات بخش
۶. زیرا که در نیستی ذکر تو نمی‌باشد، در گور کیست که تو را حمد گوید
۷. از نالهٔ خود وامانده‌ام، تمامی شب تخت‌خواب خود را (با گریه) غرق می کنم، و بستر خویش را با اشک ها تر می‌سازم
۸. چشم من از غصه کاهیده شد، و به سبب همهٔ دشمنانم تار گردید
۹. ای همهٔ بدکاران از من دور شوید، زیرا خداوند آواز گریهٔ مرا شنیده است

۱۰. خداوند استغاثۀ مرا شنیده است، خداوند دعای مرا اجابت خواهد نمود

۱۱. همۀ دشمنانم به شدت خجل و پریشان خواهند شد، رو برگردانیده ناگهان خجل خواهند گردید

## مزمور هفتم

۱. شیگایون داوید که آن را برای خداوند سرائید به سبب سخنان کوش بن یمینی

۲. ای خداوند خدا.ی من به تو پناه می‌برم، از همۀ تعاقب کنندگانم مرا نجات ده و برهان

۳. مبادا او مثل شیر، جان مرا بدرد، و خورد سازد و نجات دهنده‌ای نباشد

۴. ای خد.اوند، خد.ای من اگر چنین کردم، و اگر در دست من ظلمی پیدا شد

۵. اگر به خیر اندیش خود بدی کردم، و بی‌سبب دشمن خود را تاراج نمودم

۶. پس دشمن جانم را تعقیب کند، و آنرا گرفتار سازد، و حیات مرا به زمین پایمال کند، و جلالم را در خاک ساکن سازد سلاه

۷. ای خداوند در غضب خود برخیز به سبب قهر دشمنانم بلند شو، برای من بیدار شو ای‌که داوری را امر فرموده‌ای

۸. و جمیع امت‌ها گرداگرد تو بیایند، و بر بالای ایشان به مقام اعلی رجوع فرما

۹. خداوند امت‌ها را داوری خواهد نمود، ای خداوند موافق عدالتم و کمالی که در من است مرا داد بده

۱۰. بدی شریران نابود شود و عادل را پایدار کن، زیرا امتحان کنندۀ دل‌ها و قلوب خدای عادل است

۱۱. حفاظت شدنم از جانب خد.ا می‌باشد، که راست‌دلان را نجات‌دهنده است

۱۲. خد.ا داور عادل است، و هر روزه خد.ا (بر ظالمان) خشمناک می‌شود

۱۳. اگر (شرور) بازگشت نکند (خد.ا) شمشیر خود را تیز خواهد کرد، کمان خود را کشیده و آماده کرده است

۱۴. و برای او آلات مرگ را مهیا ساخته، و تیرهای خویش را شعله‌ور گردانیده است

۱۵. اینک به بطالت آبستن شده، و به ظلم حامله گردیده دروغ را زاییده است

۱۶. و نیز حفره‌ای کَند و آن را گود نموده است، در چاهی که ساخت خود بیفتاد

۱۷. ظلم او بر سرش خواهد برگشت، و ستم او بر فرقش فرود خواهد آمد

۱۸. خداوند را بر حسب عدالتش حمد خواهم گفت، و اسم خداوند تعالی را تسبیح خواهم خواند

## مزمور هشتم

۱. برای سالار مغنیان بر گیتیت، مزمور داوید

۲. ای خداوند خد.ای ما چه بلند مرتبه است نام تو در تمامی زمین، که جلال خود را فوق آسمان‌ها

گذارده‌ای

۳. از دهان کودکان و شیرخوارگان، بسبب (تنبیه) خصمانت قوت را بنا نهادی، تا دشمن و انتقام گیرنده را ساکت گردانی

۴. چون به آسمان تو نگاه کنم که صنعت انگشت‌های توست، و به ماه و ستارگانی که تو آراستی

۵. پس انسان چیست که او را به یاد آوردی، و بنی‌آدم که از او تفقد نمایی

۶. او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی، و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی

۷. او را بر کارهای دست خودت مسلط نمودی، و همه چیز را زیر پای وی نهادی

۸. گوسفندان و گاوان جمیعا، و بهایم صحرا را نیز

۹. مرغان هوا و ماهیان دریا را، و هر چه بر راه‌های آب‌ها سِیر می‌کند

۱۰. ای خد.اوند، خد.ای ما، چه بلند مرتبه است نام تو در تمامی زمین

## مزمور نهم

۱. برای سالار مغنیان بر موت لبن مزمور داوید

۲. خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت، جمیع عجایب تو را بیان خواهم کرد

۳. در تو شادی و وجد خواهم نمود، نام تو را ای متعال خواهم سرایید

۴. چون دشمنانم به عقب بازگردند، آنگاه لغزیده از حضور تو هلاک خواهند شد

۵. زیرا انصاف و داوری بر من کردی، (چون) داور عادل بر مسند نشسته‌ای

۶. امت‌ها را توبیخ نموده‌ای و شریران را هلاک ساخته، نام ایشان را محو کرده‌ای تا به ابد

۷. و اما دشمنان نیست شده خرابه‌های ابدی گردیده‌اند، و شهرها را ویران ساخته‌ای حتی ذکر آنها نابود گردید

۸. لیکن خداوند پابرجا است تا به ابد، و تخت خویش را برای داوری برپا داشته است

۹. و او ربع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد، و امت‌ها را به راستی داد خواهد داد

۱۰. و خداوند قلعهٔ بلند برای کوفته شدگان خواهد بود، قلعهٔ بلند در زمان‌های تنگی

۱۱. و آنانی که نام تو را می‌شناسند بر تو توکل خواهند داشت، زیرا ای خد.اوند، تو طالبان خود را هرگز ترک نکرده‌ای

۱۲. خداوند را که بر صیون متجلی است بسرائید، کارهای او را در میان قوم‌ها اعلان نمایید

۱۳. زیرا او که انتقام گیرندهٔ خون (بیگناهان) است ایشان را بیاد آورده، و فریاد مساکین را فراموش نکرده است

۱۴. ای خداوند بر من کرم فرموده به ظلمی که از خصمان خود می‌کشم نظر افکن، ای که برافرازندهٔ من از

درهای نیستی هستی

۱۵. تا همهٔ تسبیحات تو را بیان کنم در دروازه‌های دختر صیون، در نجات تو شادی خواهم نمود

۱۶. امت‌ها به چاهی که کَنده بودند خود افتادند، در دامی که نهفته بودند پای ایشان گرفتار شد

۱۷. خداوند خود را شناسانیده است و داوری کرده، و شریر از کار دست خود به دام گرفتار گردیده است، هیگایون سلاه

۱۸. شریران به گور خواهند برگشت، و جمیع امت‌های که خد.ا را فراموش می‌کنند

۱۹. زیرا مسکین همیشه فراموش نخواهد شد، امید حلیمان تا به ابد ضایع نخواهد بود

۲۰. قیام کن خداوند تا انسان غالب نیاید، امت‌ها به حضور تو داوری خواهند شد

۲۱. ای خداوند ترس را بر ایشان مستولی گردان، تا امت‌ها بدانند که انسانند سلاه

## مزمور دهم

۱. ای خداوند چرا دور ایستاده‌ای، و خود را در وقت‌های تنگی پنهان می‌کنی

۲. از تکبر شریران فقیر تعقیب می‌شود، در مشورت‌هایی که اندیشیده‌اند گرفتار می شود

۳. زیرا که شریر به شهوات نفس خود فخر می کند، و آنکه می‌رباید (عمل خود را) می‌ستاید و خداوند را اهانت می‌کند

۴. شریر در غرور خود می‌گوید بازخواست نخواهد کرد، همهٔ فکرهای او اینست که خد.ایی نیست

۵. راههای او همیشه موفق‌اند، احکام تو برای او بلند و بعید است، همهٔ دشمنان خود را به هیچ می‌شمارد

۶. در دل خود گفته است هرگز لغزش نخواهم خورد، و هرگز بدی را نخواهم دید

۷. دهان او از لعنت و مکر و ظلم پر است، زیر زبانش مشقت و گناه است

۸. در کمین‌های دِهات می‌نشیند، در جای‌های مخفی بی‌گناه را می‌کشد، چشمانش برای مسکینان مراقب است

۹. در جای مخفی مثل شیر در بیشهٔ خود کمین می‌کند، به جهت گرفتن مسکین کمین می‌کند، فقیر را به دام خود کشیده گرفتار می‌سازد

۱۰. پس کوفته و خمیده می‌شود، و مساکین در زیر (دست و پای) زورآور او می‌افتند

۱۱. در دل خود گفت خد.ا را فراموش کرده است، روی خود را پوشانیده و هرگز نخواهد دید

۱۲. ای خداوند قیام کن ای خد.ا دست خود را برافراز، و مسکینان را فراموش مکن

۱۳. چرا شریر خد.ا را اهانت کرده در دل خود می‌گوید، تو بازخواست نخواهی کرد

۱۴. البته دیده‌ای، زیرا که تو بر جفا و قهر (شریر) می‌نگری، تا به دست خود مکافات برسانی، مسکین امر خویش را به تو تسلیم کرده است، مددکار یتیمان تو هستی

۱۵. بازوی گناهکار را بشکن، و اما شریر را از شرارت او بازخواست کن تا (دیگر ظلم را) نیابی
۱۶. خداوند پادشاه است تا به ابد، امت‌های (کافر) از زمین او هلاک خواهند شد
۱۷. او خداوند مسئلت مسکینان را اجابت کرده‌ای، دل ایشان را استوار نموده‌ای و به ایشان گوش فرا می دهی
۱۸. تا یتیمان و کوفته‌شدگان را دادرسی کنی، انسانی که از زمین است هرگز نترسانند

## مزمور یازدهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید بر خداوند توکل می دارم چرا به جانم می‌گویید، مثل مرغ به کوه خود بگریزید
۲. زیرا اینک شریران کمان را می‌کشند و تیر را بزه نهاده‌اند، تا بر راست دلان در تاریکی بیندازند
۳. زیرا که ارکان منهدم می‌شوند، و مرد عادل چه کند
۴. خداوند در محراب قدس خود است و کرسی خداوند در آسمان، چشمان او می‌نگرد پلک‌های وی بنی آدم را می‌آزماید
۵. خداوند مرد عادل را امتحان می کند، و اما از شریر و دوستدار ظلم ذات او نفرت می‌دارد
۶. بر شریر دامها و آتش و کبریت خواهد بارانید، و باد مسموم حصۀ پیاله ایشان خواهد بود
۷. زیرا خداوند عادل است و عدالت را دوست می‌دارد، و راستان روی او را خواهند دید

## مزمور دوازدهم

۱. برای سالار مغنیان بر شمینیت، مزمور داوید
۲. ای خداوند نجات بده زیرا که مردم متقی نابود شده‌اند، و امناء از میان بنی‌آدم نایاب گردیده‌اند
۳. همه به یکدیگر دروغ می‌گویند، به لب‌های چاپلوس و دل منافق سخن می‌رانند
۴. خداوند همۀ لب‌های چاپلوس را منقطع خواهد ساخت، و هر زبانی را که سخنان تکبرآمیز بگوید
۵. که می‌گویند بزبان خویش غالب می‌آییم، لب‌های ما با ما است، کیست که بر ما مسلط باشد
۶. خداوند می‌گوید به سبب غارت مسکینان و نالۀ فقیران اینک برمی‌خیزم، و او را در نجاتی که برای آن آه می‌کشد برپا خواهم داشت
۷. کلام خداوند کلام پاکی است، نقرۀ مصفای در قال زمین که هفت مرتبه پاک شده است
۸. تو ای خداوند ایشان را محافظت خواهی نمود، از این دوره و تا به ابد محافظت خواهی فرمود
۹. شریران بهر جانب می‌خرامند، وقتی که پلیدی در بنی‌آدم اوج می گیرد

## مزمور سیزدهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید

۲. ای خداوند تا به کی، آیا تا ابد مرا فراموش می‌کنی، تا به کی روی خود را از من خواهی پوشانید

۳. تا به کی برای جان خویش تدبیر کنم و در دلم هر روزه غم باشد، تا به کی دشمنم بر من سرافراشته شود

۴. ای خداوند خدای من نظر کرده مرا مستجاب فرما، چشمان مرا روشن کن مبادا به خواب مرگ بروم

۵. مبادا دشمنم گوید بر او غالب آمدم، و مخالفانم از پریشانیم شادی نمایند

۶. و اما من به رحمت تو توکل می‌دارم، دل من در نجات تو شادی خواهد کرد برای خداوند سرود خواهم خواند، زیرا که به من احسان نموده است

## مزمور چهاردهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید، احمق در دل خود می‌گوید که خد.ایی نیست، کارهای خود را فاسد و مکروه ساخته‌اند و نیکوکاری نیست

۲. خداوند از آسمان بر بنی‌آدم نظر انداخت تا ببیند، که آیا فهیم و طالب خدایی هست

۳. همه رو گردانیده با هم فاسد شده‌اند، نیکوکاری نیست یکی هم نی

۴. آیا همهٔ گناهکاران بی‌معرفت هستند، که قوم من را می‌خورند چنانکه نان می‌خورند، و خداوند را نمی خوانند

۵. آنگاه ترس بر ایشان مستولی شد، زیرا خد.ا (حامی) حلقه عادلان است

۶. مسکین را از تدبیرش که خداوند ملجاء اوست، مأیوس می‌کنید

۷. کاش که نجات (بنی) اسرائیل از صیون ظاهر می‌شد، چون خداوند اسیری قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و (بنی) اسرائیل شادمان خواهد گردید

## مزمور پانزدهم

۱. مزمور داوید، ای خداوند کیست که در خیمهٔ تو منزل کند، و کیست که در کوه مقدس تو ساکن گردد

۲. آنکه بی‌عیب سالک باشد و عدالت را به جا آورد، و در دل خویش راست‌گو باشد

۳. کسی که به زبان خود غیبت ننماید، و به دوست خود بدی نکند و دربارهٔ نزدیکان خویش بدگویی را قبول ننماید

۴. که در نظر خود حقیر و خوار است، و آنانی را که از خداوند می‌ترسند دوست می‌دارد، و قسم به ضرر

خود می‌خورد و تغییر نمی‌دهد

۵. نقرهٔ خود را به سود نمی‌دهد و رشوه بر بی‌گناه نمی‌گیرد، آن که این را به جا آوَرَد، تا به ابد لغزش نخواهد خورد

## مزمور شانزدهم

۱. میختام داوید، ای خدا! مرا حفاظت فرما، زیرا بر تو توکل می‌دارم

۲. خداوند را گفتی تو خداوند من هستی، نیکوئی من نیست غیر از تو

۳. و اما مقدسانی که در زمین‌اند و دلیران (مؤمن)، تمامی اشتیاق من به ایشان است

۴. دردهای آنانی که در پی (خدای)دیگر می‌شتابند بسیار خواهد شد، هدایای ایشان را که خونی است نخواهم ریخت، و نام ایشان را به زبانم نخواهم آورد

۵. خداوند نصیب قسمت و پیمانهٔ من است، تو قرعهٔ مرا نگاه می‌داری

۶. خطه‌های من بجای‌های خوش افتاد، میراث زیبایی بمن رسیده است

۷. خداوند را که مرا نصیحت نمود متبارک می‌خوانم، شبانگاه نیز (افکار) قلبم مرا تنبیه می‌کنند

۸. خداوند را همیشه پیش روی خود می‌دارم، چون که به دست راست من است تردید نخواهم کرد

۹. از این رو دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید، جسمم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد

۱۰. زیرا جانم را در عالم اموات رها نخواهی کرد و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببیند

۱۱. طریق حیات را به من خواهی آموخت، به حضور تو کمال خوشی است و به یمین تو لذت‌ها تا ابد

## مزمور هفدهم

۱. تفیلای داوید، ای خداوند عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما، و دعای مرا که از لب بی‌ریا می‌آید گوش کن

۲. داد من از حضور تو صادر شود، بصیرت تو راستی را ببیند

۳. دل من را آزموده‌ای شبانگاه و از آن بازخواست کرده‌ای، من را قال گذاشته‌ای و هیچ نیافته و اندیشه هایی غیر از آنکه دهانم جاری شده باشد (نیافته‌ای)

۴. و اما در (رابطه) با کارهای آدمیان بر حسب کلامت، خود را از راه‌های ظالم نگاه داشتم

۵. قدمهایم به آثار تو برپا است، پس پای‌هایم نخواهد لغزید

۶. ای خدا! تو را خوانده‌ام زیرا که مرا اجابت خواهی نمود، شنوایی خود را به من فراگیر و سخن مرا بشنو

۷. رحمت‌های خود را امتیاز ده، ای که متوکلان خویش را به یمین خود از مخالفان ایشان می‌رهانی

۸. من را مثل مردمک چشم نگاه دار، مرا زیر سایهٔ بال خود پنهان کن

۹. از روی شریرانی که من را هلاک می‌سازند، از دشمنانم که (برای) گرفتن جانم من را احاطه می‌کنند
۱۰. دل فربهٔ خود را بسته‌اند، به زبان خویش سخنان تکبرآمیز می‌گویند
۱۱. اینک قدم‌های ما را احاطه کرده‌اند، و چشمان خود را دوخته‌اند تا ما را به زمین بیندازند
۱۲. مثَل او مَثَل شیری است که در دریدن حریص باشد، و مثَل شیر ژیان که در بیشهٔ خود در کمین است
۱۳. ای خداوند برخیز و پیش روی وی درآمده او را بینداز، و جانم را از شریر به شمشیر خود برهان
۱۴. از (دست) آدمیان ای خداوند (من را) به دست خویش (برهان)، از اهل جهان که نصیب ایشان در زندگانیست، که شکم ایشان را به ذخایر خود پر ساختهٔ، و از اولاد سیر شده زیادی مال خود را برای اطفال خویش ترک می‌کنند
۱۵. و اما من روی تو را در عدالت خواهم دید، و چون بیدار شوم از صورت تو سیر خواهم شد

## مزمور هجدهم

۱. برای سالار مغنیان مزمور داوید بندهٔ خداوند که کلام این سرود را درباره خداوند گفت در روزی که خداوند ا را از دست همهٔ دشمنانش و از دست شائول رهایی داد
۲. پس گفت ای خداوند ای قوت من، تو را دوست می‌دارم
۳. خداوند صخرهٔ من است و ملجا و نجات‌دهندهٔ من خد.ایم صخرهٔ من است که به او پناه می‌برم، سپر من و مایه نجاتم و قلعهٔ بلند من
۴. خداوند را که سزاوار همه ستایش‌ها است خواهم خواند، پس از دشمنانم رهایی خواهم یافت
۵. مرگ تار و پود من را احاطه کرده، و سیلاب‌های شرارت مرا ترسانیده‌اند
۶. حلقه‌های کور دور من‌را گرفته‌اند، و دام‌های مرگ پیش روی من در آمده‌اند
۷. در تنگی خود خداوند را می‌خوانم و نزد خد.ای خویش استغاثهٔ می‌نمایم، او آواز من را از هیکل خود شنود و استغاثه من به حضورش به سمع وی می‌رسد
۸. زمین متزلزل و مرتعش شده اساس کوه‌ها بلرزید، و متزلزل گردید چون که خشم او افروخته شد
۹. دود از بینی کوه برآمد و نار از دهانش ملتهب گشت، و آتش‌ها از آن افروخته گردید
۱۰. آسمان را کمان کرده نزول فرمود، و زیر پای وی تاریکی غلیظ می‌بود
۱۱. بر کروبی سوار شده پرواز نمود، و بر بال‌های باد طیران کرد
۱۲. تاریکی ر ا پردهٔ خود و خیمهٔ گرداگرد خویش بساخت، تاریکی آبها و ابرهای متراکم را
۱۳. از تابش پیش روی او ابرها می‌شتافتند، تگرگ و آتش‌های افروخته
۱۴. و خداوند از آسمان رعد کرده (خد.اوند) متعال آواز خود را بداد، تگرگ و آتش‌های افروخته را
۱۵. پس تیرهای خود را رها کرده ایشان را پراکنده ساخت، و برقها بینداخت و ایشان را پریشان نمود
۱۶. آنگاه عمق‌های آب ظاهر شد، و اساس ربع مسکون مکشوف گردید، از تنبیه تو ای خداوند از نفخهٔ باد

بینی تو

۱۷. پس از آسمان فرستاده‌ای من را خواهد گرفت، و از آب‌های بسیار، بیرون خواهد کشید

۱۸. و من را از دشمنان زور آورم، و از خصمانم که از من تواناتر شدند، رهایی خواهد داد

۱۹. در روز بلا پیش رویم در آمدند، لیکن خداوند تکیه‌گاه من بود

۲۰. و من را به جایگاه وسیع بیرون آورد، من را نجات داد زیرا که در من رغبت می‌داشت

۲۱. خداوند موافق عدالتم من را جزا می‌دهد، و به حسب پاکی عمل دست من را به مکافات می‌رساند

۲۲. زیرا که سلوک خداوند را نگاه داشته، به خدای خویش عصیان نورزیده‌ام

۲۳. و جمیع احکام او پیش روی من بوده است، و فرائض او را از خود دور نکرده‌ام

۲۴. و نزد او بی‌عیب بوده‌ام، و خویشتن را از گناه خود نگاه داشته‌ام

۲۵. پس خداوند من را موافق عدالتم، و به حسب پاکی عمل دستم در نظر وی پاداش داده است

۲۶. با شخص با تقوا، احسان خواهی کرد و با مرد کامل به کمال رفتار خواهی کرد

۲۷. با پاکدل به روشنی رفتار خواهی کرد و با کج‌رو، سرسخت خواهی بود

۲۸. زیرا قوم مظلوم را خواهی رهانید، و چشمان متکبران را به زیر خواهی انداخت

۲۹. زیرا که تو چراغ من را خواهی افروخت، خداوند خدایم تاریکی من را روشن خواهد گردانید

۳۰. زیرا (به مدد) تو بر فوج‌ها حمله می‌برم، و به کمک خدایم بر حصارها می‌جهم

۳۱. و اما خدا طریق او کامل است و کلام خداوند مصفا، او برای همهٔ متوکلان خود سپر است

۳۲. زیرا کیست خدا غیر از خداوند، و کیست صخرهٔ غیر از خدای ما

۳۳. خدایی که کمر من را به قوت بسته، و راه‌های من را کامل گردانیده است

۳۴. پای‌های من را مثل گوزن ساخته، و من را به مقام‌های اعلای من برپا داشته است

۳۵. دست‌های من را برای جنگ تعلیم داده است، که کمان برنجین به بازوی من خم شد

۳۶. سپر نجات خود را به من داده‌ای، یمینت عمود من شده و مهربانی تو من را بزرگ ساخته است

۳۷. قدم‌هایم را زیر بدنم استوار نمودی، که مچ پای‌های من نلغزید

۳۸. دشمنان خود را تعقیب نموده به ایشان خواهم رسید، و تا نابود نشوند بر نخواهم گشت

۳۹. ایشان را فرو خواهم کوفت که نتوانند برخاست، و زیر پاهای من خواهند افتاد

۴۰. زیرا کمر من را برای جنگ به قوت بسته‌ای، و مخالفانم را زیر پایم انداخته‌ای

۴۱. گردن‌های دشمنانم را به من تسلیم کرده‌ای، تا خصمان خود را نابود بسازم

۴۲. نزد خداوند فریاد برآوردند اما رهاننده‌ای نبود، (خداوند) ایشان را اجابت نکرد

۴۳. ایشان را چون غبار پیش باد ساییده‌ام، مثل گِلِ کوچه‌ها ایشان را دور ریخته‌ام.

۴۴. من را از منازعه‌ای قوم برهان سر امت‌ها ساز، قومی را که نشناخته بودم من را خدمت نماید

۴۵. به مجرد شنیدن من را اطاعت خواهند کرد، فرزندان غریبان (دشمنیشان را ) نزد من حاشا خواهند نمود

۴۶. فرزندان غریبان پژمرده می‌شوند، و در قلعه‌های خود خواهند لرزید

۴۷. خداوند زنده است و صخرهٔ من متبارک باد، و خد.ای نجات من متعال

۴۸. خد.ایی که برای من انتقام می‌گیرد، و کافران را در برابر من مغلوب می‌سازد

۴۹. من را از دشمنانم رهانیده بر خصمانم بلندتر کرده‌ای، و از مرد ظالم من را خلاصی داده‌ای

۵۰. لهذا ای خداوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت، و به نام تو سرود خواهم خواند

۵۱. که نجات عظیمی به پادشاه خود داده و به ماشیح خویش رحمت نموده است، یعنی به داوید و ذریت او تا ابد

## مزمور نوزدهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید

۲. آسمان‌ها جلال خد.ا را بیان می‌کنند، و فلک از عمل دستهایش خبر می‌دهد

۳. روز سخن می‌راند تا روز، و شب معرفت را اعلان می‌کند تا شب

۴. سخنی نیست و کلامی نی، و آواز آنها شنیده نمی‌شود

۵. گستره آن‌ها در تمام جهان بیرون رفت، و بیان آنها تا اقصای ربع مسکون خیمه‌ای برای آفتاب در آنها قرار داد

۶. و او مثل داماد از حجله‌ای خود بیرون می‌آید، و مثل پهلوان از دویدن در مسیر شادی می‌کند

۷. خروجش از کرانهٔ آسمان است و مدارش تا به کرانهٔ دیگر، و هیچ چیز از حرارتش مستور نیست

۸. شریعت خداوند کامل است و جان را احیاء می‌کند، گواهی خداوند معتبر است و جاهل را حکیم می گرداند

۹. فرائض خداوند راست است و دل را شاد می‌سازد، امر خداوند پاک است و چشم را روشن می‌کند

۱۰. ترس خداوند پاک است و ثابت است تا به ابد، احکام خداوند حق و به تمامی عدل است

۱۱. ازطلا مرغوب‌تر از زر خالص بسیار، از شهد شیرین‌تر و از قطرات شانهٔ عسل

۱۲. بندهٔ تو نیز از آنها متنبه می‌شود، و درحفظ آنها ثواب عظیمی است

۱۳. کیست که خطاهای خود را بداند، من را از خطایای مخفی پاک ساز

۱۴. بنده‌ات را نیز از اعمال متکبرانه بازدار تا بر من مسلط نشود، آنگاه بی‌عیب و از گناه عظیم مبرا خواهم بود

## مزمور بیستم

۱. سخنان دهانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد، ای خداوند که صخرهٔ منت و نجات‌دهندهٔ من هستی
۲. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۳. خداوند تو را در روز تنگی مستجاب فرماید، نام خد.ای یعقوب تو را سرافراز نماید
۴. نصرت برای تو از قدس خود بفرستد، و تو را از صیون تایید نماید
۵. جمیع هدایای تو را به یاد آورد، و قربانی‌های سوختنی تو را قبول فرماید سلاه
۶. موافق دل تو به تو عطا فرماید، و همهٔ مشورت‌های تو را به انجام رساند
۷. به نجات تو خواهیم سرایید، و به نام خد.ای خود عَلَم خود را خواهیم افراشت، خداوند تمامی مسئلت تو را به انجام خواهد رسانید
۸. و حال دانسته‌ام که خداوند ماشیح خود را می‌رهاند، از فلک قدس خود او را اجابت خواهد نمود، به قوت نجات‌بخش یمین خویش
۹. اینان عرابه‌ها را و آنان اسب‌ها را، اما ما نام خداوند خد.ای خود را ذکر خواهیم نمود
۱۰. ایشان خم شده افتاده‌اند، و اما ما برخاسته ایستاده‌ایم
۱۱. ای خداوند نجات بده، پادشاه در روزی که بخوانیم ما را مستجاب فرماید

## مزمور بیست ویکم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. ای خداوند در قوت تو پادشاه شادی می کند، و در نجات تو چه بسیار به وجد خواهند آمد
۳. مراد دل او را به وی بخشیدی، و مسئلت زبانش را از او دریغ نداشتی سلاه
۴. زیرا به برکات نیکو بر مراد او سبقت جستی، تاجی از زر خالص بر سر وی نهادی
۵. حیات را از تو خواست و آن را به وی دادی، و طول ایام را تا به ابد
۶. جلال او به سبب نجات تو عظیم شده، شکوه و حشمت را بر او نهاده‌ای
۷. زیرا او را مبارک ساخته‌ای تا به ابد، به حضور خود، او را بی‌نهایت شادمان گردانیده‌ای
۸. زیرا که پادشاه بر خداوند توکل می‌دارد، و به فضل الهی لغزش نخواهد خورد
۹. دست تو همهٔ دشمنانت را خواهد گرفت، یمین تو آنانی را که از تو نفرت دارند خواهد دریافت
۱۰. در وقت غضب خود ایشان را چون تنور آتش خواهی ساخت، خداوند ایشان را در خشم خود خواهد بلعید، و آتش ایشان را خواهد سوزانید
۱۱. ثمرهٔ ایشان را از زمین هلاک خواهی ساخت، و ذریت ایشان را از میان بنی‌آدم
۱۲. زیرا قصد بدی برای تو کردند، و فریب‌هایی را اندیشیدند که آن را نتوانستند بجا آورند
۱۳. زیرا که ایشان را روگردان خواهی ساخت، بر زه‌های خود تیرها را به روی ایشان نشان خواهی گرفت

۱۴.	ای خداوند در قوت خود متعال شو، جبروت تو را ترنم و تسبیح خواهیم خواند

## مزمور بیست و دوم

۱.	برای سالار مغنیان بر اَیِلت هَشَحَر مزمور داوید

۲.	ای خد.ای من ای خد.ای من چرا مرا ترک کرده‌ای، و از نجات من و فریاد سخنانم دور هستی

۳.	ای خد.ای من در روز می‌خوانم و مرا اجابت نمی‌کنی، در شب نیز و من را خاموشی نیست

۴.	و اما تو قدوس هستی، ای که دائم مورد ستایش (بنی) اسرائیل می‌باشی

۵.	پدران ما بر تو توکل داشتند، بر تو توکل داشتند و ایشان را خلاصی دادی

۶.	نزد تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند، بر تو توکل داشتند پس خجل نشدند

۷.	و اما من کِرم هستم و انسان نی، عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شدهٔ قوم

۸.	هر که من را بیند به من استهزاء می‌کند، لب‌های خود را باز می‌کنند و سرهای خود را می‌جنبانند (و می گویند)

۹.	بر خداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد، او را برهاند چون که به وی رغبت می‌دارد

۱۰.	زیرا که تو من را از شکم بیرون آوردی، وقتی که بر آغوش مادر خود بودم من را مطمئن ساختی

۱۱.	با عنایت تو از رَحِم خارج شدم، از شکم مادرم، خد.ای من تو هستی

۱۲.	از من دور مباش زیرا تنگی نزدیک است، و کسی نیست که مدد کند

۱۳.	گاوان نرِ بسیار دَور من را گرفته‌اند، زورمندان باشان من را احاطه کرده‌اند

۱۴.	دهان خود را بر من باز کردند، مثل شیر درندهٔ غرّان

۱۵.	مثل آب ریخته شده‌ام، و همهٔاستخوان‌هایم از هم گسیخته، دلم مثل موم گردیده، در میان احشایم گداخته شده است

۱۶.	قوّت من مثل سفال خشک شده و زبانم به کامم چسبیده، و من را به خاک نیستی نهاده‌ای

۱۷.	زیرا سگان دور من را گرفته‌اند، جماعت اشرار من را احاطه کرده، دست‌ها و پای‌هایم من را مثل شیر می‌شکنند

۱۸.	همهٔ استخوان‌های خود را می‌شمارم، ایشان به من چشم دوخته می‌نگرند

۱۹.	رخت من را در میان خود تقسیم کردند، و بر لباس من قرعه انداختند

۲۰.	اما تو ای خداوند دور مباش، ای قوت من برای نصرت من شتاب کن

۲۱.	جان من را از شمشیر خلاص کن، و یگانهٔ من را از دست سگان

۲۲.	من را از دهان شیر خلاصی ده، ای که از میان شاخ‌های گاو وحشی من را اجابت کرده‌ای

۲۳.	نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد، در میان جماعت تو را تسبیح خواهم خواند

۲۴. ای ترسندگان خداوند او را حمد گویید، تمام ذریت یعقوب او را تمجید نمایید، و جمیع ذریت اسرائیل از وی بترسید

۲۵. زیرا مسکنت مسکین را حقیر و خوار نشمرده، و روی خود را از او نپوشانیده است، و چون نزد وی فریاد برآورد او را اجابت می‌فرماید

۲۶. تسبیح من در جماعت بزرگ از تو است، نذرهای خود را به حضور ترسندگان او ادا خواهم نمود

۲۷. بردباران غذا خورده سیر خواهند شد، و طالبان خداوند او را تسبیح خواهند خواند، و دل‌های شما تا به ابد زنده خواهد بود

۲۸. تمامی کران‌های زمین متذکر شده، به سوی خداوند بازگشت خواهند نمود، و همهٔ قبایل امت‌ها به حضور تو سجده خواهند کرد

۲۹. زیرا سلطنت از آن خداوند است، و او بر امت‌ها مسلط است

۳۰. همهٔ متمولانِ زمین غذا خورده خمیده خواهند شد، و به حضور وی هر که به خاک فرو می‌رود سجده خواهد نمود، و کسی جان خود را زنده نخواهد ساخت

۳۱. (ولی) ذریتی که او را عبادت کنند، و دربارهٔ خداوند نسل بعد را اعلام خواهند نمود

۳۲. ایشان خواهند آمد و از عدالت او خبر خواهند داد، قومی متولد خواهند شد که او این را کار کرده است

## مزمور بیست و سوم

۱. مزمور داوید، خداوند شبان من است، محتاج به هیچ چیز نخواهم بود

۲. در مرتع‌های سبز من را می‌خواباند، نزد آب‌های آرام من را رهبری می‌کند

۳. جان من را بر می‌گرداند، و به خاطر نام خود به راه‌های عدالت هدایتم می‌نماید

۴. چون در وادی سایهٔ موت نیز راه روم، از هجوم بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی، عصا و چوب دستی تو من را تسلی خواهد داد

۵. سفره‌ای برای من به حضور دشمنانم می‌گسترانی، سر من را به روغن تدهین کرده‌ای، و کاسه‌ام لبریز شده است

۶. هر آینه نیکوئی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود، و در خانهٔ خداوند تا درازای عمر ساکن خواهم بود

## مزمور بیست و چهارم

۱. مزمور داوید زمین و پری آن از آنِ خداوند است، ربع مسکون و ساکنان آن

۲. زیرا که او اساس آن را بر دریاها نهاد، و آن را بر نهرها ثابت گردانید
۳. کیست که به کوه خداوند برآید، و کیست که به مکان قدس او ساکن شود
۴. او که پاک دست و صاف دل باشد، که نام من را بیهوده بر زبان جاری نسازد و قسم دروغ نخورد
۵. او برکت را از خداوند خواهد یافت، و عدالت را از خد.ای نجات دهندهٔ خود
۶. این است طبقهٔ طالبان او، طالبان روی تو ای (خد.ای) یعقوب سلاه
۷. ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید، ای درهای ابدی برافراشته شوید، تا پادشاه صاحب جلال داخل شود
۸. ای پادشاه صاحب جلال کیست، خداوند قدیر و قدرتمند، خداوند که در جنگ قدرتمند است
۹. ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید، ای درهای ابدی برافرازید، تا پادشاه صاحبت جلال داخل شود
۱۰. این پادشاه صاحب جلال کیست، خداوند صِواُات پادشاه صاحب جلال اوست سلاه

## مزمور بیست و پنجم

۱. مزمور داوید ای خداوند به سوی تو جان خود را برمی‌افرازم
۲. ای خد.ای من بر او توکل می‌دارم پس مگذار که خجل بشوم، و دشمنانم بر من فخر نمایند
۳. آری هر که انتظار تو می‌کشد خجل نخواهد شد، آنانی که خیانت می‌کنند خجل خواهند گردید
۴. ای خداوند طریق‌های خود را به من بیاموز، و راه‌های خویش را به من تعلیم ده
۵. من را به حقیقت خود سالک گردان و من را تعلیم ده، زیرا تو خد.ای نجات‌دهنده من هستی، تمامی روز منتظر تو بوده‌ام
۶. ای خداوند احسان‌ها و رحمت‌های خود را بیاد آور، چونکه آن‌ها از ازل بوده است
۷. خطایای جوانی و عصیانم را به یاد نیاور، ای خداوند به رحمت خود و به خاطر نیکوئی خویش من را یاد کن
۸. خداوند نیکو و عادل است، پس به گناه‌کاران طریق خود را خواهد آموخت
۹. مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد، و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد
۱۰. همهٔ راه‌های خداوند رحمت و حق است، برای آنانی که عهد و گواهی‌ها او را نگاه می‌دارند
۱۱. ای خداوند به خاطر اسم خود، گناه من را بیامرز زیرا که بزرگ است
۱۲. کیست آن آدمی که از خداوند می‌ترسد، اورا به طریقی که انتخاب کند خواهد آموخت
۱۳. جان او در نیکوئی شب را به سر خواهد برد، و ذریت او وارث زمین خواهند شد
۱۴. سرّ خداوند با ترسندگان اوست، و عهد او تا ایشان را تعلیم دهد
۱۵. چشمان من دائماً به سوی خداوند است، زیرا که او پای‌های من را از دام بیرون می‌آورد

۱۶. بر من آگاه شده رحمت بفرما، زیرا که تنها و مسکین هستم
۱۷. تنگی‌های دل منت زیاد شده است، من را از مشقت‌های من بیرون آور
۱۸. بر مسکنت و رنج من نظر افکن، و جمیع خطایایم را بیامرز
۱۹. بر دشمنانم نظر کن زیرا که بسیارند، و به کینۀ ظالمانه به من کینه می‌ورزند
۲۰. جانم را حفظ کن و من را رهائی ده، تا خجل نشوم زیرا بر تو توکل دارم
۲۱. کمال و راستی حافظ من باشند، زیرا که منتظر تو هستم
۲۲. ای خدا.ا (بنی) اسرائیل را خلاصی ده، از جمیع مشقت‌های وی

## مزمور بیست و ششم

۱. مزمور داوید، ای خداوند من را داد بده، زیرا که من در کمال خود رفتار نموده‌ام، و بر خداوند توکل داشته‌ام، پس نخواهم لغزید
۲. ای خداوند من را امتحان کن و من را بیازما، باطن و قلب من را مصفا گردان
۳. زیرا که رحمت تو در مدّنظر من است، و در راستی تو رفتار نموده‌ام
۴. با مردان باطل ننشسته‌ام، و با منافقین داخل نخواهم شد
۵. از جماعت بدکاران نفرت دارم، و با ظالمین نخواهم نشست
۶. دست‌های خود را در صفا می‌شویم، مذبح تو را ای خداوند طواف خواهم نمود
۷. تا آواز حمد تو را بشنوانم، و عجایب تو را اعلام نمایم
۸. ای خداوند محل خانۀ تو را دوست می‌دارم، و مقام سکونت جلال تو را
۹. جانم را با گناهکاران مگیر، و حیات من را با مردمان خون‌ریز قبض مکن
۱۰. که در دست‌های ایشان آزار است، ودست راست ایشان پر از رشوه است
۱۱. و اما من در کمال خود سالک می‌باشم، من را خلاصی ده و بر من رحم فرما
۱۲. پایم در جای هموار ایستاده است، خداوند را در جماعت‌ها متبارک خواهم خواند

## مزمور بیست و هفتم

۱. مزمور داوید، خداوند نور من و نجات من است از که بترسم، خداوند ملجای جان من است از که هراسان شوم
۲. چون شریران بر من نزدیک آمدند تا گوشت من را بخورند، یعنی خصمان و دشمنانم ایشان لغزیدند و افتادند
۳. اگر لشکری بر من فرود آید دلم نخواهد ترسید، اگر جنگ بر من برپا شود در این نیز اطمینان خواهم

داشت

۴. یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید، که تمام ایام عمرم در خانهٔ خداوند ساکن باشم، تا جمال خداوند را مشاهده کنم، و در محراب او تفکر نمایم

۵. زیرا که در روز بلا من را در سایبان خود نهفته، در پردهٔ خیمهٔ خود من را مخفی خواهد داشت، و من را بر صخره بلند خواهد ساخت

۶. و اینک بر ضد دشمنانم که گرداگردم می‌باشند، سربلند خواهم شد و قربانی‌هایی با گلبانگ شادی را در خیمهٔ او خواهم گذرانید، و برای خداوند سرود و تسبیح خواهم خواند

۷. ای خداوند چون به آواز خود می‌خوانم من را بشنو و رحمت فرموده من را مستجاب فرما

۸. دل من از جانب تو می‌گوید جمال من را بطلبید، بلی جمال تو را ای خداوند خواهم طلبید

۹. جمال خود را از من مپوشان، و بندهٔ خود را در خشم برمگردان، تو مددکار من بوده‌ای، ای خد.ای نجاتم من را رد مکن و ترک منما

۱۰. چون پدر و مادرم من را ترک کنند، آنگاه خداوند من را برمی‌دارد

۱۱. ای خداوند طریق خود را به من بیاموز، و به سبب (ضدیت با) دشمنانم من را به راه راست هدایت فرما

۱۲. من را به خواهش خصمانم مسپار، زیرا که شهود باطل و دمندگان ظلم بر من برخاسته‌اند

۱۳. اگر ایمان نداشتم که احسان خداوند را، در زمین زندگان ببینم

۱۴. برای خداوند منتظر باش و قوی شو، او دلت را تقویت خواهد داد، بلی منتظر خداوند باش

## مزمور بیست و هشتم

۱. مزمور داوید، ای خداوند نزد تو فریاد برمی‌آورم، ای صخرهٔ من نسبت به من خاموش مباش، مبادا اگر از من خاموش باشی، مثل آنانی باشم که به حفره فرو می‌روند

۲. آواز تضرع من را بشنو چون نزد تو استغاثه می‌کنم، و دست خود را به محراب قدس تو برمی‌افرازم

۳. من را با شریران و بدکاران مَکِش، که با همسایگان خود سخن صلح‌آمیز می‌گویند و آزار در دل ایشان است

۴. آن‌ها را به حسب کردار ایشان و موافق اعمال زشت ایشان بده، آن‌ها را مطابق عمل دست ایشان عقوبت بده، رفتار ایشان را به خود آنها برگردان

۵. چون که در اعمال خداوند و صنعت دست وی تفکر نمی‌کنند، ایشان را منهدم خواهد ساخت و بنا نخواهد نمود

۶. خداوند متبارک باد، زیرا که آواز تضرّع من را شنیده است

۷. خداوند قوت من و محافظ من است، دلم بر او توکل داشت و مدد یافته‌ام، پس دل من به وجد آمده

است، و به سرود خود او را حمد خواهم گفت

۸. خداوند قوت ایشان است، و برای ماشیح خود قلعۀ نجات‌دهنده است

۹. قوم خود را نجات بده و میراث خود را مبارک فرما، ایشان را هدایت کن و برافراز تا به ابد

## مزمور بیست و نهم

۱. مزمور داوید، ای فرزندان قدرتمندان خداوند را توصیف کنید، جلال و قدرت را برای خداوند توصیف نمایید

۲. خداوند را به جلال اسم او تمجید نمایید، خداوند را در شکوه قدوسیت سجده کنید

۳. آواز (رعد) خداوند فوق آب‌هاست، خد.ای صاحب جلال رعد می‌سازد، (خروش) خداوند بالای آب های بسیار است

۴. آواز خداوند با قوت است، آواز خداوند با جلال است

۵. آواز خداوند سروهای آزاد را می‌شکند، خداوند سروهای بلند لبنان را می‌شکند

۶. آن‌ها را مثل گوساله جهانید، لِوانُن و سیریون را مثل بچۀ گاو وحشی

۷. آواز خداوند زبانه‌های آتش را (در آسمان) می‌شکافد

۸. آواز خداوند صحرا را متزلزل می‌سازد، خداوند صحرای قادُش را متزلزل می‌سازد

۹. آواز خداوند غزال‌ها را به درد زه می‌اندازد، و جنگل را بی‌برگ می‌گرداند، و در محراب او جمیعاً جلال (او) را ذکر می‌کنند

۱۰. خداوند (در زمان) طوفان (بر کرسی قضاوت) جلوس نمود، خداوند که پادشاه است تا به ابد جلوس می نماید

۱۱. خداوند قوم خود را قوت خواهد بخشید، خداوند قوم خود را به سلامتی مبارک خواهد نمود

## مزمور سی‌ام

۱. سرود برای افتتاح خانه (خد.ا)، مزمور داوید

۲. ای خداوند بزرگواریت را تسبیح می‌خوانم زیرا که من را رهانیدی، و دشمنانم را بر من مفتخر نساختی

۳. ای خداوند خد.ای من، نزد تو استغاثه نمودم و من را شفا دادی

۴. ای خداوند جانم را از حفره بر آوردی، من را زنده ساختی تا به گور فرو نروم

۵. ای مقدسان خداوند او را بسرایید، و با ذکر قدوسیتش او را حمد گویید

۶. زیرا که غضب او لحظه‌ایست و در رضامندی او زندگانی، شامگاه گریه جاری می‌شود، صبحگاهان شادی رخ می‌نماید

۷. و اما من در کامیابی خود گفتم، تا به ابد لغزش نخواهم خورد
۸. ای خداوند به رضامندی خود من را بر کوهها استوار قرار دادی، و چون جمال خود را پوشانیدی پریشان شدم
۹. ای خداوند نزد تو فریاد برمی‌آورم، و نزد خداوند تضرع می‌نمایم
۱۰. در خون من چه فایده است چون به حفره فرو می‌روم، آیا خاک تو را حمد می‌گوید و راستی تو را با خبر خواهد کرد
۱۱. ای خداوند بشنو و به من کَرَم فرما، ای خداوند مددکار من باش
۱۲. ماتم من را برای من به رقص مبدل ساخته‌ای، پلاس را از من بیرون کرده و کمر من را به شادی بسته‌ای
۱۳. تا جلالم تو را سرود خوانَد و خاموش نشود، ای خداوند خد.ای من تو را تا به ابد حمد خواهم گفت

## مزمور سی و یکم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. ای خداوند بر تو توکل دارم، پس خجل نشوم تا به ابد، در عدالت خویش من را نجات بده
۳. توجه خود را به من فراگیر و من را به زودی برهان، برایم صخرهٔ قوی و خانهٔ استوار باش تا من را خلاصی دهی
۴. زیرا صخره و قلعهٔ من تو هستی، به خاطر نام خود من را هدایت و رهبری فرما
۵. من را از دامی که برایم پنهان کرده‌اند، بیرون آور زیرا قلعهٔ من تو هستی
۶. روح خود را به‌دست تو می‌سپارم، ای خداوند خد.ای حق تو من را فدیه دادی
۷. از آنانی که اباطیل دروغ را پیروی می‌کنند نفرت می‌کنم، و اما من بر خداوند توکل می‌دارم
۸. به رحمت تو وجد و شادی می‌کنم، زیرا مشقت من را دیده و جانم را در تنگی‌ها شناخته‌ای
۹. من را به دست دشمن اسیر نساخته‌ای، پای‌های من را در سعادت استوار گردانیده‌ای
۱۰. ای خداوند بر من رحمت فرما زیرا در تنگی هستم، چشم من از غصه کاهیده شد جانم و جسدم نیز (همچنین)
۱۱. زیرا که حیاتم از غم و سال‌هایم از ناله فانی گردیده است، قوّتم بخاطر گناهم ضعیف و استخوان‌هایم پوسیده شد
۱۲. نزد همهٔ دشمنانم خوار گردیده‌ام، خصوصاً نزد همسایگان خویش، و باعث خوف آشنایان شده‌ام، هر که من را بیرون ببیند از من می‌گریزد
۱۳. مثل مرده از خاطر فراموش شده‌ام، و مانند ظرفِ بی‌فایده شده گردیده‌ام
۱۴. زیرا که بهتان را از بسیاری شنیدم، و خوف گرداگرد من می‌باشد زیرا بر من با هم مشورت می‌کنند، و

در قصد جانم تفکر می‌نمایند

۱۵. و اما من بر تو ای خداوند توکل می‌دارم، و گفته‌ام خد.ای من تو هستی

۱۶. وقت‌های من در دست تو می‌باشد، من را از دست دشمنانم و جفا کنندگانم خلاصی ده

۱۷. روی خود را بر بنده‌ات تابان ساز، و من را به رحمت خود نجات بخش

۱۸. ای خداوند خجل نشوم چون که تو را خوانده‌ام، شریران خجل شوند و در گور خاموش باشند

۱۹. لب‌های دروغگو بسته شود، که به درشتی و تکبر و خواری بر عادلان سخن می‌گوید

۲۰. چه بسیار است احسان تو که برای ترسندگانت ذخیره کرده‌ای، و برای متوکلانت پیش بنی‌آدم ظاهر ساخته‌ای

۲۱. ایشان را در پردهٔ روی خود از زشتی‌های مردم خواهی پوشانید، ایشان را در خیمه‌ای از عداوت زبانها مخفی خواهی داشت

۲۲. متبارک باد خداوند که رحمت عجیب خود را، در شهری استوار به من ظاهر کرده است

۲۳. و اما من در حیرت خود گفتم که از نظر تو منقطع شده‌ام، لیکن چون نزد تو فریاد کردم آواز تضرع من را شنیدی

۲۴. ای جمیع مقدسانِ خداوند او را دوست دارید، خداوند درستکاران را محفوظ می‌دارد، و متکبران را مجازات کثیر می‌دهد

۲۵. قوی باشید و دل شما راتقویت خواهد داد، ای همگانی که برای خداوند انتظار می‌کشید

## مزمور سی و دوم

۱. قصیده داوید، خوشا به حال کسی که عصیان او آمرزیده شد، و گناه وی مستور گردید

۲. خوشا به حال کسی که خداوند به وی جرمی در حساب نیاورد، و درنیت او حیله‌ای نمی‌باشد

۳. هنگامی که خاموش بودم استخوان‌هایم پوسیده می‌شد، از نعره‌ای که تمامی روز می‌زدم

۴. چون که دست تو روز و شب بر من سنگین می‌بود، طراوت به خشکی تابستان مبدل گردید سلاه

۵. به گناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم، گفتم عصیان خود را نزد خداوند اقرار می‌کنم، پس تو گناهم راعفو کردی سلاه

۶. از این رو هر متقی در وقت اجابت نزد تو دعا کند که، وقتی که آب‌های بسیار به سیلان آیند هرگز بدو نرسند

۷. تو ملجای من هستی من را از تنگی حفظ خواهی کرد، من را به سرودهای نجات ترنم خواهی نمود سلاه

۸. تو را حکمت خواهم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود، و تو را با نظر خود که با تو

است نصیحت خواهم فرمود

۹. مثل اسب و قاطر بی‌فهم مباشید، که آن‌ها را برای بستن به دهنه و لگام زینت می‌دهند، تا به تو نزدیک نشود

۱۰. غم‌های شریر بسیار می‌باشند، اما هر که بر خداوند توکل دارد رحمت او را احاطه خواهد کرد

۱۱. ای صالحان در خداوند شادی و وجد کنید، و ای همهٔ راست‌دلان ترنم نمایید

## مزمور سی و سوم

۱. ای صالحان بخاطر خداوند شادی نمایید، زیرا که تسبیح خواندن راستان را می‌شاید

۲. خداوند را با بربط حمد بگویید، با عود ده تار او را سرود بخوانید

۳. سرودی تازه برای او بسرایید، نیکو بنوازید با آهنگ (بلند) تروعا

۴. زیرا کلام خداوند مستقیم است و جمیع کارهای او با امانت است

۵. عدالت و انصاف رادوست می‌دارد، جهان از رحمت خداوند پر است

۶. به کلام خداوند آسمانها ساخته شدند، و کل امکانات آنها به اراده و امر او (ایجاد شدند)

۷. آب‌های دریا را مثل توده جمع می‌کند، و لجه‌ها را در خزانه‌ها ذخیره می‌نماید

۸. تمامی اهل زمین از خداوند بترسند، جمیع سکنهٔ ربع مسکون از او بترسند

۹. زیرا که او گفت و شد، اوامر فرمود و برپا گردید

۱۰. خداوند مشورت امت‌ها را باطل می‌کند، تدبیرهای قبائل راباطل می‌گرداند

۱۱. مشورت خداوند استوار است تا به ابد، تدابیر (مورد) نظر او نسل بعد نسل

۱۲. خوشا به‌حال امتی که خداوند خد.ای ایشان است، و قومی که ایشان را برای میراث خود برگزیده است

۱۳. از آسمان خداوند نظر افکند، و جمیع بنی‌آدم را نگریست

۱۴. از مقام جلوس خویش نظر می‌افکند، بر جمیع ساکنان جهان

۱۵. او که دل‌های ایشان را جمیعاً سرشته است، و اعمال ایشان را درک می‌نماید

۱۶. پادشاه به زیادتی لشگر خلاص نخواهد شد، و جبار به بسیاری قوت رهایی نخواهد یافت

۱۷. نیروی اسب به جهت استخلاص بیهوده است، و به شدت قوت خود کسی را رهایی نخواهد داد

۱۸. اینک نظر خداوند بر آنانی است که از او می‌ترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را می‌کشند

۱۹. تا جان ایشان را از موت رهایی بخشد، و ایشان را در قحط زنده نگاه دارد

۲۰. جان ما منتظر (نجات) خداوند می‌باشد، او یاری‌گر و حافظ ماست

۲۱. زیرا که دل ما در او شادی می‌کند، و در نام قدوس او توکل می‌داریم

۲۲. ای خداوند رحمت تو بر ما باد، چنان که به تو امیدوار بوده‌ایم

## مزمور سی و چهارم

۱. مزمور داوید وقتی که منش خود را به‌حضور اَبیمِلِك تغییر داد و از حضور او بیرون رانده شده برفت
۲. خداوند را در هر وقت متبارک خواهم گفت، تسبیح او دائماً بر زبان من خواهد بود
۳. جان من بخاطر خداوند فخر خواهد کرد، مسکینان شنیده شادی خواهند نمود
۴. خداوند را با من تکبیر نمایید، نام او را با یکدیگر برافرازیم
۵. چون خداوند را طلبیدم من را مستجاب فرمود، و من را از جمیع ترس‌هایم خلاصی بخشید
۶. به سوی او نظر کردند و منور گردیدند، و رویهای ایشان خجل نشد
۷. این مسکین فریاد کرد و خداوند او را شنید، و او را از تمامی تنگی‌هایش رهایی بخشید
۸. فرشتهٔ خداوند گرداگرد ترسندگان او است، اُردو زده ایشان را می‌رهاند
۹. تشخیص دهید و ببینید که خداوند نیکو است، خوشا به حال شخصی که بدو توکل می‌دارد
۱۰. ای مقدسان خداوند از او بترسید، زیرا که ترسندگان او را هیچ کمی نیست
۱۱. شیربچگان بینوا شده، گرسنگی می‌کشند، و اما طالبان خداوند را از هیچ چیز نیکو کمی نخواهد بود
۱۲. ای فرزندان بیایید من را بشنوید، تا ترس خداوند را به شما تعلیم دهم
۱۳. کیست آن شخصی که آرزومند حیات است، و طول ایام را دوست می‌دارد تا نیکویی را ببیند
۱۴. زبانت را از بدی نگاه‌دار، و لب‌هایت را از سخنان حیله‌آمیز
۱۵. از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن، صلح را طلب نما و در پی آن بکوش
۱۶. نظر خداوند بسوی صالحان است، و توجه وی به سوی فریاد ایشان
۱۷. روی خداوند به سوی بدکاران است، تا ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد
۱۸. چون (صالحان) فریاد برآوردند خداوند ایشان را شنید، و ایشان را از همهٔ تنگی‌های ایشان رهایی بخشید
۱۹. خداوند نزدیک شکسته دلان است، روح کوفتگان را نجات خواهد داد
۲۰. بدیهایی (که بر) مرد صالح (حادث می‌شود) بسیار است، اما خداوند او را از همهٔ آنها خواهد رهانید
۲۱. همهٔ استخوان‌های ایشان را نگاه می‌دارد، که یکی از آنها شکسته نخواهد شد
۲۲. شریر را شرارت هلاک خواهد کرد، و از دشمنان مرد صالح مواخذه خواهد شد
۲۳. خداوند جان بندگان خود را فدیه خواهد داد، و از آنانی که بر وی توکل دارند مواخذه نخواهد شد

## مزمور سی و پنجم

۱. مزمور داوید، ای خداوند با خصمان من مخاصمه نما، و جنگ کن با آنانی که با من جنگ می‌کنند
۲. سپر و محافظ را بگیر، و به یاری من برخیز

۳. و نیزه را بیرون آور و راه را پیش روی جفاکنندگانم ببند، و به جان من بگو من نجات تو هستم
۴. خجل و رسوا شوند آنانی که قصد جان من دارند، و آنانی که بد اندیش من هستند به قهقرا رفته و خجل شوند
۵. مثل کاه در مقابل باد باشند، و فرشتهٔ خداوند ایشان را از خود براند
۶. راه ایشان تاریک و لغزنده باد، و فرشتهٔ خداوند ایشان را از خود براند
۷. زیرا دام خود را برای من بی‌سبب در حفره‌ای پنهان کردند، که آن را برای جان من بی‌جهت کنده بودند
۸. هلاکت ناگهانی بدو برسد، و دامی که پنهان کرد خودش را بگیرد، و در آن به هلاکت گرفتار گردد
۹. و اما جان من در خداوند شادی خواهد کرد، و در نجات او ترنم خواهد نمود
۱۰. همهٔ استخوان‌هایم می‌گویند ای خداوند کیست مانند تو، که مسکین را از شخص قوی‌تر از او می‌رهاند، و مسکین و فقیر را از تاراج کنندهٔ وی
۱۱. کینه‌توزان برخاسته‌اند، چیزهایی را که نمی‌دانستم از من می‌پرسند
۱۲. به عوض نیکویی بدی به من می‌کنند جان من را بی‌کس گردانیده‌اند
۱۳. و اما من چون ایشان بیمار بودند پلاس می‌پوشیدم، جان خود را به روزه می‌رنجانیدم، و دعایم به سینه‌ام برمی‌گشت
۱۴. مثل آنکه او دوست و برادرم بود، سرگردان می‌رفتم، چون کسی که برای مادرش ماتم گیرد از حزن خم می‌شدم
۱۵. ولی چون افتادم شادی کنان جمع شدند، آن فرومایگان بر من جمع شدند، و کسانی که نشناخته بودم من را دریدند و ساکت نشدند
۱۶. مثل بدکارانی که برای لقمه نان مسخرگی می‌کنند، دندانهای خود را بر من می‌فشارند
۱۷. ای خداوند تا به کی نظر خواهی کرد، جان من را از خرابی‌های ایشان برهان و یگانهٔ من را از شیربچه گان
۱۸. و تو را در جماعت بزرگ حمد خواهم گفت، تو را در میان قوم عظیم تسبیح خواهم خواند
۱۹. تا آنانی که بی‌سبب دشمن من هستند بر من فخر نکنند، و آنانی که بر من بی‌سبب بغض می‌نمایند چشمک نزنند
۲۰. زیرا از صلح سخن نمی‌گویند، و بر آنانی که در زمین آرامند سخنان حیله‌آمیز را تفکر می‌کنند
۲۱. و دهان خود را بر من باز کرده، می‌گویند هه هَه چشم ما دیده است
۲۲. ای خداوند تو آن را دیده‌ای پس سکوت نفرما، ای خداوند از من دور مباش
۲۳. خویشتن را برانگیز و برای داد من بیدار شو، ای خد.ای من و خداوند من برای دعوی من

۲۴. ای خداوند خد.ایم من را موافق عدل خود داد بده، مبادا برمن شادی نمایند
۲۵. تا در دل خود نگویند اینک مراد ما، تا نگویند او را بلعیده‌ایم
۲۶. و آنانی که در بدی من شادند با هم خجل و شرمنده شوند، و آنانی که بر من تکبر می‌کنند به خجلت و رسوایی مشهور شوند
۲۷. آنانی که خواهان حق من هستند ترنم و شادی نمایند، و دائما گویند خداوند بزرگ است که به سلامتی بندهٔ خود رغبت دارد
۲۸. و زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد، و تسبیح تو را تمامی روز

## مزمور سی و ششم

۱. برای سالار مغنیان مزمور داوید بندهٔ خد.اوند
۲. در قلبم می‌اندیشم که گناه به ظلم می‌گوید که ترس خداوند مد نظر او نباشد
۳. زیرا خویشتن را در نظر خود تملق می‌گوید، تا گناهش ظاهر نشود ومکروه نگردد
۴. سخنان زبانش شرارت و حیله است، از دانشمندی و نیکوکاری دست برداشته است
۵. شرارت را بر بستر خود تفکر می‌کند، خود را به راه ناپسند رهرو کرده از بدی نفرت ندارد
۶. ای خداوند رحمت تو در آسمان‌هاست، و امانت تو تا افلاک
۷. عدالت تو مثل کوه‌های خد.است و احکام تو لجهٔ عظیم، ای خداوند انسان و بهائم را نجات می‌دهی
۸. ای خدا رحمت تو چه ارجمند است، بنی‌آدم زیر سایهٔ بال‌های تو پناه می‌برند
۹. از فراوانی خانهٔ تو سیراب می‌شوند، از نهر خوشی‌های خود ایشان را می‌نوشانی
۱۰. زیراکه نزد تو چشمهٔ حیات است، و در نور تو روشنایی را خواهیم دید
۱۱. رحمت خود را برای عارفان خود مستدام فرما، و عدالت خود را برای راست‌دلان
۱۲. پای تکبر بر من نیاید، و دست شریران من را گریزان نسازد
۱۳. در آنجا بدکرداران افتاده‌اند، ایشان انداخته شده‌اند و نمی‌توانند برخاست

## مزمور سی و هفتم

۱. مزمور داوید، به سبب شریران خویشتن را مشوش مساز، و بر فتنه‌انگیزان حسد مبر
۲. زیرا که مثل علف به زودی بریده می‌شوند، و مثل سبزه پژمرده خواهند شد
۳. بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن، در زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو
۴. و از خداوند تمتع ببر، پس مسئلت دل تو را به تو خواهد داد
۵. طریق خود را به خداوند بسپار، و بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد

۶. و عدالت تو را مثل نور بیرون خواهد آورد، و انصاف تو را مانند ظُهر

۷. نزد خداوند خاموش شو و منتظر او بمان، و از (مشاهده) شخص به‌ظاهر موفق و مرد حیله‌گر (که موفق است) خود را مشَوش مساز

۸. از غضب برکنار شو و خشم را ترک کن، خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد

۹. زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود

۱۰. هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، او را جستجو خواهی کرد و نخواهد بود

۱۱. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد، و از فراوانی سلامتی خوشنود خواهند گردید

۱۲. شریر بر مرد عادل تعرض می‌کند، و دندان‌های خود را بر او می‌افشرد

۱۳. خداوند بر او خواهد خندید، زیرا می‌بیند که روز او می‌آید

۱۴. شریران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده‌اند، تا مسکین و فقیر را بیندازند، و راست روان را مقتول سازند

۱۵. شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو خواهد رفت، کمانهای ایشان شکسته خواهد شد

۱۶. نعمتِ اندکِ یک مرد صالح بهتر است، از اندوخته‌های شریران کثیر

۱۷. زیرا که بازوهای شریران شکسته خواهد شد، و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند

۱۸. خداوند روزهای کاملان را می‌داند، و میراث ایشان خواهد بود تا به ابد

۱۹. در زمان بلا خجل نخواهند شد، و در ایام قحط سیر خواهند بود

۲۰. زیرا شریران هلاک می‌شوند، و دشمنان خداوند مثل خرمی مرتع‌ها فانی خواهند شد، آری مثل دود فانی خواهند گردید

۲۱. شریر قرض می‌گیرد و وفا نمی‌کند، و اما صالح رحیم و بخشنده است

۲۲. زیرا آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند، و اما آنانی که لعنت شده‌اند منقطع خواهند شد

۲۳. خداوند قدم‌های انسان را مستحکم می‌سازد، و به طریق او رغبت دارد

۲۴. اگرچه بیفتد افکنده نخواهد شد، زیرا خداوند دستش را می‌گیرد

۲۵. من جوان بودم و حالا پیر هستم، و مرد صالح را هرگز متروک ندیده‌ام، و نه نسلش را که گدای نان بشوند

۲۶. تمامی ایام مهربان است و قرض دهنده، و ذریّت او مبارک خواهند بود

۲۷. از بدی بر کنار شو و نیکویی بکن، پس (در آرامش) ساکن خواهی بود تا ابد

۲۸. زیرا خداوند انصاف را دوست می‌دارد و متقیان خود را ترک نخواهد فرمود، ایشان محفوظ خواهندبود تا ابد، و اما نسل شریر منقطع خواهد شد

۲۹. صالحان وارث زمین خواهند بود، و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود

۳۰. دهان صالح حکمت را بیان می کند، و زبان او انصاف را ذکر می‌نماید

۳۱. شریعت خد.ای وی در دل اوست، پس قدم‌هایش نخواهد لغزید

۳۲. شریر برای صالح کمین می کند، و قصد قتل وی می کند

۳۳. خداوند او را در دستش ترک نخواهد کرد، و چون به داوری آید او را (در مقابل شریر) محکوم نخواهد کرد

۳۴. منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه‌دار، تا تو را به وراثت زمین برافرازد، چون شریران متقطع شوند آن را خواهی دید

۳۵. شریر را دیدم که ظلم پیشه بود، و مثل درخت بومی سبز (ریشه) خود را به هر سو می کشید

۳۶. اما گذشت و اینک نیست گردید، و او را جستجو کردم و یافت نشد

۳۷. مرد کامل را ملاحظه کن و مرد راست را ببین، زیرا که عاقبت آن مرد سلامتی است

۳۸. اما خطاکاران همه هلاک خواهند گردید، و عاقبت شریران منقطع خواهد شد

۳۹. و نجات صالحان از خداوند است، و در وقت تنگی او قلعهٔ ایشان خواهد بود

۴۰. و خداوند ایشان را یاری کرده، نجات خواهد داد، ایشان را از شریران خلاص کرده خواهد رهانید، زیرا بر او توکل دارند

## مزمور سی و هشتم

۱. مزمور داوید برای تذکر

۲. ای خداوند من را در غضب خود توبیخ منما، و در خشم خویش تادیبم مفرما

۳. زیرا که تیرهای تو در من فرو رفته، و دست تو بر من فرود آمده است

۴. در جسم من به سبب غضب تو صحتی نیست، و در استخوان‌هایم به سبب خطای خودم سلامتی نی

۵. زیرا گناهانم از سرم گذشته است، مثل بارگران از طاقتم سنگین‌تر شده

۶. جراحات من متعفن و له شده است، به سبب حماقت من

۷. بخود می‌پیچیم و بی نهایت خمیده شده‌ام، تمامی روز مکدّر هستم

۸. زیرا کمر من از سوزش پر شده است، و در جسم من صحتی نیست

۹. من بی‌حس و بی‌نهایت کوفته شده‌ام، و از فغان دل خود نعره می‌زنم

۱۰. ای خداوند تمامی آرزوی من مدّنظر تو است، و ناله‌های من از تو مخفی نمی‌باشد

۱۱. دل من می‌طپد و قوّتم از من رفته است، و نور چشمانم نیز با من نیست

۱۲. دوستان و رفیقانم از بلای من به کناری می‌ایستند، و خویشان من دور ایستاده‌اند

۱۳. آنانی که قصد جانم دارند دام می گسترند، و بد اندیشانم سخنان فتنه‌انگیز می گویند، و تمام روز حیله را

تفکر می‌کنند

۱۴. و اما من مثل کری نمی‌شنوم، و مانند گنگم که دهان خود را باز نکند
۱۵. و مثل کسی گردیده‌ام که نمی‌شنود، و کسی که بر زبانش حرفی نباشد
۱۶. زیرا که ای خداوند انتظار تو را می‌کشم، تو ای خداوند خد.ایم جواب خواهی داد
۱۷. چونکه گفته‌ام مبادا بر من شادی نمایند، و چون پایم بلغزد بر من تکبر کنند
۱۸. زیرا که من مستعد لغزش می‌باشم، و درد من همیشه پیش روی من است
۱۹. زیرا گناه خود را اعلام می‌نمایم، و بخاطر خطای خود نگران هستم
۲۰. اما دشمنانم زنده و زورآوراند، و آنانی که بی‌سبب بر من بغض می‌نمایند بسیاراند
۲۱. و آنانی که به عوض نیکی به من بدی می‌رسانند، بر من دشمنی می‌ورزند زیرا نیکویی را پیروی می‌کنم
۲۲. ای خداوند من را ترک منما، ای خد.ای من از من دور مباش
۲۳. و برای یاری من تعجیل فرما ای خد.اوندی که نجات من هستی

## مزمور سی و نهم

۱. برای یِدوتون سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. گفتم راه‌های خود را حفظ خواهم کرد تا به زبانم خطا نورزم، دهان خود را به لجام نگاه خواهم داشت مادامی که شریر پیش من است
۳. من گنگ بودم و خاموش و از (بیان) نیکویی نیز سکوت کردم، و درد من به‌حرکت آمد
۴. دلم در اندرونم گرم شد، چون تفکر می‌کردم آتش (در دلم) افروخته گردید، پس به زبان خود سخن گفتم
۵. ای خداوند اجل من را بر من معلوم ساز، و مقدار ایام من را که چیست، تا بفهمم چقدر فانی هستم
۶. اینک روزهایم را مثل یک وجب ساخته‌ای، و زندگانی‌ام در نظر تو هیچ است، یقیناً آدمی بطالت محض قرار داده شد سلاه
۷. اینک انسان در خیال رفتار می‌کند، و برای باطل مضطرب می‌گردد، ذخیره می‌کند و نمی‌داند کیست که از آن تمتّع خواهد برد
۸. و حالا ای خداوند برای چه منتظر باشم، امید من بر تو می‌باشد
۹. من را از همهٔ گناهانم برهان، من را نزد جاهلان ناچیز مگردان
۱۰. من گنگ بودم و زبان خود را باز نکردم، زیرا که تو این‌را خواستی
۱۱. بلای خود را از من بردار، زیرا که از قدرت دست تو من تلف می‌شوم
۱۲. چون انسان را به سبب گناهش مکافات می‌کنی، نفایس او را مثل بید می‌گدازی، یقیناً هر انسان بطالت

محض است سلاه

۱۳. ای خداوند دعای من را بشنو و به فریادم گوش بده و از (مشاهده) اشک‌هایم ساکت مباش زیرا که من غریب هستم در نزد تو، و ساکن هستم مثل جمیع پدران خود

۱۴. روی (خشم) خود را از من بگردان تا تقویت شوم، قبل از آنکه رحلت کنم و نایاب گردم

## مزمور چهلم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید

۲. انتظار بسیار برای خداوند کشیده‌ام، و به من مایل شده فریاد من را شنید

۳. و من را از چاه هلاکت برآورد و از باتلاق، و پای‌هایم را بر صخره گذاشته قدم‌هایم را مستحکم گردانید

۴. و سرودی تازه در دهانم گذارد یعنی حمد خد.ای ما را، بسیاری چون این را بینند ترسان شده بر خداوند توکل خواهند کرد

۵. خوشا به حال کسی که بر خداوند توکل دارد، و به متکبران ظالم و منحرفین به کذب مایل نشود

۶. ای خداوند خد.ای ما چه بسیار است کارهای عجیب که تو کرده‌ای، و تدبیرهایی که برای ما نموده‌ای، در نزد تو آنها را نتوان ارزش نهاد اگر آنها را تقریر و بیان بکنم، از حد شمار بیرون است

۷. در قربانی و هدیه رغبت نداشتی، اما گوش‌های من را (برای شنیدن و پذیرفتن اوامرت) باز کردی، قربانی سوختنی و قربانی گناه را نخواستی

۸. آنگاه گفتم اینک می‌آیم (که آنچه را که) در طومار کتاب دربارهٔ من نوشته شده است (بجا آورم)

۹. در به جا آوردن ارادهٔ تو ای خد.ای من رغبت می‌دارم، و شریعت تو در اندرون دل من است

۱۰. در جماعت بزرگ به عدالت بشارت داده‌ام، اینک لب‌های خود را باز نخواهم داشت، و تو ای خداوند می‌دانی

۱۱. عدالت تو را در دل خود مخفی نداشته‌ام، امانت و نجات تو را بیان کرده‌ام. رحمت و راستی تو را از جماعت بزرگ پنهان نکرده‌ام

۱۲. پس تو ای خداوند لطف خود را از من باز مدار، رحمت و راستی تو دائماً من را محافظت کند

۱۳. زیرا که بلایای بیشمار من را احاطه می‌کنند، گناهانم دور من را گرفته‌اند به حدی که نمی‌توانم دید، از موهای سر من زیادترند، و دل من من‌را ترک کرده است

۱۴. ای خداوند مرحمت فرموده من را نجات بده، ای خداوند به یاری من تعجیل فرما

۱۵. آنانی که قصد هلاکت جان من دارند، جمیعاً خجل و شرمنده شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند، به عقب برگردانیده و رسوا گردند

۱۶. آنانیکه بر من هَه هَه می‌گویند، به سبب خجالت خویش حیران شوند
۱۷. و اما جمیع طالبان تو در تو وجد و شادی نمایند، و آنانی که نجات تو را دوست دارند، دائماً گویند که خداوند بزرگ است
۱۸. و اما من مسکین و فقیر هستم، و خداوند (این را) دربارهٔ من در نظر می‌آورد، تو مدد دهنده و نجات دهندهٔ من هستی، ای خد.ای من تاخیر مفرما

## مزمور چهل و یکم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. خوشا به‌حال کسی که برای فقیر تفکر می‌کند. خداوند او را در روز بلا خلاصی خواهد داد
۳. خداوند او را محافظت خواهد کرد و زنده (نگه) خواهد داشت، او در زمین مبارک خواهد بود، و او را به آرزوی دشمنانش تسلیم نخواهد کرد
۴. خداوند او را بر بستر بیماری یاری خواهد نمود، تمامی خوابگاه او را در بیماریش زیر و رو خواهد کرد
۵. من گفتم ای خداوند بر من رحم نما، جان من را شفا بده زیرا به تو گناه ورزیده‌ام
۶. دشمنانم دربارهٔ من به بدی سخن می‌گویند، که کِی بمیرد و نام او گُم شود
۷. و اگر برای دیدن من بیاید سخن باطل می‌گوید، و دلش در خود شرارت را جمع می‌کند، چون بیرون رود آن را شایع می‌کند
۸. و تمامی دشمنانم با یکدیگر بر من نمّامی می‌کنند، و دربارهٔ من بدی می‌اندیشند
۹. که حادثه‌ای مهلک بر او واقع شده است، و حال که خوابیده است دیگر نخواهد برخاست
۱۰. و آن دوست خالص من که بر او اعتماد می‌داشتم که نان من را نیز می‌خورد، پاشنهٔ خود را بر من بلند کرد
۱۱. و اما تو ای خداوند بر من رحم فرموده من را بر پا بدار، تا مجازات به ایشان رسانم
۱۲. از این می‌دانم که در من رغبت داری، زیرا که دشمنم بر من فخر نمی‌نماید
۱۳. و من را به سبب کمالم مستحکم نموده‌ای، و من را به حضور خویش دائماً برپا خواهی نمود
۱۴. خداوند خد.ای (بنی) اسرائیل متبارک باد، از ازل تا به ابد آمین و آمین

## مزمور چهل و دوم

۱. برای سالار مغنیان، قصیدهٔ بنی‌قورح
۲. چنان که آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنان ای خد.ا جان من اشتیاق شدید برای تو

دارد

۳. جان من تشنهٔ خد.است تشنهٔ خد.ای حَی، که کی بیایم و به حضور خد.ا حاضر شوم

۴. اشک‌هایم روز و شب نان من بود، چون تمامی روز من را می‌گفتند خد.ای تو کجاست

۵. چون این را بیاد می‌آورم جان خود را بر خود آگاه می‌سازم، چگونه با جماعت می‌رفتم و ایشان را بخانهٔ خد.ا پیش می‌بردم، به آواز ترنم و تسبیح درگروه عیدگزاران

۶. ای جانم چرا خمیده شده‌ای، و چرا در من پریشان گشته‌ای، بر خد.ا امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت

۷. ای خد.ای من جانم در من منحنی شد، بنابراین تو را (بخاطر معجزاتت) از زمین اُردُن یاد خواهم کرد، از کوه‌های حرمون و از جبل مِصْعَر

۸. لجه به لجه ندا می‌دهد از آواز آبشارهای تو، جمیع خیزاب‌ها و موج‌های تو بر من گذشته است

۹. در روز خداوند رحمت خود را خواهد فرمود، و در شب سرود او با من خواهد بود و دعا نزد خداوند حیات من

۱۰. به خد.ا گفته‌ام ای صخرهٔ من چرا من را فراموش کرده‌ای، چرا به سبب ظلم دشمن ماتم‌کنان عبور نمایم

۱۱. دشمنانم به کوبیدگی در استخوان‌هایم من را ملامت می‌کنند، چون که همه روزه من را می‌گویند خد.ای تو کجاست

۱۲. ای جان من چرا خمیده شده‌ای و چرا در من پریشان گشته‌ای، بر خد.ا امید دار زیرا که او را او باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خد.ای من است

## مزمور چهل و سوم

۱. ای خد.ا من را داوری کن، و دعوای من را با قوم بی‌رحم داوری فرما، و از شخص حیله‌گر و ظالم من را خلاصی ده

۲. زیرا تو خد.ای قوت من هستی چرا من را دور انداختی، چرا به سبب ستم دشمن ماتم‌کنان عبور نمایم

۳. نور و راستی خود را بفرست تا من را هدایت نمایند، و من را به کوه مقدس تو و مسکن‌های تو رسانند

۴. آنگاه به مذبح خد.ا خواهم رفت، به سوی خد.ایی که سرور و خرمی من است، و تو را ای خد.ا خد.ای من با بربط تسبیح خواهم گفت

۵. ای جان من چرا خمیده شده‌ای، و چرا در من پریشان گشته‌ای، امید بر خد.ا دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خد.ای من است

## مزمور چهل و چهارم

۱. برای سالار مغنیان، قصیدهٔ بنی‌قورح

۲. ای خد.ا به‌گوش‌های خود شنیده‌ایم، و پدران ما، ما را خبر داده‌اند، از کاری که در روزهای ایشان و در ایام گذشته کرده‌ای

۳. تو به دست خود امت‌ها را بیرون کردی اما ایشان (بنی‌اسرائیل) را غرس نمودی، قوم‌ها را تباه کردی اما ایشان را منتشر ساختی

۴. زیرا که به شمشیر خود زمین را تسخیر نکردند، و بازوی ایشان، ایشان را نجات نداد بلکه دست راست تو و بازو و نور روی تو، زیرا از ایشان خرسند بودی

۵. ای خد.ا تو پادشاه من هستی، پس بر نجات یعقوب امر فرما

۶. به مدد تو دشمنان خود را خواهیم افکند، و به‌نام تو مخالفان (دشمنان) خویش را پایمال خواهیم ساخت

۷. زیرا بر کمان خود توکل نخواهم داشت، و شمشیرم من را خلاصی نخواهد داد

۸. بلکه تو ما را از دشمنان ما خلاصی دادی، و کینه‌توزان ما را خجل ساختی

۹. تمامی روز بر خد.ا فخر خواهیم کرد، و نام تو را تا به ابد تسبیح خواهیم خواند سلاه

۱۰. لیکن اینک تو ما را دور انداخته و رسوا ساخته‌ای، و با لشگرهای ما بیرون نمی‌آیی

۱۱. و ما را از پیش دشمن روگردان ساخته‌ای، وخصمان ما برای خویشتن تاراج می‌کنند

۱۲. ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کرده‌ای، و ما را در میان امت‌ها پراکنده ساخته‌ای

۱۳. قوم خود را بی‌بها فروختی، و از فروش ایشان سود نبردی

۱۴. ما را نزد همسایگان ما ناچیز گردانیدی، اهانت و سخریهٔ نزد آنانی که گرداگرد مایند

۱۵. ما را در میان امت‌ها ضرب‌المثل ساخته‌ای، (موجب) جنبانیدن سر (به عنوان تحقیر) در میان قوم‌ها(قرار داده‌ای)

۱۶. ورسوایی من همه روزه در نظر من است، و خجالت رویم من را پوشانیده است

۱۷. از آواز ملامت‌گو و فحّاش، از روی دشمن و انتقام گیرنده

۱۸. این همه بر ما واقع شد، اما تو را فراموش نکردیم و در عهد تو خیانت نورزیدیم

۱۹. دل ما به گذشته برنگردید، و پای‌های ما از طریق تو انحراف نورزید

۲۰. هر چند ما را در مکان اژدَرها کوبیدی، و ما را به سایهٔ مرگ پوشانیدی

۲۱. نام خد.ای خود را هرگز فراموش نکردیم، و دست خود را به خد.ای غیر برافراشته نکردیم

۲۲. آیا خد.ا این را بررسی نخواهد کرد، زیرا او نهانخانه‌های قلب را می‌داند

۲۳. هر آینه بخاطر تو تمامی روز کشته می‌شویم، ومثل گوسفندان ذبح شده شمرده می‌شویم

۲۴. ای خداوند بیدار شو چرا خوابیده‌ای، برخیزای و ما را تا به ابد دور مینداز

۲۵. چرا جمال خود را پوشانیدی، و ذلّت و تنگی ما را فراموش کردی

۲۶.	زیرا که جان ما تا به خاک خم (و پست) شده است، و شکم ما به زمین چسبیده

۲۷.	به جهت یاری ما برخیز، و به‌خاطر رحمانیت خود ما را فدیه ده

## مزمور چهل و پنچم

۱.	برای سالار مغنیان بر شوشنیم، قصیدهٔ بنی‌قورح، سرود حبیبات

۲.	دل من به کلام نیکو می‌جوشد، انشاء خود را دربارهٔ پادشاه می‌گویم زبان من چون نویسنده ماهر است

۳.	تو جمیل‌تر هستی از بنی‌آدم و وقار بر لب‌های تو ریخته شده است، بنابراین خد.ا تو را مبارک ساخته است تابه‌ابد

۴.	ای توانگر شمشیر خود را بر بالای خود ببند، یعنی جلال و کبریایی خویش را

۵.	و به کبریایی خود سوار شده غالب شو به خاطر حقیقت و تواضع وصداقت (ات) هدایت خواهی شد که با یمینت (اعمال) مهیب (انجام دهی)

۶.	به تیرهای تیز تو امت‌ها زیر (پای) تو می‌افتند، و (این تیرها) به دل دشمنان پادشاه فرو می‌رود

۷.	ای خد.ا تخت تو تا به ابد است، راستی سلطنت تو است

۸.	عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی، بنابراین خد.ای تو، تو را به روغن شادمانی بیش‌تر از رفقایت مسح کرده است

۹.	همهٔ رخت‌های تو مّر و عود و سلیخه است، از قصرهای عاج که (خارج می‌شدی) به تارها تو را خوش ساختند

۱۰.	(در بین) دختران پادشاهان (که) از زنان نجیب تو هستند، ملکه به دست راستت (مزین) به طلای اوفیر ایستاده است

۱۱.	ای باکره بشنو و ببین و گوش خود را فرادار، و قوم خود و خانهٔ پدرت را فراموش کن

۱۲.	تا پادشاه مشتاق جمال تو بشود، زیرا او خداوند تو است پس او را عبادت نما

۱۳.	و دختر صور با ارمغانی، و دولتمندان قوم رضامندی تو را خواهند طلبید

۱۴.	دختر پادشاه همیشه در اندرون (قصر) بلند مرتبه است، و رخت‌های او با طلا مرصع است

۱۵.	به لباس آراسته نزد پادشاه حاضر می‌شود، دوشیزگان همراهان او در عقب وی نزد تو آورده خواهند شد

۱۶.	به شادمانی و خوشی آورده می‌شوند، و به قصر پادشاه داخل خواهند شد

۱۷.	به عوض پدرانت پسرانت خواهند بود، و ایشان را بر تمامی جهان سروران خواهی ساخت

۱۸.	نام تو را در همهٔ جهان ذکر خواهم کرد، پس قوم‌ها تو را حمد خواهند گفت تا به ابد

## مزمور چهل و ششم

۱. برای سالار مغنیان، سرود بنی‌قورح بر علاموت
۲. خد.ا ملجا و قوت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوراً یاری می‌رساند
۳. پس نخواهیم ترسید اگرچه جهان دگرگون گردد، و کوه‌ها در قعر دریا به لرزش آید
۴. اگر چه آب‌هایش بخروشند و به جوش آیند، و کوه‌ها از سرکشی آن متزلزل گردند سلاه
۵. نهری است که شعبه‌هایش شهر خد.ا را فرحناک می‌سازد، و مسکن قدوس (خد.اوند) متعال را
۶. خد.ا همراه اوست پس لغزش نخواهد خورد، خد.ا او را یاری خواهد کرد در طلوع صبح
۷. امت‌ها خروشیدند و مملکت‌ها لغزیدند، (چون) او آواز خود را داد پس جهان گداخته گردید
۸. خد.ای "صوااُت" با ماست، و خد.ای یعقوب قلعهٔ بلند ما سلاه
۹. بیایید کارهای خداوند را نظاره کنید، که چه خرابی‌ها در جهان گذارد
۱۰. او جنگ‌ها را تا اقصای جهان فیصله می‌دهد، کمان را می‌شکند و نیزه را قطع می‌کند و عرابه‌ها را به آتش می‌سوزاند
۱۱. باز ایستید و بدانید که من خد.ا هستم، در میان امت‌ها متعال و در جهان متعال خواهم شد
۱۲. خد.ای "صوااُت" با ماست، و خد.ای یعقوب قلعهٔ بلند ما سلاه

## مزمور چهل و هفتم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور بنی‌قورح
۲. ای جمیع امت‌ها دستک زنید، نزد خد.ا به آواز شادی بانک برآورید
۳. زیرا خداوند متعال و مهیب است، و بر تمامی جهان پادشاه بزرگ
۴. قوم‌ها را در زیر (دست) ما آرام خواهد ساخت، و طایفه‌ها را در زیر پای‌های ما
۵. میراث ما را برای ما خواهد برگزید، یعنی جلالت یعقوب را که دوست می‌دارد سلاه
۶. خد.ا به آواز بلند (در نظر بندگان خود) اعتلا یافته است، خداوند به آواز کرنا
۷. تسبیح بخوانید خد.ا را تسبیح بخوانید، تسبیح بخوانید پادشاه ما را تسبیح بخوانید
۸. زیرا خد.ا پادشاه تمامی جهان است، به خردمندی تسبیح بخوانید
۹. خد.ا بر امت‌ها سلطنت می‌کند، خد.ا بر تخت قدس خود نشسته است
۱۰. سروران قوم‌ها با قوم خد.ای ابراهیم جمع شده‌اند، زیرا که سپرهای جهان از آن خد.است، او بسیار متعال می‌باشد

## مزمور چهل و هشتم

۱. سرود و مزمور بنی‌قورح

۲.	خداوند بزرگ است و بی‌نهایت ستوده، در شهر خد.ای ما و در کوه مقدس خویش
۳.	جمال خداوند در بزرگواریش، و شادی تمامی جهان در کوه صیون است، در جوانب شمال قلمرو و پادشاه بزرگ
۴.	خد.ا در قصرهای آن (چون متجلی می‌گردد) به پناهگاهی بلند معروف است
۵.	زیرا اینک پادشاهان جمع شدند، و با هم (از کوه مقدس) عبور کردند
۶.	ایشان چون (شکوه را) دیدند متعجب گردیدند، و در حیرت افتاده فرار کردند
۷.	لرزه بر ایشان در آنجا مستولی گردید، و درد شدید مثل زنی که می‌زاید
۸.	تو کِشتی‌های ترشیش را، به باد شرقی شکستی
۹.	چنان که شنیده بودیم همچنان دیده‌ایم، در شهر خد.ای صوااُت در شهر خد.ای ما، خد.ا آن را تا به ابد مستحکم خواهد ساخت سلاه
۱۰.	ای خد.ا احسانت را در میان محرابت تفکر نمودیم، در اندرون هیکل تو
۱۱.	ای خد.ا چنان که نام تو است همچنان تسبیح تو نیز تا اقصای زمین، یمین تو از عدالت پُر است
۱۲.	کوه صیون شادی می‌کند و دختران یهودا به وجد می‌آیند، به سبب داوری‌های تو
۱۳.	صیون را طواف کنید و گرداگرد او بخرامید، و برج‌های وی را بشمارید
۱۴.	دل خود را به حصارهایش بنهید، و در (بلندی) قصرهایش تأمل کنید، تا نسل را اطلاع دهید
۱۵.	زیرا این خد.ا خد.ای ماست تا به ابد، و ما را تا مرحله مرگ هدایت خواهد نمود

## مزمور چهل و نهم

۱.	برای سالار مغنیان، مزمور بنی‌قورح
۲.	ای تمامی قوم‌ها این را بشنوید، ای جمیع سَکَنهٔ ربع مسکون این را به گوش گیرید
۳.	ای عوام و خواص، ای دولتمندان و فقیران جمیعاً
۴.	زبانم به حکمت سخن می‌راند، و تفکر دل من هوشیاری است
۵.	گوش خود را به مثلی فرا میدهم، معمّای خویش را (با نواختن) بربط می‌گشایم
۶.	چرا در روزهای بلا ترسان باشم، چون گناه پاشنه‌هایم من را احاطه می‌کنند
۷.	آنانی که بر دولت خود اعتماد دارند، و بر کثرت توانگری خویش فخر می‌نمایند
۸.	هیچ کس هرگز برای برادر خود فدیه نخواهد داد، و کفارهٔ او را به خد.ا نخواهد بخشید
۹.	زیرا فدیهٔ جان ایشان گرانبها است، و ابداً بدان نمی‌توان رسید
۱۰.	تا زنده بماند تا به ابد، و گور را نبیند
۱۱.	زیرا می‌بیند که حکیمان می‌میرند، و جاهلان و ابلهان باهم هلاک می‌گردند، و دولت خود را برای

دیگران ترک می‌کنند

۱۲. فکر دل ایشان این است که خانه‌های ایشان دائمی باشد، و مسکن‌های ایشان ابدی، و نام‌های خود را بر زمین‌های خود می‌نهند

۱۳. لیکن انسان در حریم باقی نمی‌ماند، بلکه مثل بهایم است که هلاک می‌شود

۱۴. طریقهٔ ایشان جهالت ایشان است، و اعقاب ایشان سخن ایشان را می‌پسندند سلاه

۱۵. مثل گوسفندان در گور رانده می‌شوند، و مرگ ایشان را شبانی می‌کند، و صبحگاهان راستان بر ایشان حکومت خواهند کرد، و صورت ایشان در گور پوسیده خواهد شد، تا مسکنی برای آن نباشد

۱۶. لیکن خدا جان من را از گور نجات خواهد داد، زیرا که (دست) من را خواهد گرفت سلاه

۱۷. پس ترسان مباش چون کسی دولتمند گردد، و جلال خانهٔ او افزوده شود

۱۸. زیرا چون بمیرد چیزی از آن نخواهد برد، و مِکنَت او در عقب او فرو نخواهد رفت

۱۹. زیرا (ظالم) در حیات خود خویشتن را موفق می‌خواند، (ولی تو) چون بر خود احسان می‌کنی مردم تو را می‌ستایند

۲۰. لیکن به طبقهٔ پدران خود خواهد پیوست، که نور را تا به ابد نخواهند دید

۲۱. انسانی که در حریم است و فهم ندارد، مثل بهایم است که هلاک می‌شود

## مزمور پنجاهم

۱. مزمور آساف، خدا، خدا خداوند تکلم می‌کند، و زمین را از مطلع آفتاب تا به مغربش می‌خواند

۲. از صیون که کمال زیبائیست، خدا تجلی نموده است

۳. خدای ما می‌آید و سکوت نخواهد نمود، آتش پیش روی او می‌سوزاند، و طوفان شدید گرداگرد وی خواهد بود

۴. آسمان را از بالا می‌خواند، و زمین را تا قوم خود را داوری کند

۵. مقدسان من را نزد من جمع کنید، که عهد را با من به قربانی بسته‌اند

۶. و آسمان‌ها از انصاف او خبر خواهند داد، زیرا خدا خود داور است سلاه

۷. ای قوم من بشنو تا سخن گویم، و ای (بنی) اسرائیل تا برایت شهادت دهم، که خدا خدای تو من هستم

۸. دربارهٔ قربانی‌هایت تو را توبیخ نمی‌کنم، و قربانی‌های سوختنی تو دائماً در نظر من است

۹. گوساله‌ای از خانهٔ تو نمی‌گیرم، و نه بزی از آغل تو

۱۰. زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن من‌اند، و بهایمی که بر هزاران کوه می‌باشند

۱۱. همهٔ پرندگان کوه‌ها را می‌شناسم، و وحوش صحرا نزد من حاضرند

۱۲. اگر گرسنه می‌بودم تو را خبر نمی‌دادم، زیرا ربع مسکون و هر آنچه در اوست از آن من است

۱۳. آیا گوشت گاوان را بخورم، و خون بزها را بنوشم
۱۴. برای خد.ا قربانی تشکر را بگذران، و نذرهای خویش را به (خد.ای) متعال وفا نما
۱۵. پس در روز تنگی من را بخوان تا تو را خلاصی دهم، و من را تمجید بنمایی
۱۶. و اما به شریر، خد.ا می‌گوید، تو را چه کار است که فرائض من را بیان کنی و عهد من را به زبان خود بیاوری
۱۷. چون که تو از تأدیب نفرت داشته‌ای، و کلام من را پشت سر خود انداخته‌ای
۱۸. چون دزد را دیدی راضی شدی که با او (باشی)، و نصیب تو با زناکاران است
۱۹. دهان خود را به شرارت گشوده‌ای، و زبانت حیله را اختراع می‌کند
۲۰. نشسته‌ای تا به ضد برادر خود سخن رانی، و دربارهٔ پسر مادر خویش غیبت گوئی
۲۱. این عمل را کردی و من سکوت نمودم، پس گمان بردی که من مثل تو هستم، لیکن تو را توبیخ خواهم کرد، و این را پیش نظر تو به ترتیب خواهم نهاد
۲۲. ای فراموش‌کنندگان خد.ا در این تفکر کنید، مبادا شما را نابود سازم و رهاننده‌ای نباشد
۲۳. هر که قربانی تشکر را گذراند من را تمجید می‌کند، و آن که طریق خود را راست سازد، نجات خد.ا را به وی نشان خواهم داد

## مزمور پنجاه و یکم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. وقتی که ناتان نبی بعد از در آمدنش به بَتشبَع نزد او آمد
۳. ای خد.ا به حسب رحمت خود بر من رحم فرما، به حسب کثرت رأفت خویش گناهانم را محو ساز
۴. من را از عصیانم به کلی شست‌وشو ده، و از گناهم من را طاهر کن
۵. زیرا که من به معصیت خود اعتراف می‌کنم، و گناهم همیشه در نظر من است
۶. به تو و به تو تنها گناه ورزیده، و در نظر تو بدی کرده‌ام، تا در کلام خود مصدق گردی، و در داوری خویش مزکی شوی
۷. اینک در معصیت سرشته شدم، و مادرم در گناه به من آبستن گردید
۸. اینک به راستی در قلب من ساکن هستی، پس حکمت را در باطن من به من بیاموز
۹. من را با زوفا پاک کن تا طاهر شوم، من را شست‌وشو کن تا از برف سفیدتر گردم
۱۰. شادی و خرمی را به گوش من برسان، تا استخوان‌هایی که کوبیده‌ای به وجد آیند
۱۱. روی خود را از گناهانم بپوشان و همهٔ خطایای من را محو کن
۱۲. ای خد.ا دل طاهر در من بیافرین، و روح مستقیم در باطنم تازه بساز

۱۳. من را از حضور خود میانداز، و روح قدوس خود را از من مگیر
۱۴. شادی نجات خود را به من باز ده و به روح آزاد من را تأیید فرما
۱۵. آنگاه طریق تو را به خطاکاران تعلیم خواهم داد، و گناه‌کاران به سوی تو بازگشت خواهند نمود
۱۶. من را از خونریزی‌ها نجات ده ای خد.ایی که خد.ای نجات من هستی، تا زبانم به عدالت تو ترنم نماید
۱۷. خد.اوندا لب‌هایم را بگشا، تا دهانم تسبیح تو را اخبار نماید
۱۸. زیرا قربانی را دوست نداشتی و الّا می‌دادم، قربانی سوختنی را پسند نکردی
۱۹. قربانی‌های خد.ا روح شکسته است، خد.ایا دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد
۲۰. به رضامندی خود بر صیون احسان فرما، و حصارهای اورشلیم را بنا نما
۲۱. آنگاه از قربانی‌های عدالت و قربانی‌های سوختنی تمام راضی خواهی شد، و گوساله‌ها بر مذبح تو قربانی خواهند نمود

## مزمور پنجاه و دوم

۱. برای سالار مغنیان قصیدهٔ داوید
۲. وقتی که دواِگ‌ِادومی آمد و شائول را خبر داده گفت که داوید به خانهٔ اَخیملِخ رفت
۳. ای جبّار چرا از بدی فخر می‌کنی، رحمت خد.ا همیشه باقی است
۴. زبان تو در اندیشه شرارت است مثل تیغ تیزی (است) و حیله‌گری می‌کند
۵. بدی را از نیکویی بیشتر دوست می‌داری، و دروغ را زیادتر از راست‌گویی سلاه
۶. همهٔ سخنان مهلک را دوست می‌داری، ای زبان حیله‌باز
۷. خد.ا نیز تو را تا به ابد هلاک خواهد کرد و تو را ربوده از مسکن تو خواهد کَند، و تو را از زمین زندگان ریشه‌کن خواهد کرد سلاه
۸. عادلان این را دیده، خواهند ترسید، و بر او خواهند خندید
۹. هان این کسی است که خد.ا را قلعهٔ خویش ننمود بلکه به‌کثرت دولت خود توکل کرد، و از بدی خویش خود را زورآور ساخت
۱۰. و اما من مثل زیتون سرسبز در خانهٔ خد.ا هستم، به رحمت خد.ا توکل می‌دارم تا به ابد
۱۱. او را همیشه حمد خواهم گفت زیرا تو این را کرده‌ای، و انتظار نام تو را خواهم کشید زیرا نزد مقدسان تو نیکوست

## مزمور پنجاه و سوم

۱. برای سالار مغنیان بر مَحَلَت، قصیده داوید

۲. احمق در دل خود می‌گوید که خد.ایی نیست، فاسد شده شرارت مکروه کرده‌اند، و نیکوکاری نیست

۳. خد.ا از آسمان بر بنی‌آدم نظر انداخت، تا ببیند که انسان فهیم و طالب خد.ایی هست

۴. همهٔ ایشان مرتد شده با هم فاسد گردیده‌اند، نیکوکاری حتی یکی هم نیست

۵. آیا گناهکاران بی‌معرفت هستند، که قوم من را می‌خورند چنان که نان می‌خورند، و خد.ا را نمی‌خوانند

۶. آنگاه سخت ترسان شدند جایی که هیچ ترس نبود، زیرا خد.ا استخوان‌های محاصره کنندهٔ تو را از هم پاشید، آنها را خجل ساخته‌ای زیرا خد.ا ایشان را رد نموده است

۷. کاش که نجات (بنی) اسرائیل از صیون ظاهر می‌شد، وقتی که خد.ا اسیری قوم خویش را برگرداَند، یعقوب وجد خواهد نمود و (بنی) اسرائیل شادی خواهد کرد

## مزمور پنجاه و چهارم

۱. برای سالار مغنیان، قصیدهٔ داوید بر نگینوت

۲. وقتی که زیفیان نزد شائول آمده گفتند آیا داوید نزد ما خود را پنهان نمی‌کند

۳. ای خد.ا به نام خود من را نجات بده، و به قوت خویش بر من داوری نما

۴. ای خد.ا دعای من را بشنو، و سخنان دهان من را گوش بگیر

۵. زیرا بیگانگان به ضد من برخاسته‌اند، و ظالمان قصد جان من دارند، و خد.ا را در مدّنظر خود نگذاشته اند سلاه

۶. اینک خد.ا مددکار من است، خداوند از تأییدکنندگان جان من است

۷. بدی را بر دشمنان من برخواهد گردانید، به راستی خود ریشهٔ ایشان را بکن

۸. قربانی‌های تبرّعی نزد تو خواهم گذرانید، و نام تو را ای خداوند حمد خواهم گفت زیرا نیکوست

۹. چون که من را از جمیع تنگی‌ها خلاصی داده‌ای، و چشم من بر دشمنانم نگریسته است

## مزمور پنجاه و پنجم

۱. برای سالار مغنیان، قصیدهٔ داوید بر نگینوت

۲. ای خد.ا به دعای من گوش بگیر، و خود را از تضرع من پنهان مکن

۳. به من گوش فراگیر و من را مستجاب فرما، زیرا که در تفکر خود متحیرم و ناله می‌کنم

۴. از آواز دشمن و به سبب ظلم شریر، زیرا که ظلم بر من می‌اندازند و یا خشم بر من جفا می‌کنند

۵. دل من در اندرونم پیچ و تاب می‌کند، و ترس‌های مرگ بر من افتاده است

۶. ترس و لرز به من درآمده است، وحشتی هولناک من را در گرفته است

۷. و گفتم کاش که من را بال‌ها مثل کبوتر می‌بود، تا پرواز کرده استراحت می یافتم

۸. هر آینه به جای دور می‌پریدم، و در صحرا مأوا می گزیدم سلاه
۹. می‌شتافتم به سوی پناهگاهی، از باد تند و از طوفان شدید
۱۰. ای خداوند آنها را هلاک کن و زبان‌هایشان را متفرق نما، زیرا که در شهر ظلم و جنگ دیده‌ام
۱۱. روز و شب بر حصارهایش گردش می کنند، و شرارت و مشقت در میانش می‌باشد
۱۲. فسادها در میان وی است، و جور و حیله از کوچه‌هایش دور نمی‌شود
۱۳. زیرا دشمن نبود که من را ملامت می کرد و الّا تحمل می کردم، و خصم من نبود که بر من سربلندی می نمود، و الّا خود را از وی پنهان می‌ساختم
۱۴. بلکه تو ربودی ای مرد نظیر من، ای یار خالص و دوست صدیق من
۱۵. که با یکدیگر مشورت شیرین می کردیم، و به خانهٔ خد.ا در جمع می‌خرامیدیم
۱۶. مرگ بر ایشان ناگهان فرو آید و زنده بگور فرورونده، زیرا شرارت در مسکن‌های ایشان و در میان ایشان است
۱۷. و اما من نزد خد.ا فریاد می کنم، و خداوند من را نجات خواهد داد
۱۸. شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله می کنم، و او آواز من را خواهد شنید
۱۹. جان من را از جنگی که بر من شده بود به سلامتی فدیه داده است، زیرا بسیاری با من مقاومت می کردند
۲۰. خد.ا خواهد شنید و ایشان را جواب خواهد داد، او که از ازل نشسته است سلاه، زیرا که در ایشان تغییر نیست، و از خد.ا نمی‌ترسند
۲۱. دست خود را بر صلح‌اندیشان خویش دراز کرده، و عهد خویش را شکسته است
۲۲. سخنانش نرم زبانش چرب، لیکن در دلش جنگ است، سخنانش چرب‌تر از روغن لیکن شمشیرهای برهنه است
۲۳. نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد، او تا به ابد نخواهد گذاشت که مرد عادل لغزش کند
۲۴. و تو ای خد.ا ایشان را به چاه هلاکت فرو خواهی آورد، مردمان خونریز و حیله‌ساز، روزهای خود را نیمه نخواهند کرد، لیکن من بر تو توکل خواهم داشت

## مزمور پنجاه و ششم

۱. برای سالار مغنیان بر یونَت اِلِم در بلاد دور، میختام داوید وقتی که پلیشتی‌ها او را در گِت گرفتند
۲. ای خد.ا بر من رحم فرما، زیرا که انسان من را به شدت تعقیب می کند تمامی روز جنگ کرده من را اذیت می‌نماید
۳. دشمنانم تمامی روز من را به شدت تعقیب می کنند، زیرا که بسیاری با تکبر با من می‌جنگند

۴. هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل خواهم داشت
۵. در خد.ا کلام او را خواهم ستود، بر خد.ا توکل کرده، نخواهم ترسید، انسان به من چه می‌تواند کرد
۶. هر روزه سخنان من را منحرف می‌سازند، همهٔ فکرهای ایشان دربارهٔ من بر شرارت است
۷. ایشان جمع شده کمین می‌سازند، بر قدم‌های من چشم دارند زیرا قصد جان من دارند
۸. آیا ایشان به سبب شرارت خود نجات خواهند یافت، ای خد.ا امت‌ها را در غضب خویش بینداز
۹. تو آوارگی‌های من را تقریر کرده‌ای، اشکهای من را در ذخیره‌دان خود بگذار، آیا این در دفتر تو نیست
۱۰. آنگاه در روزی که تو را بخوانم دشمنانم رو خواهند گردانید، این را می‌دانم زیرا خد.ا با من است
۱۱. در خد.ا کلام او را خواهم ستود، در خداوند کلام او را خواهم ستود
۱۲. بر خد.ا توکل دارم پس نخواهم ترسید، آدمیان به من چه می‌توانند کرد
۱۳. ای خد.ا نذرهای تو بر من است، قربانی‌های حمد را نزد تو خواهم گذرانید
۱۴. زیرا که جان من را از مرگ رهانیده‌ای، آیا پایهای من را نیز از لغزیدن نگاه نخواهی داشت، تا در نور زندگان به حضور خد.ا سالک باشم

## مزمور پنجاه و هفتم

۱. برای سالار مغنیان بر اَل‌تَشخِت میختام داوید وقتی که از حضور شائول به پناهگاه فرار کرد
۲. ای خد.ا بر من رحم فرما بر من رحم فرما، زیرا جانم در تو پناه می‌برد، و در سایهٔ بالهای تو پناه می‌برم تا این بلایا بگذرد
۳. نزد خد.ای تعالی آواز خواهم داد، نزد خد.ایی که همه چیز را برایم تمام می‌کند
۴. از آسمان فرستاده من را خواهد رهانید زیرا تعقیب‌کنندهٔ سخت من ملامت می‌کند سلاه، خد.ا رحمت و راستی خود را خواهد فرستاد
۵. جان من در میان شیران است، در میان آتش‌افروزان می‌خوابم یعنی آدمیانی که دندانهایشان نیزه‌ها و تیرهاست، و زبان ایشان شمشیر بُرنده است
۶. ای خد.ا بر آسمان متعال شو، و جلال تو بر تمامی جهان (است)
۷. دامی برای گام‌هایم مهیا ساختند، و جانم خم گردید، چاهی پیش رویم کندند، و خود در میانشان افتادند سلاه
۸. دل من مستحکم است خد.ایا دل من مستحکم است، سرود خواهم خواند و ترنم خواهم نمود
۹. ای جلال من بیدار شو ای بربط وعود بیدار شو، صبحگاهان را من بیدار خواهم کرد
۱۰. ای خداوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت، تو را در میان قوم‌ها تسبیح خواهم خواند

۱۱. زیرا رحمت تو تا آسمان‌ها عظیم است، و راستی تو تا افلاک (مستدام است)
۱۲. خد.ایا بر آسمانها متعال شو، و جلال تو بر تمامی جهان (مستولی است)

## مزمور پنجاه و هشتم

۱. برای سالار مغنیان بر اَل تشخت، میختام داوید
۲. آیا در حقیقت به عدالتی که گنگ است سخن می‌گویید، و ای بنی‌آدم آیا به راستی داوری می‌نمایید
۳. بلکه در دل خود شرارتها به عمل می‌آورید، و ظلم دست‌های خود را در زمین از اندازه بیشتر می‌کنید
۴. شریران از رَحِم منحرف هستند، از شکم مادر دروغ گفته گمراه می‌شوند
۵. ایشان را زهریست مثل زهرمار، مثل افعی کَر که گوش خود را می‌بندد
۶. که آواز افسون‌گران را نمی‌شنود، هرچند به مهارت افسون می‌کند
۷. ای خد.ا دندانهایشان را در دهانشان بشکن، ای خداوند دندان‌های شیران را خورد بشکن
۸. گداخته شده مثل آب بگذرند، چون او تیرهای خود را می‌اندازد، به موقع منقطع خواهند شد
۹. مثل حلزون که گداخته شده می‌گذرد، مثل سِقط زن آفتاب را نخواهد دید
۱۰. قبل از آن که دیگ‌های شما آتشِ خارها را احساس کند، آنها را چه تر و چه خشک خواهد رُفت
۱۱. مرد عادل چون انتقام را دید شادی خواهد نمود، پای‌های خود را به خون شریر خواهد شست
۱۲. و مردم خواهند گفت هر آینه ثمره‌ای برای عادلان هست، هر آینه خد.ایی هست که در جهان داوری می‌کند

## مزمور پنجاه و نهم

۱. برای سالار مغنیان بر ال‌تشخت، میختام داوید وقتی که شائول فرستاد که خانه او را کشیک بِکِشند تا او را بکُشند
۲. ای خد.ایم من را از دشمنانم برهان، من را از مقاومت کنندگانم برافراز
۳. من را از گناهکاران خلاصی ده، و از مردمان خونریز رهایی بخش
۴. زیرا اینک برای جانم کمین می‌سازند، و زورآوران به ضد من جمع شده‌اند، بدون تقصیر من ای خداوند و بدون گناه من
۵. بی‌تردید بر من می‌شتابند و خود را آماده می‌کنند، پس برای ملاقات من برانگیخته شو و ببین
۶. اما تو ای خداوند خد.ای صوااُت خد.ای (بنی) اسرائیل، برانگیخته شده همهٔ امت‌های (ظالم) را مکافات برسان، و بر خیانتکاران بدکار شفقت مفرما سلاه
۷. شامگاهان بر می‌گردند و مثل سگ بانگ می‌کنند، و در شهر دور می‌زنند
۸. از دهان خود بدی را فرو می‌ریزند، لب‌های ایشان چون شمشیرهاست، زیرا می‌گویند کیست که بشنود

۹. و اما تو ای خداوند بر ایشان خواهی خندید، و تمامی امت‌های (ظالم) را استهزاء خواهی نمود
۱۰. (بخاطر) قدرت او به سوی تو انتظار خواهم کشید، زیرا خد.ا قلعهٔ بلند من است
۱۱. خد.ای رحمت من پیش روی من خواهد رفت، خد.ا من را بر دشمنانم نگران خواهد ساخت
۱۲. ایشان را به قتل مرسان، مبادا قوم من فراموش کنند، ایشان را به قوت خود پراکنده ساخته به زیر انداز ، ای خداوند که سپر ما هستی
۱۳. به سبب گناهِ زبان و سخنان لب‌های خود، در تکبر خویش گرفتار شوند، و به عوض لعنت و دروغی که می‌گویند
۱۴. ایشان را فانی کن، در غضب فانی کن تا نیست گردند و بدانند که خد.ا در یعقوب تا اقصای زمین سلطنت می‌کند سلاه
۱۵. و شامگاهان برگردیده مثل سگ بانگ زنند، و در شهر گردش کنند
۱۶. و برای خوراک پراکنده شوند، و سیر نشده شب را به‌سر برند
۱۷. و اما من قوت تو را خواهم سرایید، و بامدادان از رحمت تو ترنم خواهم نمود، زیرا قلعهٔ بلند من هستی، و در روز تنگی پناهگاه منی
۱۸. ای قوت من برای تو سرود می‌خوانم، زیرا خد.ا قلعهٔ بلند من است و خد.ای رحمت من

## مزمور شصتم

۱. برای سالار مغنیان بر شوشَن عِدوت میختام داوید برای تعلیم
۲. وقتی که با اَرَم نَهَرَین و اَرَم صوبه از در جنگ بیرون آمد و یوآب برگشته دوازده هزار نفر از اِدوُمیان را در وادی مِلَح کُشت
۳. ای خد.ا ما را دور انداخته پراکنده ساخته‌ای، خشمناک بودی به سوی ما رجوع فرما
۴. زمین را متزلزل ساخته آن را شکافته‌ای، شکستگی‌هایش را شفا ده زیرا به لغزش افتاده است
۵. چیزهای مشکل را به قوم خود نشان داده‌ای، بادهٔ سرگردانی به ما نوشانیده‌ای
۶. علمی به ترسندگان خود داده‌ای، تا آن را برای راستی برافرازند سلاه
۷. تا دوستداران تو نجات یابند، با یمین خود نجات ده و من را مستجاب فرما
۸. خد.ا در قدویست خود سخن گفته است، پس شادی خواهم نمود، شخم را تقسیم می‌کنم و وادی سکوت را خواهم پیمود
۹. جلعاد از آن من است مَنَسی از آن من، افرایم خود سر من است یهودا عصای سلطنت من
۱۰. موآب ظرف شستشوی من است، و بر اِدُوم کفش خود را خواهم انداخت، ای پِلِشِت برای من بانگ برآور

۱۱. کیست که من را به شهر حصین درآورد، و کیست که من را به اِدوم رهبری کند

۱۲. مگر نه تو ای خد.ا که ما را ترک کرده‌ای، و با لشگرهای ما ای خد.ا بیرون نمی‌آیی

۱۳. ما را از دشمن بی‌نیاز فرما، زیرا یاری انسان باطل است

۱۴. با (کمک) خد.ا با شجاعت کار خواهیم کرد، و او دشمنان ما را پایمال خواهد نمود

## مزمور شصت و یکم

۱. برای سالار مغنیان بر نگینَت، مزمور داوید

۲. ای خد.ا فریاد من را بشنو، و دعای من را اجابت فرما

۳. از اقصای جهان تو را خواهم خواند هنگامی که قلبم را ضعف می‌گیرد، من را بصخره‌ای که از من بلندتر است هدایت نما

۴. زیرا که تو پناه من بوده‌ای، و برج قوی از روی دشمن

۵. در خیمهٔ تو ساکن خواهم بود تا به ابد، زیر سایهٔ بال‌های تو پناه خواهم برد سلاه

۶. زیرا تو ای خد.ا نذرهای من را شنیده‌ای، و میراث ترسندگان نام خود را به من عطا کرده‌ای

۷. بر عمر پادشاه روزها خواهی افزود، و سال‌های او تا نسل‌ها باقی خواهد ماند

۸. به حضور خد.ا خواهد نشست تا به ابد، رحمت و راستی را مهیا کن تا او را محافظت کنند

۹. پس نام تو را تا به ابد خواهم سرایید، تا هر روز نذرهای خود را وفا کنم

## مزمور شصت و دوم

۱. برای یدوتون سالار مغنیان، مزمور داوید

۲. جان من فقط برای خد.ا خاموش می‌شود، زیرا که نجات من از جانب اوست

۳. او تنها صخره و نجات من است، و قلعهٔ بلند من پس لغزش بزرگی نخواهم خورد

۴. تا به کی بر مردی هجوم می‌آورید، تا همگی شما او را هلاک کنید، مثل دیوار خم شده و حصار لغزیده

۵. در این‌باره فقط مشورت می‌کنند که او را از مرتبه‌اش بیندازند، و دروغ را دوست می‌دارند، به زبان خود ترویج می دهند و در دل خود لعنت می‌کنند سلاه

۶. ای جان من فقط برای خد.ا خاموش شو، زیرا که امید من از وی است

۷. او تنها صخره و نجات من است، و قلعهٔ بلند من تا نلغزم

۸. بر خد.است نجات و جلال من، صخرهٔ قوت من و پناه من در خد.است

۹. ای قوم همه وقت بر او توکل کنید، و دل‌های خود را به حضور وی بریزید، زیرا خد.ا پناهگاه ماست

سلاه

۱۰. البته بنی‌آدم بطالت و بنی‌بشر دروغ‌اند، در ترازو بالا می‌روند زیرا جمیعاً از بطالت سبک‌ترند

۱۱. بر ظلم توکل مکنید و بر غارت مغرور مشوید، چون دولت افزوده شود دل در آن مبندید

۱۲. خدا یک‌بار گفته است و دوبار این را شنیده‌ام، که قوت از آن خدا است

۱۳. ای خداوند رحمت نیز از آن تو است، زیرا به هر کس موافق عملش جزا خواهی داد

## مزمور شصت و سوم

۱. مزمور داوید هنگامی که در صحرای یهودا بود

۲. ای خدا تو خدای من هستی در سحر تو را خواهم طلبید، جان من تشنهٔ تو است و جسم من مشتاق تو، در زمین خشکِ تشنهٔ بی‌آب

۳. چنان که در قدس بر تو نظر کردم، تا قوت و جلال تو را مشاهده کنم

۴. چون که رحمت تو از حیات نیکوتر است، پس لب‌های من تو را تسبیح خواهد خواند

۵. از این رو تا زنده هستم تو را متبارک خواهم خواند، و دست‌های خود را به نام تو خواهم برافراشت

۶. جان من سیر خواهد شد چنان که از چربی و روغن، و زبان من به لبهای شادمانی تو را حمد خواهد گفت

۷. چون تو را بر بستر خود یاد می‌آورم، و در پاس‌های شب در تو تفکر می‌کنم

۸. زیرا تو مددکار من بوده‌ای، و زیر سایهٔ بال‌های تو شادی خواهم کرد

۹. جان من به تو پیوسته است، و یمین تو من را تأیید کرده است

۱۰. و اما آنانی که قصد جان من دارند هلاک خواهند شد، و در زمین فرو خواهند رفت

۱۱. ایشان به دم شمشیر سپرده می‌شوند، و نصیب شغال‌ها خواهند شد

۱۲. اما پادشاه در خدا شادی خواهد کرد، و هر که به او قسم خورد فخر خواهد نمود، زیرا دهان دروغ گویان بسته خواهد گردید

## مزمور شصت و چهارم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید

۲. ای خدا وقتی که تضرع می‌نمایم آواز من را بشنو، و حیاتم را از خوف دشمن نگاه دار

۳. من را از مشاورت شریران پنهان کن، و از هنگامهٔ گناهکاران

۴. که زبان خود را مثل شمشیر تیز کرده‌اند، و تیرهای خود یعنی سخنان تلخ را بر زه آراسته‌اند

۵. تا در کمین‌های خود بر مرد کامل بیندازند، ناگهان بر او می‌اندازند و نمی‌ترسند

۶. خویشتن را برای کار زشت تقویت می‌کنند، دربارهٔ پنهان کردن دام‌ها گفتگو می‌کنند، می‌گویند کیست که ما را ببیند

۷. کارهای بد را تدبیر می‌کنند، و می‌گویند تدبیر نیکو کرده‌ایم، و (این تدبیر در) اندرون و قلب هر یک از ایشان عمیق است

۸. اما خدا تیرها بر ایشان خواهد انداخت، و ناگهان جراحت‌های ایشان (حادث) خواهد شد

۹. زبانشان شکست بر ایشان فرود آورد، هر که آنها را ببیند سر بجنباند

۱۰. و جمیع آدمیان خواهند ترسید و کار خدا را اعلام خواهند کرد، و عمل او را درک خواهند نمود

۱۱. و مرد صالح در خداوند شادی می‌کند و برای او توکل می‌دارد و جمیع راست‌دلان فخر خواهند نمود

## مزمور شصت و پنجم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور و سرود داوید

۲. ای خدا ستایش در صیون منتظر تو است، و نذرها برای تو وفا خواهد شد

۳. ای که دعا می‌شنوی، نزد تو تمامی بشر خواهند آمد

۴. گناهان بر من غالب آمده است، تو تقصیرهای من را کفاره خواهی کرد

۵. خوشا به حال کسی که او را برگزیده و مقرب خود ساخته‌ای، تا به درگاههای تو ساکن شود، از نیکویی خانهٔ تو سیر خواهیم شد، و از قدوسیت محراب تو

۶. به چیزهای مهیب در عدل ما را جواب خواهی داد، ای خدایی که نجات ما هستی، ای که پناه تمامی اقصای جهان و ساکنان دوردست دریا هستی

۷. و کوه‌ها را به قوت خود مستحکم ساخته‌ای، و کمر خود را به قدرت بسته‌ای

۸. و تلاطم دریا را ساکن می‌گردانی، تلاطم امواج آن و خروش امت‌ها را

۹. ساکنان اقصای جهان از آیات تو ترسانند، طلوع صبح و غروب شام را شادمان می‌سازی

۱۰. از زمین مراقبت نموده آن را سیراب می‌کنی، و آن را بسیار توانگر می‌گردانی، نهرهای خداوند از آب پر است، غلهٔ ایشان را آماده می‌کنی زیرا که تو چنین خواسته‌ای

۱۱. پشته‌هایش را سیراب می‌کنی و (بر) شیارهایش (باران را) فرود می‌آوری، به بارش‌ها آن را شاداب می نمایی، نباتاتش را برکت می‌دهی

۱۲. به احسان خویش سال را مزین می‌سازی و راه‌های تو چربی را می‌چکاند

۱۳. مرتع‌های صحرا نیز می‌چکاند، و کمر تپه‌ها به شادمانی بسته شده است

۱۴. چمن‌ها به گوسفندان آراسته شده است، و دره‌ها که به غله پیراسته‌ای، از شادی بانگ می‌زنند و سرود می‌سرایند

## مزمور شصت و ششم

۱. برای سالار مغنیان، سرود و مزمور ای تمامی زمین برای خدا بانگ شادمانی بزنید

۲. جلال نام او را بسرایید، و در تسبیح او جلال او را توصیف نمایید

۳. خدا را گویید چه مهیب است کارهای تو، از شدت قوت تو دشمنانت نزد تو (بدی‌های خود را) حاشا خواهند کرد

۴. تمامی زمین تو را پرستش خواهند کرد و تو را خواهند سرایید، و به نام تو ترنم خواهند نمود سلاه

۵. بیایید کارهای خدا را مشاهده کنید، او در کارهای خود بر بنی‌آدم برتر است

۶. دریا را به خشکی مبدل ساخت، و مردم از نهر با پا عبور کردند، در آنجا به او شادی نمودیم

۷. در توانایی خود تا به ابد سلطنت می‌کند، و چشمانش مراقب امت‌ها است، فتنه‌انگیزان خویشتن را بر نیفرازند سلاه

۸. ای قوم‌ها خدای ما را متبارک خوانید، و آواز تسبیح او را بشنوانید

۹. که جان‌های ما را در زندگی قرار می‌دهد، و نمی‌گذارد که پای‌های ما لغزش نماید

۱۰. زیرا ای خدا تو ما را امتحان کرده‌ای، و ما را قال گذاشته‌ای چنان که نقره را قال می‌گذارند

۱۱. ما را به دام درآوردی و باری گران بر پشت‌های ما نهادی

۱۲. مردمان را بر سر ما سوار گردانیدی، و به آتش و آب درآمدیم، پس ما را به جای خرم بیرون آوردی

۱۳. قربانی‌های سوختنی به خانهٔ تو خواهم آورد، نذرهای خود را به تو وفا خواهم نمود

۱۴. که لب‌های خود را بر آن‌ها گشودم، و در زمان تنگی خود آنها را به زبان خود آوردم

۱۵. قربانی‌های سوختنی پرواری را نزد تو خواهم گذرانید، گوساله‌ها و بزها را با بُخور قوچ‌ها ذبح خواهم کرد سلاه

۱۶. ای همهٔ خداترسان بیایید و بشنوید، تا از آنچه او برای جان من کرده است خبر دهم

۱۷. به دهانم نزد او آواز خود را بلند کردم، و تسبیح بلند بر زبان من بود

۱۸. اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتم، خداوند صدای من را نمی‌شنید

۱۹. لیکن خدا صدای من را شنیده است، و به آواز دعای من توجه فرموده

۲۰. متبارک باد خدا، که دعای من را از خود و رحمت خویش را از من برنگردانیده است

## مزمور شصت و هفتم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور و سرود بر نگینوت

۲. خدا بر ما رحم کند و ما را مبارک سازد، و نور روی خود را بر ما متجلی فرماید سلاه

۳. باشد که راه تو در جهان معروف گردد، و نجات تو به جمیع امت‌ها
۴. ای خد.ا قوم‌ها تو را حمد گویند، و جمیع قوم‌ها تو را حمد گویند
۵. امت‌ها شادی و ترنم خواهند نمود، زیرا قوم‌ها را به انصاف حکم خواهی نمود، و امت‌های جهان را هدایت خواهی کرد سلاه
۶. ای خد.ا قوم‌ها تو را حمد گویند، جمیع قوم‌ها تو را حمد گویند
۷. آنگاه زمین محصول خود را خواهد داد، و خد.ا خد.ای ما، ما را مبارک خواهد فرمود
۸. خد.ا ما را مبارک خواهد فرمود، و تمامی اقصای جهان از او خواهند ترسید

## مزمور شصت و هشتم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور و سرود داوید
۲. خد.ا برخیزد و دشمنانش پراکنده شوند، و آنانی که از او نفرت دارند از حضورش بگریزند
۳. چنان که دود پراکنده می‌شود ایشان را پراکنده ساز، و چنان که موم پیش آتش گداخته می‌شود همچنان شریران به حضور خد.ا هلاک گردند
۴. اما صالحان شادی کنند و در حضور خد.ا به وجد آیند، و به شادمانی خرسند شوند
۵. برای خد.ا سرود بخوانید و به نام او ترنم نمایید، و راهی درست کنید برای او که در صحراها سوار است، نام او «یاه» است به حضورش به وجد آیید
۶. پدر یتیمان و داور بیوه‌زنان، خد.است در تجلی‌گاه قدس خود
۷. خد.ا بی‌کسان را ساکن خانه می‌گرداند، و اسیران را به رستگاری بیرون می‌آورد، لیکن فتنه‌انگیزان در زمین سوزان ساکن خواهند شد
۸. ای خد.ا هنگامی که پیش روی قوم خود بیرون رفتی، هنگامی که در صحرا خرامیدی سلاه
۹. زمین به لرزه درآمد و آسمان در حضور خد.ا بارید، و «کوه» سینا نیز از حضور خد.ا خد.ای اسرائیل
۱۰. ای خد.ا باران نعمت‌ها بارانیدی، و میراث را چون فرسوده بود مستحکم گردانیدی
۱۱. جماعت تو در آن ساکن شدند، ای خد.ا به وجود خویش برای مساکین تدارک دیده‌ای
۱۲. خداوند سخن را می‌دهد، بشارت‌های او انبوه عظیمی می‌شوند
۱۳. ملوک لشگرها فرار کرده منهزم می‌شوند، و زنی که در خانه مانده است غارت را تقسیم می‌کند
۱۴. اگرچه در آغل‌ها خوابیده بودید، لیکن مثل بال‌های فاخته شده‌اید، که به نقره پوشیده است و پرهایش به طلای سرخ
۱۵. چون قادر مطلق پادشاهان را در آن پراکنده ساخت، مثل برف بر صَلْمُون درخشان گردید
۱۶. کوه خد.ا کوه باشان است، کوهی با قله‌های افراشته کوه باشان است

۱۷. ای کوه‌های با قله‌های افراشته چرا نگرانید، بر این کوهی که خدا برای مسکن خود برگزیده است، هر آینه خداوند در آن تا به ابد ساکن خواهد بود
۱۸. عرابه‌های خدا کرورها و هزارهای فرشتگان است، خداوند در میان آنها است و «کوه» سینا در قدس است
۱۹. بر اعلی علّیین صعود کرده و اسیران را به اسیری برده‌ای، از آدمیان بخشش‌ها گرفته‌ای، بلکه از فتنه انگیزان نیز تا «یاه» خدا در ایشان مسکن گیرد
۲۰. متبارک باد خداوندی که هر روزه متحمل ما می‌شود، و خدایی که نجات ماست سلاه
۲۱. خدا برای ما خدای نجات است، و گریزگاه مرگ از آن خداوند خدا است
۲۲. هر آینه خدا سر دشمنان خود را خورد خواهد کرد، و کلهٔ موی‌دار کسی را که در گناه خود سالک باشد
۲۳. خداوند گفت از «باشان» باز خواهم آورد، از ژرفی‌های دریا بازخواهم آورد
۲۴. تا پای خود را در خون فرو بری، و زبان سگان تو از دشمنانت بهرهٔ خود را بیابد
۲۵. ای خدا طریق‌های تو را دیده‌اند، یعنی طریق‌های خدا و پادشاه من را در قدس
۲۶. در پیش رو مغنیان می‌خرامند و در عقبْ ساززنندگان، و در وسط دوشیزگان دَف‌زن
۲۷. خدا را در جماعت‌ها متبارک خوانید، و خداوند را از چشمهٔ اسرائیل
۲۸. آنجا است بنیامین صغیر حاکم ایشان، رؤسای یهودا محفل ایشان، رؤسای زبولون و رؤسای نفتالی
۲۹. خدایت برای تو قوت را امر فرموده است، ای خدا آنچه‌را که برای ما کرده‌ای، استوار گردان
۳۰. به سبب محراب تو که در اورشلیم است، پادشاهان هدایا نزد تو خواهند آورد
۳۱. و وحوش نیزارها را توبیخ فرما، و رمهٔ گاوان را با گوساله‌های قوم، که با شمش‌های نقره نزد تو گردن می‌نهند، و قومهایی که جنگ را دوست می‌دارند پراکنده ساخته است
۳۲. سروَران از مصر خواهند آمد، و حبشه دست‌های خود را نزد خدا به‌زودی دراز خواهد کرد
۳۳. ای ممالک جهان برای خدا سرود بخوانید، برای خداوند سرود بخوانید سلاه
۳۴. برای او که بر فلک‌الافلاک از قدیم سوار است اینک آواز خود را می‌دهد، آوازی که پُرقوت است
۳۵. خدا را به قوت توصیف نمایید، جلال وی بر (بنی) اسرائیل است و قوت او در افلاک
۳۶. ای خدا از قدس‌های خود مهیب هستی، خدای اسرائیل قوم خود را قوت و عظمت می‌دهد، متبارک باد خدا

## مزمور شصت و نهم

۱. برای سالار مغنیان بر شوشنیم، مزمور داوید

۲. خد.ایا من را نجات ده، زیرا آب‌ها به جان من در آمده است

۳. در خلاب ژرف فرو رفته‌ام جایی که نتوان ایستاد، به آب‌های عمیق درآمده‌ام و سیل من را می‌پوشاند

۴. از فریاد خود خسته شده‌ام و گلوی من مخدوش شده، و چشمانم از انتظار خد.ا تار گردیده است

۵. آنانی که بی‌سبب از من نفرت دارند از شمار موی‌های سرم زیاده‌اند، و دشمنان ناحق من که قصد هلاکت من دارند زورآورند، پس آنچه را غصب نکرده‌ام، باز گردانم

۶. ای خد.ا تو حماقت من را می‌دانی، و گناهانم از تو مخفی نیست

۷. ای خداوند خد.ای صوااُت منتظرین تو به سبب من خجل نشوند، ای خد.ای (بنی) اسرائیل طالبان تو به سبب من را رسوا نگردند

۸. زیرا به خاطر تو محتمل ملامت گردیده‌ام، و رسوایی روی من مرا پوشیده است

۹. نزد برادرانم بیگانه شده‌ام، و نزد پسران مادر خود غریب

۱۰. زیرا غیرت خانهٔ تو من را دربرگرفته است، و ملامت‌های ملامت‌کنندگان تو بر من روا گردیده است

۱۱. روزه داشته جان خود را مثل اشک ریخته‌ام، و این برای من خوار گردیده است

۱۲. پلاس را لباس خود ساخته‌ام، و نزد ایشان ضرب‌المثل گردیده‌ام

۱۳. دروازه‌نشینان دربارهٔ من حرف می‌زنند، و سرود مِی گساران گشته‌ام

۱۴. و اما من ای خداوند دعای خود را در وقت اجابت نزد تو می‌کنم، ای خد.ا در کثرت رحمانیت خود و راستی نجات خود من را مستجاب فرما

۱۵. من را از خراب خلاصی ده تا غرق نشوم، و از نفرت کنندگانم و از ژرفی‌های آب رستگار شوم

۱۶. مگذار که سیلان آب من را بپوشاند و ژرفی من را ببلعد، و گور دهان خود را بر من ببندد

۱۷. ای خداوند من را مستجاب فرما زیرا رحمت تو نیکوست، به کثرت رحمانیت خود بر من توجه نما

۱۸. و روی خود را از بنده‌ات مپوشان، زیرا در تنگی هستم من را به زودی مستجاب فرما

۱۹. به جانم نزدیک شده آن را رستگار ساز، به سبب دشمنانم من را فدیه ده

۲۰. تو خواری و خجالت و رسوایی من را می‌دانی، و تمامی دشمنانم پیش نظر تو هستند

۲۱. سرزنش دل من را شکسته است و به شدت بیمار شده‌ام، انتظار مشفقی کشیدم ولی نبود، و برای تسلی دهندگان (منتظر شدم) اما نیافتم

۲۲. من را برای خوراک زرد آب دادند، و چون تشنه بودم من را سرکه نوشانیدند

۲۳. پس مائدهٔ ایشان پیش روی ایشان تله باد، و چون مطمئن هستند دامی باشد

۲۴. چشمان ایشان تار گردد تا نبینند، و کمرهای ایشان را دائماً لرزان گردان

۲۵. خشم خود را بر ایشان بریز، و شدت غضب تو ایشان را دریابد

۲۶. خانه‌های ایشان مخروبه گردد، و در خیمه‌های ایشان هیچ کس ساکن نشود

۲۷. زیرا بر کسی که تو نشان کرده‌ای جفا می‌کنند، و دردهای کوفتگان تو را اعلان می‌نمایند
۲۸. گناه بر گناه ایشان مزید کن، و در عدالت تو داخل نشوند
۲۹. از دفتر حیات محو شوند، و با صالحین مرقوم نگردند
۳۰. و اما من مسکین و دردمند هستم پس ای خد.ا نجات تو من را سرافراز سازد
۳۱. و نام خد.ا را با سرود تسبیح خواهم خواند، و او را با حمد تعظیم خواهم نمود
۳۲. و این پسندیدهٔ خدا خواهد بود، بیش از گاو و گوساله‌ای که شاخ‌ها و سم‌ها دارد
۳۳. حلیمان این را دیده شادمان شوند، و ای طالبان خد.ا دل شما زنده گردد
۳۴. زیرا خداوند فقیران را مستجاب می‌کند، و اسیران خود را حقیر نمی‌شمارد
۳۵. آسمان و زمین او را تسبیح بخوانند، آب‌ها نیز و آنچه در آنها می‌جنبد
۳۶. زیرا خد.ا صیون را نجات خواهد داد و شهرهای یهودا را بنا خواهد نمود، تا در آنجا سکونت نمایند و آن را متصرف گردند
۳۷. و ذریّت بندگانش وارث آن خواهند شد، و آنانی که نام او را دوست دارند در آن ساکن خواهند گردید

## مزمور هفتادم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید به جهت یادآوری
۲. خد.ایا برای نجات من بشتاب، ای خداوند به یاری من تعجیل فرما
۳. آنانی که قصد جان من را دارند خجل و شرمنده شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند روبرگردانیده و رسوا گردند
۴. و آنانی که هَه هَه می‌گویند، به سبب خجالت خویش رسوا خواهند شد
۵. و اما جمیع طالبان تو در تو وجد و شادی کنند، و دوست دارندگان نجات تو دائماً گویند خد.ا متعال باد
۶. و اما من مسکین و فقیر هستم، خد.ایا برای من تعجیل کن، تو مددکار و رهاننده من هستی ای خداوند تأخیر منما

## مزمور هفتاد و یکم

۱. در تو ای خداوند پناه برده‌ام، پس تا با ابد خجل نخواهم شد
۲. به عدالت خود من را خلاصی ده و برهان، گوش خود را به من فراگیر و من را نجات ده
۳. برای من صخرهٔ سکونت باش تا همه وقت داخل آن شوم، تو به نجات من امر فرموده‌ای، زیرا صخره و قلعهٔ من تو هستی

۴. خد.ایا من را از دست شریر برهان، و از کف بدکار و ظالم
۵. زیرا ای خد.ا خداوند تو امید من هستی، و از کودکی اعتماد من بوده‌ای
۶. از بطن (مادر) بر تو متکی بوده‌ام، از رحم مادرم تو من را خارج کرده‌ای، و تسبیح من دائماً دربارهٔ تو خواهد بود
۷. بسیاری را موجب تعجب شده‌ام، و تو پناه و نیروی من هستی
۸. دهانم تسبیح تو را می‌گوید، و از کبریایی تو تمامی روز
۹. در زمان پیری من را فراموش مکن، و چون قوتم تمام شود من را ترک منما
۱۰. زیرا دشمنانم بر (ضد) من حرف می‌زنند، و کمین‌کنندگان جانم با یکدیگر مشورت می‌کنند
۱۱. و می‌گویند خد.ا او را ترک کرده است، پس او را تعاقب کرده بگیرید زیرا که رهاننده‌ای نیست
۱۲. ای خد.ا از من دور مشو، خد.ایا به یاری من تعجیل نما
۱۳. دشمنان جانم خجل و فانی شوند، و آنانی که برای ضرر من می‌کوشند به عار و رسوایی مشهور می گردند
۱۴. و اما من دائماً امیدوار خواهم بود، و همواره بر تسبیح تو خواهم افزود
۱۵. زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد و نجاتت را تمامی روز، زیرا که اندازهٔ آن را نمی‌دانم
۱۶. در توانایی خداوند خواهم آمد، و از عدالت تو همیشه خبر خواهم داد
۱۷. ای خد.ا از کودکی من را تعلیم داده‌ای، و اینک عجایب تو را اعلان کرده‌ام
۱۸. پس ای خد.ا من را تا زمان پیری و سفیدموئی نیز ترک مکن، تا این مردان را از (قدرت) بازوی تو خبر دهم، و جمیع آیندگان را از توانایی تو
۱۹. خد.ایا عدالت تو تا عرش اعلی است، تو کارهای عظیم کرده‌ای خد.ایا مانند تو کیست
۲۰. ای که تنگی‌های بسیار و سخت را به ما نشان داده‌ای، رجوع کرده باز ما را زنده خواهی ساخت، و برگشته ما را از عمق‌های زمین بلند خواهی کرد
۲۱. بزرگی من را مزید خواهی کرد، و برگشته من را تسلی خواهی بخشید
۲۲. پس من نیز تو را با بربط خواهم ستود، یعنی حقیقت تو را ای خد.ای من، و تو را ای قدوس (بنی) اسرائیل با عود ترنم خواهم نمود
۲۳. چون برای تو سرود می‌خوانم لب‌هایم بسیار شادی خواهند کرد، و جانم نیز که آن را فدیه داده‌ای
۲۴. زبانم نیز تمامی روز عدالت تو را ذکر خواهد کرد، زیرا آنانی که برای ضرر من می‌کوشیدند خجل و رسوا گردیدند

## مزمور هفتاد و دوم

۱. مزمور برای شلومو، ای خدا انصاف خود را به پادشاه ده، و عدالت خویش را به پسر پادشاه
۲. و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود، و مساکین تو را به انصاف
۳. آنگاه کوه‌ها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد، تپه‌ها نیز (همچنین) بخاطر عدالت (پادشاه)
۴. مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد، و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد، و ظالمان را سرکوب خواهد ساخت
۵. از تو خواهند ترسید مادامی که آفتاب باقی است، و مادامی که ماه هست تا همه دوران‌ها
۶. او مثل باران بر علف‌زار چیده شده فرود خواهد آمد، و مثل بارش‌هایی که زمین را سیراب می‌کند
۷. در زمان او صالحان خواهند شکفت، و وفور سلامتی خواهد بود مادامی که ماه نیست نگردد
۸. و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا، و از نهر تا اقصای جهان
۹. به حضور وی صحرانشینان گردن خواهند نهاد، و دشمنان به خاک خواهند افتاد
۱۰. پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد، پادشاهان شَبا و سَبا ارمغان‌ها خواهند رسانید
۱۱. جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد، و جمیع امت‌ها او را بندگی خواهند نمود
۱۲. زیرا چون مسکین استغاثه کند او را رهایی خواهد داد، و فقیری را که رهاننده‌ای ندارد (نجات می‌دهد)
۱۳. بر مسکین و فقیر کَرَم خواهد فرمود، و جان‌های مساکین را نجات خواهد بخشید
۱۴. جان‌های ایشان را از ظلم و ستم فدیه خواهد داد، و خون ایشان در نظر وی گران‌بها خواهد بود
۱۵. و او زنده خواهد ماند و از طلای شبا بدو خواهد داد، دائماً برای وی دعا خواهد کرد و تمامی روز او را مبارک خواهد خواند
۱۶. و فراوانی غله در زمین بر قلهٔ کوه‌ها خواهد بود، که ثمرهٔ آن مثل لبنان خروش خواهد کرد، و اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد
۱۷. نام او تا به ابد باقی خواهد ماند، اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد، آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست، و جمیع امت‌های زمین او را سعادتمند خواهند خواند
۱۸. متبارک باد خداوند، خدا که خدای (بنی) اسرائیل است، که او فقط کارهای عجیب می‌کند
۱۹. و متبارک باد نام بلندمرتبهٔ او تا به ابد، و تمامی زمین از جلال او پر بشود آمین و آمین
۲۰. دعاهای داوید بن ییشی تمام شد

## مزمور هفتاد و سوم

۱. مزمور آساف، هر آینه خدا برای (بنی) اسرائیل نیکوست، یعنی برای آنانی که پاک‌دل هستند
۲. و اما من نزدیک بود که پای‌هایم از راه منحرف شود، و نزدیک بود که قدم‌هایم بلغزد
۳. زیرا بر متکبران حسد بردم، چون سلامتی شریران را دیدم

۴. زیرا که (ظاهراً) در مرگ ایشان قیدها نیست، و قوت ایشان مستحکم به نظر می‌رسد
۵. مثل مردم در زحمت نیستند، و مثل آدمیان مبتلا نمی‌باشند
۶. بنابراین گردن ایشان به تکبر آراسته است، و ظلم مثل لباس ایشان را می‌پوشاند
۷. چشمان ایشان از فربهی به در آمده است، و از خیالات دل خود تجاوز می‌کنند
۸. استهزاء می‌کنند و حرف‌های بد می‌زنند، و سخنان ظلم‌آمیز را با صدای بلند می‌گویند
۹. دهان خود را (برضد) آسمانها باز می‌کنند، و زبان ایشان همه‌گیر می‌شود
۱۰. پس قوم او بدین جا برمی‌گردند و آب‌های فراوان بدیشان نوشانیده می‌شود
۱۱. و ایشان می‌گویند خد.ا چگونه بداند، و آیا (خد.ای) متعال علم دارد
۱۲. اینک اینان شریر هستند، که همیشه مطمئن بوده در دولتمندی افزوده می‌شوند
۱۳. یقیناً من دل خود را بیهوده پاک پنداشته، و دست‌های خود را به پاکی شسته‌ام
۱۴. و من تمامی روز گرفتار می‌شوم، و مکافات من هر بامداد حاضر است
۱۵. اگر می‌گفتم که چنین سخن گویم، هر آینه بر نسل فرزندان تو خیانت می‌کردم
۱۶. چون تفکر کردم که این را بفهمم، در نظر من دشوار آمد
۱۷. تا به قدسهای خد.ا داخل شدم، آنگاه در آخرت ایشان تأمل کردم
۱۸. هر آینه ایشان را در جای‌های لغزنده گذارده‌ای، ایشان را به خرابی‌ها خواهی انداخت
۱۹. چگونه در آنی به هلاکت رسیده‌اند، تباه شده از ترس‌های هولناک نیست گردیده‌اند
۲۰. مثل خواب کسی چون بیدار شد، ای خداوند همچنین چون برخیزی صورت ایشان را ناچیز خواهی شمرد
۲۱. لیکن دل من تلخ شده بود، و در اندرون خود دل‌ریش شده بودم
۲۲. و من ابله بودم و معرفت نداشتم، و مثل بهایم نزد تو گردیدم
۲۳. ولی من دائماً با تو هستم، تو دست راست من را تأیید کرده‌ای
۲۴. موافق رای خود من را هدایت خواهی نمود، و بعد از این من را به جلال خواهی رساند
۲۵. کیست برای من در آسمان، و غیر از تو هیچ را در زمین نمی‌خواهم
۲۶. اگرچه جسم و دل من زائل گردد، لیکن بنیاد دلم و جوهر من خد.است تا به ابد
۲۷. زیرا آنانی که از تو دورند هلاک خواهند شد، و آنانی را که از تو منحرف می‌شوند نابود خواهی ساخت
۲۸. و اما من را نیکوست که به خد.ا تقرب جویم، بر خد.ا، خداوند توکل کرده‌ام، تا همهٔ کارهای تو را بیان کنم

## مزمور هفتاد و چهارم

۱. قصیده آساف، چرا ای خد.ا ما را ترک کرده‌ای تا به ابد، و خشم تو بر گوسفندان مرتع خود افروخته شده است

۲. جماعت خود را که از قدیم خریده‌ای به‌یاد آور، و آن را که فدیه داده‌ای تا سبط میراث تو شود، و این کوه صیون را که در آن ساکن بوده‌ای

۳. قدم‌های خود را به سوی خرابه‌های ابدی بردار، زیرا دشمن هرچه را که در قدس تو بود خراب کرده است

۴. دشمنانت در میان وعده‌گاه تو غرش می‌کنند، و عَلَم‌های خود را برای علامات برپا می‌نمایند

۵. و ظاهر می‌شوند چون کسانی که، تبرها را بر (شاخه‌های) درختان جنگل بلند می‌کنند

۶. و اینک همهٔ نقش‌های تراشیدهٔ آن را، به تبرها و چکش‌ها خود می‌شکنند

۷. قدس‌های تو را آتش زده‌اند، و متجلی کنندهٔ نامت را بر زمین بی‌حرمت کرده‌اند

۸. و در دل خود می‌گویند آنها را تماما خراب می‌کنیم، پس جمیع کنیسه‌های خد.ا را در زمین سوزانیده اند

۹. آیات خود را نمی‌بینیم و دیگر هیچ نبی نیست، و در میان ما کسی نیست که بداند تا به کِی خواهد بود

۱۰. ای خد.ا دشمن تا به کی ملامت خواهد کرد، و آیا خصم تا به ابد نام تو را اهانت خواهد نمود

۱۱. چرا دست (قدرت) خود یعنی یمین خویش را برگردانیده‌ای، آن را از گریبان خود بیرون کشیده، ایشان را فانی کن

۱۲. و خد.ا از قدیم پادشاه من است، او در میان زمین نجات‌ها پدید می‌آورد

۱۳. تو به قوت خود دریا را شکافتی، و سرهای نهنگان را در آب‌ها شکستی

۱۴. سرهای لِویاتان را کوفته، و او را خوراک صحرانشینان گردانیده‌ای

۱۵. تو چشمه و رود را شکافتی، و نهرهای دایمی را خشک گردانیدی

۱۶. روز از آن تو است و شب نیز از آن تو، نور و آفتاب را تو برقرار نموده‌ای

۱۷. تمامی حدود جهان را تو پایدار ساخته‌ای، تابستان و زمستان را تو ایجاد کرده‌ای

۱۸. ای خداوند این را به یاد آور که دشمن ملامت می‌کند، و مردم جاهل نام تو را اهانت می‌نماید

۱۹. جان فاختهٔ خود را به جانور وحشی مسپار، جماعت مسکینان خود را تا به ابد فراموش مکن

۲۰. عهد خود را ملاحظه فرما، زیرا که ظلمات جهان از جهات ظلم پر است

۲۱. مظلومان به شرمندگی برنگردند، مساکین و فقیران نام تو را حمد گویند

۲۲. ای خد.ا برخیز و قدرت خود را برپادار، و به یاد آور که احمق تمامی روز تو را ملامت می‌کند

۲۳. آواز دشمنان خود را فراموش مکن، و غوغای مخالفان خود را که پیوسته بلند می‌شود

## مزمور هفتاد و پنجم

۱. برای سالار مغنیان بر التشخت، مزمور و سرود آساف

۲. تو را حمد می‌گوییم ای خد.ا تو را حمد می‌گوییم زیرا نام تو نزدیک است، و مردم کارهای عجیب تو را ذکر می‌کنند

۳. هنگامی که به زمان معین برسم، به راستی داوری خواهم کرد

۴. زمین و جمیع ساکنانش گداخته شده‌اند، من ارکان آن را برقرار نموده‌ام سلاه

۵. متکبران را گفتم فخر مکنید، و به شریران که شاخ خود را می‌افرازید

۶. شاخ‌های خود را به بلندی می‌افرازید، و با گردن‌کشی سخنان تکبرآمیز مگویید

۷. زیرا نه از مشرق و نه از مغرب، و نه از جنوب سرافرازی می‌آید

۸. لیکن خداوند داور است، یکی را به زیر می‌اندازد و دیگری را سرافراز می‌نماید

۹. زیرا در دست خداوند کاسه‌ای است و بادهٔ آن پرجوش، از شراب ممزوج پر است که از آن می‌ریزد، و اما دُردهایش را جمیع شریران جهان افشرده خواهند نوشید

۱۰. و اما من تا به ابد ذکر خواهم کرد، و برای خد.ای یعقوب ترنم خواهم نمود

۱۱. جمیع شاخهای شریران راخواهم برید، و اما شاخ‌های صالحین برافراشته خواهد شد

## مزمور هفتاد و ششم

۱. برای سالار مغنیان بر نگینوت، مزمور و سرود آساف

۲. خد.ا در یهودا معروف است، و نام او در اسرائیل عظیم

۳. خیمهٔ او است در شالم، و مسکن او در صیون

۴. در آنجا برق کمان‌ها را شکست، سپر و شمشیر جنگ را سلاه

۵. تو جلیل هستی و بلند مرتبه، زیاده از کوه‌های سرکش

۶. قَوی‌دلان تاراج شده‌اند و خواب ایشان را در ربوده، و همهٔ مردان زورآور دست خود را نیافتند

۷. از سرزنش تو ای خد.ای یعقوب، بر عرابه‌ها و اسبان خوابی گران مستولی گردید

۸. تو مهیب هستی تو، و در حین غضبت کیست که به حضور تو بایستد

۹. از آسمان حکم داوری را اعلام کرده‌ای، پس جهان بترسید و ساکت گردید

۱۰. چون خد.ا برای داوری قیام فرماید، تا همهٔ مساکین جهان را خلاصی بخشد سلاه

۱۱. آنگاه خشم انسان تو را حمد خواهد گفت، و پس از آن خشم را بر کمر خود خواهی بست

۱۲. نذر کنید و وفا نمایید و برای خداوند خد.ای خود، همه گرداگرد او هستند هدیه بگذارنند نزد او که

قدرتمند است

۱۳. روح قدرتمندان را منقطع خواهد ساخت، و برای پادشاهان جهان مهیب می‌باشد

## مزمور هفتاد و هفتم

۱. برای سالار مغنیان بر یدوتون، مزمور آساف

۲. آواز من به سوی خدا است و فریاد می‌کنم، آواز من به سوی خدا است سمع خود را به من فرا خواهد گرفت

۳. در روز تنگی خود خداوند را طلب کردم، در شب دست من (در دعا) دراز شده مستجاب نشد، و جان من تسلی نپذیرفت

۴. خدا را یاد می‌کنم و پریشان می‌شوم، تفکر می‌نمایم و روح من از خود بی‌خود می‌گردد سلاه

۵. چشمانم را بیدار می‌داشتی، بی‌تاب می‌شدم و سخن نمی‌توانستم گفت

۶. دربارهٔ ایام قدیم تفکر کرده‌ام، دربارهٔ سال‌های زمان‌های گذشته

۷. سرود شبانهٔ خود را به خاطر می‌آورم، و در دل خود تفکر می‌کنم و روح من جستجو نموده است

۸. مگر خدا تا به ابد ترک خواهد کرد، و دیگر هرگز راضی نخواهد شد

۹. آیا رحمت او تا به ابد زایل شده است، و قول او باطل گردیده تا به ابد

۱۰. آیا خدا رأفت را فراموش کرده، و رحمت‌های خود را در غضب مسدود ساخته است سلاه

۱۱. پس گفتم این ضعف من است، (که حمایت) یمین (خداوند) متعال تغییر کرده است

۱۲. کارهای خداوند را ذکر خواهم نمود، زیرا کار شگفت‌انگیز تو را که از روز اول است به یاد خواهم آورد

۱۳. و در جمیع کارهای تو تأمل خواهم کرد، و در صنعت‌های تو تفکر خواهم نمود

۱۴. ای خدا طریق تو در قدوسیت است، کیست خدای بزرگ مثل خدا

۱۵. تو خدایی هستی که کارهای عجیب می‌کنی، و قوت خویش را بر قوم‌ها معروف گردانیده‌ای

۱۶. قوم خود را به بازوی خویش رهانیده‌ای، یعنی بنی‌یعقوب و بنی‌یوسف را سلاه

۱۷. آب‌ها به نگاه تو ای خدا آب‌ها به نگاه تو متزلزل شدند، لجه‌ها نیز سخت مضطرب گردیدند

۱۸. ابرها آب باریدند و افلاک رعد نمودند، تیرهای تو نیز به هر طرف روان گردیدند

۱۹. صدای رعد تو در گردباد بود و برق‌ها ربع مسکون را روشن کردند، پس زمین مرتعش و متزلزل گردید

۲۰. طریق تو در دریاها است ، و راه‌های تو در آب‌های فراوان و آثار تو را نتوان شناخت

۲۱. قوم خود را مثل گوسفندان راهنمایی نمودی، به دست موسی و هارون

## مزمور هفتاد و هشتم

۱. قصیده آساف، ای قوم من شریعت من را بشنوید، گوش‌های خود را به سخنان دهانم فرا گیرید

۲. دهان خود را به مَثَل باز خواهم کرد، به چیزهایی که از بنای عالم معما بودند سخن خواهم گفت

۳. که آن‌ها را شنیده و دانسته‌ایم، و پدران ما برای ما بیان کرده‌اند

۴. از فرزندان ایشان آنها را پنهان نخواهیم کرد، ستایش خداوند را برای نسل آینده بیان می‌کنیم، و قوت او و اعمال عجیبی را که او کرده است

۵. زیرا که شهادتی در یعقوب برپا داشت و شریعتی در (بنی) اسرائیل قرار داد، و پدران ما را امر فرمود که آن‌ها را به فرزندان خود تعلیم دهند

۶. تا نسل آینده آن‌ها را بدانند و فرزندانی که می‌بایست متولد شوند، تا ایشان برخیزند و آن‌ها را به فرزندان خود بیان نمایند

۷. و ایشان به خد.ا توکل نمایند، و اعمال خد.ا را فراموش نکنند بلکه احکام او را نگاه دارند

۸. و مثل پدران خود نسلی گردن‌کش و فتنه‌انگیز نشوند، نسلی که دل خود را راست نساختند و روح ایشان به سوی خد.ا امین نبود

۹. بنی‌افرایم که مسلح و کمان‌کش بودند، در روز جنگ رو برتافتند

۱۰. عهد خد.ا را نگاه نداشتند، و از سلوک به شریعت او تمرد نمودند

۱۱. و اعمال و عجایب او را فراموش کردند، که آن‌ها را بدیشان ظاهر کرده بود

۱۲. و در نظر ایشان اعمال عجیب کرده بود، در زمین مصر و در دیار صوعن

۱۳. دریا را شکافته ایشان را عبور داد، و آب‌ها را مثل توده برپا نمود

۱۴. و ایشان را در روز به ابر راهنمایی کرد، و تمامی شب به نور آتش

۱۵. در صحرا صخره‌ها را بشکافت، و ایشان را گویا از لجه‌های عظیم نوشانید

۱۶. پس سیل‌ها را از صخره بیرون آورد، و آب را مثل نهرها جاری ساخت

۱۷. و بار دیگر بر او گناه ورزیدند، و بر (خد.اوند) متعال در صحرا فتنه انگیختند

۱۸. و در دل‌های خود خد.ا را امتحان کردند، چون که برای شهوات خود غذا خواستند

۱۹. و بر ضد خد.ا تکلم کرده گفتند، آیا خد.ا می‌تواند در صحرا سفره‌ای ترتیب دهد

۲۰. اینک صخره را زد و آب‌ها روان شد، و وادی‌ها جاری گشت، آیا می‌تواند نان را نیز بدهد، و گوشت را برای قوم خود حاضر سازد

۲۱. پس خد.ا این را شنیده غضبناک شد، و آتش در یعقوب افروخته گشت، و خشم بر (بنی) اسرائیل مشتعل گردید

۲۲. زیرا به خد.ا ایمان نیاوردند، و به نجات او اعتماد ننمودند

۲۳.	پس افلاک را از بالا امر فرمود، و درهای آسمان را گشود
۲۴.	و مان را بر ایشان بارانید تا بخورند، و غلهٔ آسمان را به‌ایشان بخشید
۲۵.	مردمان نان زورآوران را خوردند، و آذوقه‌ای برای ایشان فرستاد تا سیر شوند
۲۶.	باد شرقی را در آسمان وزانید، و به قوت خود باد جنوبی را آورد
۲۷.	و گوشت را برای ایشان مثل غبار بارانید، و مرغان بالدار را مثل ریگ دریا
۲۸.	و آن را در میان اُردوی ایشان فرود آورد، گرداگرد مسکن‌های ایشان
۲۹.	پس خوردند و نیکو سیر شدند، و موافق هوس‌های ایشان به‌ایشان داد
۳۰.	ایشان از هوس خود دست نکشیدند، و غذا هنوز در دهان ایشان بود
۳۱.	که غضب خد.ا بر ایشان افروخته شده، تنومندان ایشان را بکُشت و جوانان (بنی) اسرائیل را هلاک ساخت
۳۲.	با وجود این‌همه باز گناه ورزیدند، و به اعمال عجیب او ایمان نیاوردند
۳۳.	بنابراین روزهای ایشان را در بطالت تمام کرد، و سال‌های ایشان را در ترس
۳۴.	هنگامی که ایشان را کُشت او را طلبیدند، و بازگشت کرده دربارهٔ خد.ا تفحص نمودند
۳۵.	و به یاد آوردند که خد.ا صخرهٔ ایشان، و خد.ای تعالی ولی ایشان است
۳۶.	اما به دهان خود تملق نمودند، و به زمان خویش به او دروغ گفتند
۳۷.	زیرا که دل ایشان با او راست نبود، و به عهد وی مؤمن نبودند
۳۸.	اما او به حسب رحمانیتش گناه ایشان را عفو نموده ایشان را هلاک نساخت، بلکه بارها غضب خود را برگردانیده تمامی خشم خویش را برنینگیخت
۳۹.	و به یاد آورد که ایشان بَشَر هستند، بادی که می‌رود و برنمی‌گردد
۴۰.	چند مرتبه در صحرا بدو فتنه انگیختند، و او را در بادیه رنجانیدند
۴۱.	و برگشته خد.ا را امتحان کردند و قدوس اسرائیل را اهانت نمودند
۴۲.	و قوت او را بخاطر نداشتند، روزی که ایشان را از دشمن رهانیده بود
۴۳.	که چگونه آیات خود را در مصر ظاهر ساخت، و معجزات خود را در دیار صوعن
۴۴.	و نهرهای ایشان را به خون مبدل نمود، و از رودهای ایشان تا نتوانستند نوشیدند
۴۵.	انواع پشه‌ها در میان ایشان فرستاد که ایشان را گزیدند، و غوک‌هایی که ایشان را تباه نمودند
۴۶.	و محصول ایشان را به کرم صدپا سپرد، و دسترنج ایشان را به ملخ داد
۴۷.	تاکستان ایشان را به تگرگ خراب کرد، و درختان جُمَیز ایشان را به تگرگ‌های درشت
۴۸.	بهایم ایشان را به تگرگ سپرد، و چهارپایان ایشان را به شعله‌های برق
۴۹.	و آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، غضب و غیظ و کمبود را، به فرستادن فرشتگان شریر

۵۰. و راهی برای غضب خود مهیا ساخته، جان ایشان را از مرگ نگاه نداشت، بلکه جان ایشان را به وبا تسلیم نمود

۵۱. و همۀ نخست‌زادگان مصر را کُشت، موجبات قدرت ایشان را در خیمه‌های حام

۵۲. و قوم خود را مثل گوسفندان کوچانید، و ایشان را در صحرا مثل گله رهنمایی نمود

۵۳. و ایشان را در امنیت رهبری کرد تا نترسند، و دریا دشمنان ایشان را پوشانید

۵۴. و ایشان را به حدود مقدس خود آورد، به این کوهی که به یمین خود تحصیل کرده بود

۵۵. و امت‌ها را از حضور ایشان راند، و میراث را برای ایشان به ریسمان تقسیم کرد، و اسباط (بنی) اسرائیل را در خیمه‌های ایشان ساکن گردانید

۵۶. لیکن خد.ای تعالی را امتحان کرده بدو فتنه انگیختند، و شهادات او را نگاه نداشتند

۵۷. و برگشته مثل پدران خود خیانت ورزیدند، و مثل کمان خطاکننده منحرف شدند

۵۸. و به مقام‌های بلند خود خشم او را به هیجان آوردند، و به بت‌های خویش غیرت او را برانگیختند

۵۹. چون خد.ا این را بشنید غضبناک گردید، و اسرائیل را به شدت مکروه داشت

۶۰. پس مسکن شیلو را ترک نمود، آن خیمه‌ای را که درمیان آدمیان برپا ساخته بود

۶۱. و (تابوت) قوت خود را به اسیری داد، و جمال خویش را به دست دشمن سپرد

۶۲. و قوم خود را به شمشیر تسلیم نمود، و با میراث خود غضبناک گردید

۶۳. جوانان ایشان را در آتش سوزانید، و برای دوشیزگان ایشان سرودِ نکاح نخواند

۶۴. کاهنان ایشان به دم شمشیر افتادند، بیوه‌های ایشان نوحه‌گری ننمودند

۶۵. آن‌گاه خداوند مثل کسی که خوابیده بود بیدار شد، مثل قدرتمندی که از (مستی) شراب درآید خروشید

۶۶. و دشمنان خود را به عقب راند، و ایشان را خجالت‌زده ابدی گردانید

۶۷. و خیمۀ یوسف را رد نموده، سبط افرایم را برنگزید

۶۸. لیکن سبط یهودا را برگزید، و این کوه صیون را که دوست می‌داشت

۶۹. و قدس خود را مثل کوه‌های بلند بنا کرد، مثل جهان که آن را تا به ابد بنیاد نهاد

۷۰. و بندۀ خود داوید را برگزید، و او را از آغل‌های گوسفندان گرفت

۷۱. از عقب میش‌های شیرده او را آورد، تا قوم او یعقوب و میراث او (بنی) اسرائیل را رعایت کند

۷۲. پس ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود، و ایشان را به مهارت دست‌های خویش هدایت کرد

## مزمور هفتاد و نهم

۱. مزمور آساف، ای خد.ا امت‌ها به میراث تو داخل شده، محراب قدس تو را بی‌عصمت ساختند، اورشلیم

را خرابه‌ها نمودند

۲. لاش‌های بندگانت را به مرغان هوا برای خوراک دادند، و گوشت مقدسانت را به وحوش صحرا

۳. خون ایشان را گرداگرد اورشلیم مثل آب ریختند، و کسی نبود که ایشان را دفن کند

۴. نزد همسایگان خود خوار گردیده‌ایم، و نزد مجاوران خویش استهزاء و مسخره شده‌ایم

۵. تا کی ای خداوند تا به ابد خشمناک خواهی بود، آیا غیرت تو مثل آتش افروخته خواهد شد

۶. قهر خود را بر امت‌هایی که تو را نمی‌شناسند بریز، و بر ممالکی که نام تو را نمی‌خوانند

۷. زیرا که یعقوب را از میان برده، و مسکن او را خراب کرده‌اند

۸. گناهان اجداد ما را بر ما به‌یاد میاور رحمت‌های تو بر ما پیشی جویند، زیرا بسیار ذلیل شده‌ایم

۹. ای خد.ای نجات دهنده ما، بخاطر جلال نامت ما را یاری ده و خلاص کن و بخاطر نام خود گناهان ما را بیامرز

۱۰. چرا امت‌ها می‌گویند که خد.ای ایشان کجاست، انتقام خون بندگانت که ریخته شده است، بر امت‌ها در نظرها معلوم شود

۱۱. نالهٔ اسیران به حضور تو برسد، با عظمت بازوی خود آنانی را که به موت سپرده شده‌اند، برهان

۱۲. و جزای هفت چندان به همسایگان ما رسان، برای اهانتی که به تو کرده‌اند ای خد.اوند

۱۳. پس ما که قوم تو و گوسفندان مرتع تو هستیم، تو را تا به ابد شکر خواهیم گفت، و تسبیح تو را نسلاً بعد نسل ذکر خواهیم نمود

## مزمور هشتادم

۱. برای سالار مغنیان، بر شوشنیم عدوت، مزمور آساف

۲. ای شبان (بنی) اسرائیل بشنو ای که یوسف را مثل گله رعایت می‌کنی، ای که بر کروبیم جلوس نموده ای تجلی فرما

۳. به حضور افرایم و بنیامین و منشه، توانایی خود را برانگیز و برای نجات ما بیا

۴. ای خد.ا ما را دریاب، عظمت خود نشان ده تا نجات یابیم

۵. ای خداوند خد.ای صواُت، تا به کی به دعای قوم خویش غضبناک خواهی بود

۶. نان ماتم را به ایشان می‌خورانی، و اشک‌های بی‌اندازه به ایشان می‌نوشانی

۷. ما را محل منازعهٔ همسایگان ما ساخته‌ای و دشمنان ما در میان خویش ما را استهزاء می‌نمایند

۸. ای خد.ای لشگرها ما را دریاب، و روی خوش نشان ده تا نجات یابیم

۹. موی را از مصر بیرون آوردی، امت‌ها را بیرون کرده آن را غرس نمودی

۱۰. پیش روی همه آن را وسعت دادی، پس ریشهٔ خود را نیکو دوانیده زمین را پر ساخت

۱۱. کوه‌ها به سایه‌اش پوشانیده شد، و سرودهای آزاد خد.ا به شاخه‌هایش

۱۲. شاخه‌های خود را تا دریا پهن کرد، و اندام خویش را تا به نهر
۱۳. پس چرا دیوارهایش را شکسته‌ای، که هر راهگذری آن را می‌چینند
۱۴. گرازهای جنگل آن را ویران می‌کنند، و وحوش صحرا در آن می‌چرند
۱۵. ای خد.ای لشگرها مرحمت فرموده از آسمان نظر کن، و ببین و از این مُو تفقد نما
۱۶. و از این نهالی که یمین تو غَرس شده است، و از آن فرزندی که برای خویشتن قوی ساخته‌ای
۱۷. مثل هیزم در آتش سوخته شده، و از عتاب روی تو تباه گردیده‌اند
۱۸. (کمک) دست تو بر مردی‌که در یمین تو است باشد، و بر پسر آدم که او را برای خویشتن قوی ساخته ای
۱۹. و ما از تو رو نخواهیم تافت، ما را حیات بده تا نام تو را بخوانیم
۲۰. ای خداوند خد.ای لشگرها ما را دریاب، و روی خوش نشان ده تا نجات یابیم

## مزمور هشتاد و یکم

۱. برای سالار مغنیان بر گیتیت مزمور آساف
۲. ترنم نمایید برای خد.ایی که قوت ماست، برای خد.ای یعقوب آواز شادمانی دهید
۳. سرود را بلند بخوانید و دف را بیاورید، و بربط دلنواز را با رباب بنوازید
۴. شوفار را بنوازید در اول ماه، در ماه تمام و در روز عید ما
۵. زیرا که این فریضه‌ای است در (بنی) اسرائیل، و حکمی از خد.ای یعقوب
۶. این را همچو پیمانی در یوسف تعیین فرمود، چون بر زمین مصر بیرون رفت، جایی که زبانی را که نفهمیده بودم شنیدم
۷. دوشِ او را از بار سنگین آزاد ساختم، و دست‌های او از سبد رها شد
۸. در تنگی استدعا نمودی و تو را خلاصی دادم، در میان رعد تو را اجابت کردم و تو را نزد آب مریبا امتحان نمودم سلاه
۹. ای قوم من بشنو و تو را تأکید می‌کنم، و ای (بنی) اسرائیل اگر به من گوش دهی
۱۰. در میان تو خد.ای غیر نباشد، و نزد خد.ای بیگانه سجده منما
۱۱. من خداوند خد.ای تو هستم که تو را از زمین مصر برآوردم، دهان خود را به نیکویی باز کن و آن را پر از نیکویی خواهم ساخت
۱۲. لیکن قوم من سخن من را نشنیدند، و (بنی) اسرائیل من را ابا ننمودند
۱۳. پس ایشان را به سختی دلشان ترک کردم، که به مشورت‌های خود سلوک نمایند
۱۴. ای کاش که قوم من به من گوش می‌گرفتند، و (بنی) اسرائیل در طریق‌های من سالک می‌بودند

۱۵. آنگاه دشمنان ایشان را به زودی به زیر می‌انداختم، و دست خود را بر خصمان ایشان برمی‌گردانیم
۱۶. آنانی که از خداوند نفرت دارند بدو گردن نمی‌نهادند، اما زمان بر ایشان باقی می‌بود تا به ابد
۱۷. ایشان را به نیکوترین گندم می‌پرورد، و تو را به عسل از صخره سیر می‌کردم

## مزمور هشتاد و دوم

۱. مزمور آساف، خدا.ا در جماعت خدا.ا ایستاده است، در میان داوران داوری می‌کند
۲. تا به کِی به بی‌انصافی داوری خواهید کرد، و شریران را طرفداری خواهید نمود سلاه
۳. فقیران و یتیمان را دادرسی بکنید، مظلومان و مسکینان را انصاف دهید
۴. مظلومان و فقیران را برهانید، و ایشان را از دست شریران خلاصی دهید
۵. نمی‌دانند و نمی‌فهمند و در تاریکی راه می‌روند، و جمیع اساس زمین متزلزل می‌باشد
۶. من گفتم که شما فرشتگانید، و جمیع شما اهل سماوات
۷. لیکن مثل آدمیان خواهید مرد، و چون یکی از سروران خواهید افتاد
۸. ای خدا.ا برخیز و جهان را داوری فرما، زیرا که تو تمامی امت‌ها را متصرف خواهی شد

## مزمور هشتاد و سوم

۱. سرود و مزمور آساف
۲. ای خدا.ا تو را خاموشی نباشد، ای خدا.ا ساکت مباش و میارام
۳. زیرا اینک دشمنانت می‌خروشند، و آنانی که از تو نفرت دارند سر خود را برافراشته‌اند
۴. بر قوم تو حیله‌ها می‌اندیشند، و بر پناه آوردگان تو مشورت می‌کنند
۵. و می‌گویند بیایید ایشان را هلاک کنیم تا قومی نباشند، و نام اسرائیل دیگر مذکور نشود
۶. زیرا به یک دل با هم مشورت می‌کنند، و بر ضد تو عهد بسته‌اند
۷. خیمه‌های اِدُوم و اسامله و موآب و هجریان
۸. جبال و عَمُون و عَمالیق و پِلشت با ساکنان صور
۹. اَشور نیز با ایشان متفق شدند، و بازویی برای بنی لوط گردیدند سلاه
۱۰. بدیشان عمل نما چنان که به مدیان کردی، چنان که به سیسرا و یابین و در وادی قیشون
۱۱. که در عَیندُور هلاک شدند، و سرگین برای زمین گردیدند
۱۲. سروران ایشان را مثل غُراب و ذِئب گردان، و جمیع امرای ایشان را مثل ذَبَح و صَلْمُناع
۱۳. که می‌گفتند مساکن خدا.ا را، برای خویشتن تصرف نماییم
۱۴. ای خدا.ای من ایشان را چون غبار گردباد بساز، و مانند کاه پیش روی باد

۱۵. مثل آتشی که جنگل را می‌سوزاند، و مثل شعله‌ای که کوه‌ها را مشتعل می‌سازد
۱۶. همچنان ایشان را به تندباد خود بران، و به طوفان خویش ایشان را آشفته گردان
۱۷. روی‌های ایشان را به ذلت پُر کن، تا نام تو را ای خداوند بطلبند
۱۸. خجل و پریشان بشوند تا به ابد، و شرمنده و هلاک گردند
۱۹. و بدانند تو که اسمت خداوند می‌باشد، به تنهایی بر تمامی زمین متعال هستی

## مزمور هشتاد و چهارم

۱. برای سالار مغنیان بر گیتیت، مزمور بنی‌قورح
۲. ای خد.ای صواُت چه دلپذیر است مسکن‌های تو
۳. جان من مشتاق بلکه کاهیده شده است برای صحن‌های خد.اوند، دلم و جسمم برای خد.ای حی ناله می کند
۴. گنجشک نیز برای خود خانه‌ای پیدا کرده است، و پرستو برای خویشتن آشیانه‌ای، تا بچه‌های خود را در آن بگذارد، در مذبح‌های تو ای خداوند صواُت که پادشاه من و خد.ای من هستی
۵. خوشا به حال آنانی که در خانهٔ تو ساکنند، که تو را دائماً تسبیح می‌خوانند سلاه
۶. خوشا به حال مردمانی که قوت ایشان در تو است، و طریق‌های تو در دل‌های ایشان
۷. چون از وادی بکا عبور می‌کنند آن را چشمه می‌سازند، و باران آن را به برکات می‌پوشاند
۸. از نیرویی به نیروی دیگر می‌خرامند، و هر یک از ایشان در صیون نزد خد.ا حاضر می‌شوند
۹. ای خداوند خد.ای لشگرها دعای من را بشنو، ای خد.ای یعقوب گوش خود را فراگیر سلاه
۱۰. ای خد.ایی که سپر ما هستی ببین، و به روی ماشیح خود نظر انداز
۱۱. زیرا یک روز در صحن‌های تو بهتر است از هزار، (روز در جای دگر) و ایستادن بر آستانهٔ خانهٔ خد.ای خود را بیشتر می‌پسندم، از ساکن شدن در خیمه‌های اشرار
۱۲. زیرا که (لطف) خد.اوند، خد.ا (چون) آفتاب و سپر است، خداوند فیض و جلال خواهد داد، و هیچ چیز نیکو را منع نخواهد کرد، از آنانی که به راستی سالک باشند
۱۳. ای خداوند صواُت، خوشا به حال کسی که بر تو توکل دارد

## مزمور هشتاد و پنجم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور بنی‌قورح
۲. ای خداوند به زمین خود راغب شده‌ای، اسیری یعقوب را بازآورده‌ای
۳. عصیان قوم خود را عفو کرده‌ای، تمامی گناهان ایشان را پوشانیده‌ای سلاه

۴. تمامی غضب خود را برداشته، و از حدت خشم خویش باز گشته‌ای
۵. ای خدای نجات ما، ما را برگردان و غیظ خود را از ما بردار
۶. آیا تا به ابد با ما غضبناک خواهی بود، و خشم خویش را نسلاً بعد نسل طول خواهی داد
۷. آیا برگشته ما را حیات نخواهی داد، تا قوم تو در تو شادی نمایند
۸. ای خداوند رحمت خود را بر ما ظاهر کن، و نجات خویش را به ما عطا فرما
۹. آنچه خدا خداوند می‌گوید خواهم شنید، زیرا به قوم خود و به مقدسان خویش به سلامتی (سخن) خواهد گفت، تا به سوی جهالت برنگردند
۱۰. یقیناً نجات او به ترسندگان او نزدیک است، تا جلال او در زمین ما ساکن شود
۱۱. رحمت و راستی با هم ملاقات کرده‌اند، عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسیده‌اند
۱۲. راستی از زمین خواهد رویید، و عدالت از آسمان خواهد نگریست
۱۳. خداوند نیز چیزهای نیکو را به ما خواهد بخشید، و زمین ما محصول خود را خواهد داد
۱۴. عدالت پیش روی او خواهد خرامید، و اقدام خود را در طریق (عدالت) قرار خواهد داد

## مزمور هشتاد و ششم

۱. تفیلای داوید، ای خداوند سمع خود را فرا گرفته من را مستجاب فرما، زیرا مسکین و نیازمند هستم
۲. جان من را نگاه دار زیرا من متقی هستم، ای خدای من بندۀ خود را که بر تو توکل دارد نجات بده
۳. ای خداوند بر من کَرَم فرما، زیرا که تمامی روز تو را می‌خوانم
۴. جان بندۀ خود را شادمان گردان، زیرا ای خداوند جان خود را متوجه تو می‌گردانم
۵. زیرا تو ای خداوند نیکو و غفار هستی، و بسیار رحیم برای آنانی که تو را می‌خوانند
۶. ای خداوند دعای من را اجابت فرما، و به آواز تضرع من توجه نما
۷. در روز تنگی خود تو را خواهم خواند، زیرا که من را مستجاب خواهی فرمود
۸. ای خداوند در میان فرشتگان مثل تو نیست، و کاری مثل کارهای تو، نی
۹. ای خداوند همۀ امت‌هایی که آفریده‌ای، آمده به حضور تو سجده خواهند کرد، و نام تو را تمجید خواهند نمود
۱۰. زیرا که تو بزرگ هستی و کارهای عجیب می‌کنی، تو تنها خدا هستی
۱۱. ای خداوند طریق خود را به من بیاموز تا در راستی تو سالک شوم، دل من را یکسان ساز تا از نام تو ترسان باشم
۱۲. ای خداوند خدای من تو را به تمامی دل حمد خواهم گفت، و نام تو را تمجید خواهم کرد تا به ابد
۱۳. زیرا که رحمت تو به من عظیم است، و جان من را از گور اسفل رهانیده‌ای

۱۴. ای خد.ا متکبران بر من برخاسته‌اند، و گروهی از ظالمان قصدجان من دارند، و تو را در مدّنظر خود نمی‌آورند

۱۵. و تو ای خداوند خد.ای رحیم و کریم هستی، دیر غضب و پُر از رحمت و راستی

۱۶. به سوی من التفات کن و بر من کرم فرما، قوت خود را به بنده‌ات بده و پسر کنیز خود را نجات بخش

۱۷. علامت خوبی را به من بنما، تا آنانی که از من نفرت دارند آن را دیده خجل شوند، زیرا که تو ای خداوند من را یاری کرده و تسلی داده‌ای

## مزمور هشتاد و هفتم

۱. مزمور و سرود بنی‌قورح، اساس او در کوه‌های مقدس است

۲. خداوند دروازه‌های صیون را دوست می‌دارد، بیشتر از جمیع مسکن‌های یعقوب

۳. سخن‌های بلند مرتبه دربارهٔ تو گفته می‌شود، ای شهر خد.ا سلاه

۴. (موحدین) رَهَب و بابل را به شناسندگان خود ذکر می‌کنم، اینک این (خد.اپرستان) پلشت و صور و حبش (نیز گویی)، در آنجا متولد شده‌اند

۵. و دربارهٔ صیون گفته شد، که این و آن در آن متولد شده‌اند، و خود (خد.اوند) متعال آن را استوار خواهد نمود

۶. خداوند چون امت‌ها را می‌نویسد ثبت خواهد کرد، که این (موحد) در آنجا متولد شده است سلاه

۷. مغنیان و رقص‌کنندگان نیز (می‌گویند)، جمیع چشمه‌های (حیات) من در تو است

## مزمور هشتاد و هشتم

۱. سرود و مزمور بنی‌قورح برای سالار مغنیان بر مَحَلت‌لعَنُوت، قصیدهٔ هیمان اِزراحی

۲. ای خداوند خد.ای نجاتِ من، شب و روز نزد تو فریاد کرده‌ام

۳. دعای من به حضور تو برسد، به نالهٔ من گوش خود را فراگیر

۴. زیرا که جان من از بلایا پر شده است، و زندگانیم به قبر نزدیک گردیده

۵. از فرو روندگان به گور شمرده شده‌ام، و مثل مرد ناتوان گشته‌ام

۶. در میان مردگان آزاد شده، مثل کشتگان که در قبر خوابیده‌اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد، و از دست تو منقطع شده‌اند

۷. من را در گور اسفل گذاشته‌ای، در ظلمت در ژرفی‌ها

۸. خشم تو بر من سنگین شده است، و به همهٔ امواج خود من را مبتلا ساخته‌ای سلاه

۹. آشنایانم را از من دور کرده، و من را مکروه ایشان گردانیده‌ای، محبوس شده بیرون نمی‌توانم آمد

۱۰. چشمانم از مذلت کاهیده شد، ای خداوند نزد تو فریاد کرده‌ام تمامی روز، دست‌های خود را به سوی تو دراز کرده‌ام
۱۱. آیا برای مردگان کاری عجیب خواهی کرد، مگر مردگان برخاسته تو را حمد خواهند گفت سلاه
۱۲. آیا رحمت تو در قبر برقرار خواهد شد، و امانت تو در هلاکت
۱۳. آیا کار عجیب تو در ظلمت اعلام می‌شود، و عدالت تو در زمین فراموشی
۱۴. و اما من نزد تو ای خداوند فریاد برآورده‌ام، و بامدادان دعای من در پیش تو می‌آید
۱۵. ای خداوند چرا جان من را ترک کرده، و روی خود را از من پنهان نموده‌ای
۱۶. من مستمندم و از طفولیت مشرف بر موت شده‌ام، ترس‌های تو را متحمل شده متحیر گردیده‌ام
۱۷. حدت خشم تو بر من گذشته است، و خوف‌های تو من را هلاک ساخته
۱۸. مثل آب دور من را گرفته است تمامی روز، و من را از هر سو احاطه نموده
۱۹. یاران و دوستان را از من دور کرده‌ای، و آشنایانم را (گویی) در تاریکی (نهاده‌ای)

## مزمور هشتاد و نهم

۱. قصیدهٔ ایتان ازراحی
۲. رحمت‌های خداوند را تا به ابد خواهم سرایید، امانت تو را به دهان خود نسلاً بعد نسل اعلام خواهم کرد
۳. زیرا گفتم رحمت بنا خواهد شد تا به ابد، و امانت خویش را در افلاک پایدار خواهی ساخت
۴. با برگزیدهٔ خود عهد بسته‌ام، برای بندهٔ خویش داوید قسم خورده‌ام
۵. که ذریت تو را پایدار خواهم ساخت تا به ابد، و تخت تو را نسلاً بعد نسل بنا خواهم نمود سلاه
۶. و آسمان‌ها کارهای عجیب تو را ای خداوند تمجید خواهند کرد، و امانت تو را در جماعت مقدسان
۷. زیرا کیست در آسمان ها که با خداوند برابری تواند کرد، و از فرشتگان که‌را با خداوند تشبیه توان نمود
۸. خد.ا بی‌نهایت ارجمند است در جماعت مقدسان، و ترسناک است بر آنانی که گرداگرد او هستند
۹. ای خداوند خد.ای لشگرها، کیست ای خد.ای قدیر مانند تو، و امانت تو تو را احاطه می کند
۱۰. بر طغیان دریا تو مسلط هستی، چون امواجش بلند می‌شود آن‌ها را ساکن می‌گردانی
۱۱. رهَب را مثل کُشته شده خورد شکسته‌ای، به بازوی زورآور خویش دشمنانت را پراکنده نموده‌ای
۱۲. آسمان از آن تو است و زمین نیز از آن تو، ربع مسکون و پُری آن را تو بنیاد نهاده‌ای
۱۳. شمال و جنوب را تو آفریده‌ای، تا بور و حرمون به نام تو شادی می کنند
۱۴. بازوی تو با قوت است، دست تو زورآور است و یمین تو متعال

۱۵. عدالت و انصاف اساس تخت تو است، رحمت و راستی پیش روی تو می‌خرامند
۱۶. خوشا به حال قومی که آواز شادمانی را می‌دانند، در نور روی تو ای خداوند خواهند خرامید
۱۷. در نام تو شادمان خواهند شد تمامی روز، و در عدالت تو سرافراشته خواهند گردید
۱۸. زیرا که فخر قوت ایشان تو هستی، و به رضامندی تو شاخ ما مرتفع خواهد شد
۱۹. زیرا که سپر ما از آن خداوند است، و پادشاه ما از آن قدوس (بنی) اسرائیل
۲۰. آنگاه در عالم رویا به پارسایان خود خطاب کرده گفتی، که نصرت را بر مردی زورآور نهادم، و برگزیده‌ای از قوم را ممتاز کردم
۲۱. بندهٔ خود داوید را یافتم، و او را به روغن مقدس خود تقدس نمودم
۲۲. که دست من با او استوار خواهد شد، بازوی من نیز او را قوی خواهد گردانید
۲۳. دشمنی بر او ستم نخواهد کرد، و هیچ ظالمی به او اذیت نخواهد رسانید
۲۴. و خصمان او را پیش روی وی خواهم کوبید، و آنانی را که از او نفرت دارند مبتلا خواهم گردانید
۲۵. و امانت و رحمت من با وی خواهد بود، و در نام من شاخ او مرتفع خواهد شد
۲۶. دست او را بر دریا مستولی خواهم ساخت، و دست راست او را بر نهرها
۲۷. او من را خواهد خواند که تو پدر من هستی، خد.ای من و صخرهٔ نجات من
۲۸. من نیز او را نخست‌زادهٔ خود خواهم ساخت بلندتر از پادشاهان جهان
۲۹. رحمت خویش را برای وی نگاه خواهم داشت تا به ابد، و عهد من با او استوار خواهد بود
۳۰. و ذریت وی را باقی خواهم داشت تا به ابد، و تخت او را مثل روزهای آسمان
۳۱. اگر فرزندانش شریعت من را ترک کنند، و در احکام من سلوک ننمایند
۳۲. اگر فرایض من را بشکنند، و اوامر من را نگاه ندارند
۳۳. آنگاه معصیت ایشان را به عصا تأدیب خواهم نمود، و گناه ایشان را به ضربت‌ها
۳۴. لیکن رحمت خود را از او برنخواهم داشت، و امانت خویش را باطل نخواهم ساخت
۳۵. عهد خود را نخواهم شکست، و آنچه را اعلام کرده‌ام تغییر نخواهم داد
۳۶. یک چیز را به قدوسیت خود قسم خوردم، و به داوید هرگز دروغ نخواهم گفت
۳۷. که ذریت او باقی خواهد بود تا به ابد، و تخت او به حضور من مثل آفتاب
۳۸. مثل ماه ثابت خواهد بود تا به ابد، و مثل شاهد امین در آسمان سلاه
۳۹. لیکن تو ترک کرده‌ای و دور انداخته‌ای، و با ماشیح خود غضبناک شده‌ای
۴۰. عهد بندهٔ خود را باطل ساخته‌ای، و تاج او را بر زمین انداخته بی‌عصمت کرده‌ای
۴۱. جمیع حصارهایش را شکسته، قلعه‌های او را خراب نموده‌ای
۴۲. همهٔ راه‌گذران او را تاراج می کنند، و او نزد همسایگان خود ناچیز گردیده است

۴۳.	دست راست خصمان او را برافراشته، و همهٔ دشمنانش را مسرور ساخته

۴۴.	دم شمشیر او نیز برگردانیده‌ای، و او را در جنگ پایدار نساخته‌ای

۴۵.	جلال او را باطل ساخته، تخت او را به زمین انداخته‌ای

۴۶.	ایام شبابش را کوتاه کرده، او را به خجالت پوشانیده‌ای سلاه

۴۷.	تا به کِی ای خداوند خود را تا به ابد پنهان خواهی کرد، و غضب تو مثل آتش افروخته خواهد شد

۴۸.	به یاد آور که ایام حیاتم چه کم است، چرا تمامی بنی‌آدم را برای بطالت آفریده‌ای

۴۹.	کدام آدمی زنده است که مرگ را نخواهد دید، و جان خویش را از دست قبر خلاص خواهد ساخت سلاه

۵۰.	ای خداوند رحمت‌های قدیم تو کجا است، که برای داوید به امانت خود قسم خوردی

۵۱.	ای خداوند ملامت بندگان خود را به یاد آور، که آن را قوم‌های بسیار در سینهٔ خود متحمل می‌باشم

۵۲.	که دشمنان تو ای خداوند ملامت کرده‌اند، یعنی آثار ماشیح تو را ملامت نموده‌اند

۵۳.	خداوند متبارک باد تا به ابد، آمین و آمین

## مزمور نودم

۱.	تفیلای موسی مرد خد.ا، ای خداوند پناه ما تو بوده‌ای، و در جمیع نسل‌ها

۲.	قبل از آن که کوه‌ها به وجود آید، و زمین و ربع مسکون را بیافرینی، از ازل تا به ابد تو خد.ا هستی

۳.	انسان را به خاک برمی‌گردانی، و می‌گویی ای بنی‌آدم بازگردید

۴.	زیرا که هزار سال در نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد، و مثل پاسی از شب

۵.	مثل سیلاب ایشان را رُفته‌ای و مثل خواب شده‌اند، بامدادان مثل گیاهی که می‌روید

۶.	بامدادان شکفته می‌شود و می‌روید، شامگاهان بریده و پژمرده می‌شود

۷.	زیرا که در غضب تو کاهیده می‌شویم، و در خشم تو پریشان می‌گردیم

۸.	چون که گناهان ما را در نظر خود گذارده‌ای، و پنهان کاری‌های ما را در نور روی خویش

۹.	زیرا که تمام روزهای ما در خشم تو سپری شد، و سال‌های خود را مثل خیالی به سر برده‌ایم

۱۰.	ایام عمر ما هفتاد سال است، و اگر بُنیه (قوی باشد) هشتاد سال است، لیکن فخر آن‌ها محنت و بطالت است، زیرا به زودی تمام شده پرواز می‌کنیم

۱۱.	کیست که شدت خشم تو را می‌داند، و غضب تو را چنان که از تو می‌باید ترسید

۱۲.	ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم، تا در دل خردمندی را حاصل نماییم

۱۳.	عنایت کن ای خداوند تا به کی، و بر بندگان خود شفقت فرما

۱۴.	صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن، تا تمامی عمر خود ترنم و شادی نماییم

۱۵.	ما را شادمان گردان به عوض ایامی که ما را مبتلا ساختی، (موافق) سالهایی که به بدی را دیده‌ایم

۱۶.	اعمال تو بر بندگانت ظاهر بشود، و کبریایی تو بر فرزندان ایشان

۱۷.	جمال خداوند خد.ای ما بر ما روشن باد، و عمل دست‌های ما را بر ما استوار ساز، عمل دست‌های ما را استوار گردان

## مزمور نود و یکم

۱.	آن که در پناه (خد.اوند) متعال نشسته است، زیر سایهٔ قادر مطلق ساکن خواهد بود

۲.	درباره خداوند می‌گوییم که او ملجا و قلعهٔ من است، خد.ای من که بر او توکل دارم

۳.	زیرا که او تو را از دام صیاد خواهد رهانید، و زیر بال‌هایش پناه خواهی گرفت، راستی او تو را پناه و سپر خواهد بود

۴.	از خوفی در شب نخواهی ترسید، و نه از تیری که در روز می‌پرد

۵.	و نه از وبایی که در تاریکی گذر می‌کند، و نه از طاعونی که وقت ظهر فساد می‌کند

۶.	و نه از وبایی که در تاریکی گذر می‌کند، و نه از طاعونی که وقت ظهر فساد می‌کند

۷.	هزار نفر به جانب تو خواهند افتاد، و ده‌هزار به دست راست تو، لیکن نزد تو نخواهد رسید

۸.	فقط به چشمان خود خواهی نگریست، و مکافات شریران را خواهی دید

۹.	زیرا گفتی تو ای خداوند ملجای من هستی، و (خد.اوند) متعال را مأوای خویش گردانیده‌ای

۱۰.	هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد، و بلایی نزد خیمهٔ تو نخواهد رسید

۱۱.	زیرا که فرشتگان خود را دربارهٔ تو امر خواهد فرمود، تا در تمامی راه‌هایت تو را حفظ نمایند

۱۲.	تو را بر دست‌های خود برخواهند داشت، مبادا پای خود را به سنگ بزنی

۱۳.	بر شیر و افعی پای خواهی نهاد، شیربچه و اژدها را پایمال خواهی کرد

۱۴.	چون که به من توجه دارد او را خواهیم رهانید، و چون که به اسم من عارف است او را سرافراز خواهم ساخت

۱۵.	چون من را خواند او را اجابت خواهم کرد، من در تنگی با او خواهم بود، و او را نجات داده عزیز خواهم ساخت

۱۶.	به طول ایام او را سیر می‌گردانم، و نجات خویش را بدو نشان خواهم داد

## مزمور نود و دوم

۱.	مزمور و سرود برای روز شبات

۲.	خداوند را حمد گفتن نیکو است، و به نام تو تسبیح خواندن ای (خد.اوند) متعال

۳. بامدادان رحمت تو را اعلام نمودن، و در هر شب امانت تو را
۴. بر ذات ده تار و بر رباب، و به نغمۀ بربط
۵. زیرا که ای خداوند من را به کارهای خودت شادمان ساخته‌ای، و به سبب اعمال دست‌های تو ترنم خواهم نمود
۶. ای خداوند اعمال تو چه عظیم است، و فکرهای تو بی‌نهایت عمیق
۷. مرد نادان این را نمی‌داند، و جاهل در این تأمل نمی‌کند
۸. وقتی که شریران مثل علف می‌رویند، و جمیع بدکاران می‌شکفند، برای این است که تا ابد هلاك گردند
۹. لیکن تو ای خداوند بر اعلی‌علیین هستی، تا به ابد
۱۰. زیرا اینک دشمنان تو ای خد.اوند، هان دشمنان تو هلاك خواهند شد، و جمیع بدکاران پراکنده خواهند شد
۱۱. و اما شاخ من را مثل شاخ گاو وحشی بلند کرده‌ای و به روغن تازه مسح شده‌ام
۱۲. و چشم من بر دشمنانم خواهد نگریست، و گوش‌های من (شکست) شریرانی را که با من ستیز می‌کنند خواهد شنید
۱۳. عادل مثل درخت خرما خواهد شکفت، و مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد کرد
۱۴. آنانی که در خانۀ خداوند کاشته شده‌اند، در صحن‌های (خانه) خد.ای ما خواهند شکفت
۱۵. در وقت پیری نیز میوه خواهند آورد، و تر و تازه و سرسبز خواهند بود
۱۶. تا اعلام کنند که خداوند حقیقت است، او صخرۀ من است و در وی هیچ بی‌انصافی نیست

## مزمور نود و سوم

۱. خداوند سلطنت را گرفته و خود را به جلال آراسته است، خداوند خود را آراسته و کمر خود را به قوت بسته است، ربع مسکون نیز پایدار گردیده است و لغزش نخواهد خورد
۲. تخت تو از ازل پایدار شده است، و تو از قدیم هستی
۳. ای خداوند سیلاب‌ها برافراشته‌اند، سیلاب‌ها آواز خود را سر داده‌اند، سیلاب‌ها خروش خود را می خوانند
۴. فوق آواز آب‌های بسیار، فوق امواج زورآور دریا، خداوند در اعلی‌اعلیین زورآورتر است
۵. شهادات تو بی‌نهایت امین است، ای خداوند قدوسیت خانۀ تو را می‌زیبد تا به ابد

## مزمور نود و چهارم

۱. ای خداوند خد.ای انتقام گیرنده، ای خد.ای انتقام گیرنده تجلی فرما
۲. ای داور جهان متعال شو، و بر متکبران مکافات برسان
۳. ای خداوند تا به کِی شریران فخر خواهند نمود
۴. حرف‌ها می‌زنند و سخنان تکبرآمیز می‌گویند، جمیع بدکاران لاف می‌زنند
۵. ای خداوند قومِ تو را می‌کوبند، و میراث تو را ذلیل می‌سازند
۶. بیوه‌زنان و غریبان را می‌کشند، و یتیمان را به قتل می‌رسانند
۷. و می‌گویند خداوند نمی‌بیند، و خد.ای یعقوب ملاحظه نمی‌نماید
۸. ای احمقان قوم بفهمید، و ای ابلهان کی تعقل خواهید نمود
۹. او که گوش را به وجود آورد آیا نمی‌شنود، او که چشم را ساخت آیا نمی‌بیند
۱۰. او که امت‌ها را تأدیب می‌کند آیا توبیخ نخواهد نمود، او که معرفت را به انسان می‌آموزد
۱۱. خداوند فکرهای انسان را می‌داند، که محض بطالت است
۱۲. ای خداوند خوشا به حال شخصی که او را تأدیب می‌نمایی، و از شریعت خود او را تعلیم می‌دهی
۱۳. تا او را از روزهای بلا رهایی بخشی، مادامی که کور برای شریران کنده شود
۱۴. زیرا خداوند قوم خود را رد نخواهد کرد، و میراث خویش را ترک نخواهد نمود
۱۵. زیرا که داوری به انصاف رجوع خواهد کرد، و همهٔ پاک‌دلان پیروی آن را خواهند نمود
۱۶. کیست که برای من با شریران مقاومت خواهد کرد، و کیست که با بدکاران مقابله خواهد نمود
۱۷. اگر خداوند مددکار من نمی‌بود، جان من به زودی در خاموشی ساکن می‌شد
۱۸. چون گفتم که پای من می‌لغزد، پس رحمت تو ای خداوند من را تأیید نمود
۱۹. در کثرت اندیشه‌های دل من، تسلی‌های تو جانم را آسایش بخشید
۲۰. آیا اصل شرارت با تو رفاقت تواند نمود، که فساد را به قانون اختراع می‌کند
۲۱. بر جان مرد صدیق با هم متحد می‌شوند، و بر خون بی‌گناه فتوی می‌دهند
۲۲. لیکن خداوند برای من قلعه‌ای بلند است، و خد.ایم صخره‌ای ملجای من است
۲۳. و گناه ایشان را بر ایشان برمی‌گرداند، و ایشان را در شرارت ایشان فانی خواهد ساخت، خداوند خد.ای ما ایشان را فانی خواهد نمود

## مزمور نود و پنجم

۱. بیایید خداوند را بسرائیم، و صخرهٔ نجات خود را آواز شادمانی دهیم
۲. حضور او را با حمد استقبال کنیم، و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم
۳. زیرا که خداوند خد.ای بزرگ است

۴. و پادشاه عظیم بر جمیع فرشتگان
۵. نشیب‌های زمین در دست وی است، و فرازهای کوه‌ها از آن او
۶. دریا از آن اوست او آن را بساخت، و دستۀای وی خشکی را مصوّر نمود
۷. بیایید عبادت و سجده نماییم، و به حضور آفرینندۀ خود خداوند زانو زنیم
۸. زیرا که او خد.ای ما است، و ما قوم مرتع و گلۀ دست او می‌باشیم، امروز کاش آواز او را می‌شنیدید
۹. دل خود را سخت مسازید، مثل مریبا مانند یوم‌مسا در صحرا
۱۰. چون اجداد شما من را آزمودند، و تجربه کردند و اعمال من را دیدند
۱۱. چهل سال از قوم محزون بودم گفتم، قوم گمراه‌دل هستند که طرق من را نشناختند
۱۲. پس در غضب خود قسم خوردم، که به محل آرام من داخل نخواهند شد

## مزمور نود و ششم

۱. خداوند را سرود تازه بسرایید، ای تمامی زمین خداوند را بسرایید
۲. خداوند را بسرایید و نام او را متبارک خوانید، روز به روز نجات او را اعلام نمایید
۳. در میان امت‌ها جلال او را ذکر کنید، و کارهای عجیب او را در جمیع قوم‌ها
۴. زیرا خداوند عظیم است و بی‌نهایت حمید، و او مسلط است بر جمیع فرشتگان
۵. زیرا جمیع خدایان امت‌ها بت‌هایند لیکن خداوند آسمان‌ها را آفرید
۶. مجد و جلال در وجود وی است، و قوت و جمال در قدس وی
۷. ای قبائل قوم‌ها خداوند را حمد نمایید، خداوند را به جلال و قوت حمد نمایید
۸. خداوند را به جلال اسم او حمد نمایید، هدیه بیاورید و پیشگاه او بیابید
۹. خداوند را در زینت قدوسیت بپرستید، هدیه بیاورید و پیشگاه او بیایید
۱۰. در میان امت‌ها گویید خداوند سلطنت گرفته است، ربع مسکون نیز پایدار شد و لغزش نخواهد خورد، قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد نمود
۱۱. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا و نعمات آن غرش نماید
۱۲. صحرا و هرچه در آن است به وجد آید، آن‌گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود
۱۳. به حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد، و قوم‌ها را به امانت خود

## مزمور نود و هفتم

۱. خداوند سلطنت گرفته است پس زمین شادی کند، و جزایر بسیاری شادمانی کنند

۲. ابرها و تاریکی بی‌انتها گرداگرد اوست. عدل و انصاف قاعدهٔ تخت اوست
۳. آتش پیشاپیش او می‌رود، و دشمنان او را به اطرافش می‌سوزاند
۴. برق‌هایش ربع مسکون را روشن می‌سازد، زمین این را بدید و بلرزید
۵. کوه‌ها از حضور خداوند مثل موم گداخته می‌شود، از حضور خداوند تمامی جهان
۶. آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند، و جمیع قوم‌ها جلال او را می‌بینند
۷. همهٔ پرستندگان بت‌های تراشیده خجل می‌شوند، که به بت‌های فخر می‌نمایند، ای جمیع فرشتگان او را بپرستید
۸. صیون شنید و شادمان شد و دختران یهودا مسرور گردیدند، ای خداوند به‌سبب داوری‌های تو
۹. زیرا که تو ای خداوند بر تمامی روی زمین متعال هستی، بر جمیع قدرت‌ها بسیار اعلی هستی
۱۰. ای شما که خداوند را دوست می‌دارید از بدی نفرت کنید، او حافظ جان‌های مقدسان خود است، ایشان را از دست شریران می‌رهاند
۱۱. نور برای عادلان موجود شده است، و شادمانی برای راست‌دلان
۱۲. ای عادلان در خداوند شادمان باشید، و ذکر قدوسیت او را حمد بگویید

## مزمور نود و هشتم

۱. مزمور برای خد.اوند، سرود تازه بسرایید زیرا کارهای عجیب کرده است، یمین و بازوی قدوس او، او را پیروز ساخته است
۲. خداوند نجات خود را اعلام نموده، و عدالتش را به نظر امت‌ها مکشوف کرده است
۳. رحمت و امانت خود را با خاندان (بنی) اسرائیل به یاد آورد، همهٔ اقصای زمین نجات خد.ای ما را دیده اند
۴. ای تمامی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید، بانگ زنید و ترنم نمایید و بسرایید
۵. خداوند را با بربط بسرایید، با بربط و با آواز نغمات
۶. با کرناها و آواز شوفار، به حضور خداوند پادشاه، آواز شادمانی دهید
۷. دریا و نعمات آن بخروشد، ربع مسکون و ساکنان آن
۸. نهرها دستک بزنند، و کوه‌ها با هم ترنم نمایند
۹. به حضور خداوند زیرا به داوری جهان می‌آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قوم‌ها را به راستی

## مزمور نود و نهم

۱. خداوند سلطنت گرفته است پس قوم‌ها بلرزند، بر گروبیان جلوس می‌فرماید، زمین متزلزل گردد
۲. خداوند در صیون عظیم است، و او بر جمیع قوم‌ها متعادل است
۳. اسم عظیم و مهیب تو را حمد بگویند، که او قدوس است
۴. و قوت (از آن) پادشاه انصاف (است که) دوست می‌دارد، تو راستی را پایدار کرده، و انصاف و عدالت را در یعقوب به عمل آورده‌ای
۵. خداوند خد.ای ما را تکریم نمایید، و نزد قدم‌گاه او عبادت کنید، که او قدوس است
۶. موسی و هارون از کاهنانش و شموئیل از خوانندگان نام او، خداوند را خواندند و او ایشان را اجابت فرمود
۷. در ستون ابر بدیشان سخن گفت، شهادات او و فرضیه‌ای را که بدیشان داد نگاه داشتند
۸. ای خداوند خد.ای ما تو ایشان را اجابت فرمودی، ایشان را خد.ای غفور بودی، اما از اعمال (بد) ایشان انتقام کشیدی
۹. خداوند خد.ای ما را متعادل بخوانید، و نزد کوه مقدس او عبادت کنید، زیرا خداوند خد.ای ما قدوس است

## مزمور صدم

۱. ای تمام روی زمین، خداوند را آواز شادمانی (سر) دهید
۲. خداوند را با شادی عبادت نمایید، و به حضور او با ترنم بیایید
۳. بدانید که خداوند خد.است او ما را آفرید، ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او
۴. به دروازه‌های او با حمد بیایید، و به صحت‌های او با تسبیح، او را حمد گویید و نام او را متبارک خوانید
۵. زیرا که خداوند نیکوست و رحمت او ابدی، و امانت وی تا به ابد

## مزمور صد و یکم

۱. مزمور داوید، رحمت و انصاف را خواهم سرایید، نزد تو ای خداوند تسبیح خواهم خواند
۲. در طریق کامل به خردمندی رفتار خواهم نمود، نزد من کی خواهد آمد، در خانهٔ خود با دل سلیم سالک خواهم شد
۳. بدی را پیش نظر خود نخواهم گذاشت، کار گمراهان را مکروه می‌دارم به من نخواهد رسید
۴. دل گمراه از من دور خواهد شد، شخص شریر را نخواهم شناخت
۵. کسی را که پنهانی به همسایهٔ خود غیبت گوید هلاک خواهم کرد، کسی را که چشم بلند و دل متکبر دارد تحمل نخواهم کرد

۶. چشمانم بر امنای زمین است تا با من ساکن شوند، کسی که به طریق کامل سالک باشد خادم من خواهد بود

۷. حیله‌گر در خانهٔ من ساکن نخواهد شد، دروغ‌گو پیش نظر من نخواهد ماند

۸. همهٔ شریران زمین را صبحگاهان هلاک خواهم کرد، تا جمیع بدکاران را از شهر خداوند منقطع سازم

## مزمور صد و دوم

۱. دعای مسکین وقتی که پریشان حال شده نالهٔ خود را به حضور خداوند می‌آورد

۲. ای خداوند دعای من را بشنو، و فریاد من نزد تو برسد

۳. در روز تنگیم روی خود را از من مپوشان، گوش خود را به من فراگیر، و روزی که تو را بخوانم من را به زودی اجابت فرما

۴. زیرا روزهایم مثل دود تلف شدند، و استخوان‌هایم مثل هیزم خشک گردیدند

۵. دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده است، زیرا خوردن غذای خود را فراموش می‌کنم

۶. به‌سبب آواز نالهٔ خود استخوان‌هایم به گوشت من چسبیده است

۷. مانند مرغ سقای صحرا شده، و مثل بوم خرابه‌ها گردیده‌ام

۸. پاسبانی می‌کنم و مثل گنجشک، بر پشت بام تنها گشته‌ام

۹. تمامی روز دشمانم من را سرزنش می‌کنند، و آنانی که بر من دیوانه شده‌اند من را لعنت می‌نمایند

۱۰. زیرا خاکستر را مثل نان خورده‌ام، و مشروب خود را با اشک آمیخته‌ام

۱۱. به‌سبب غضب و خشم تو، زیرا که من را برافراشته و به زیر افکنده‌ای

۱۲. روزهایم مثل سایه زوال‌پذیر گردیده، و من مثل گیاه پژمرده شده‌ام

۱۳. لیکن تو ای خداوند جلوس فرموده‌ای تا به ابد، و ذکر تو تا جمیع نسل‌ها است

۱۴. تو برخاسته بر صیون ترحم خواهی نمود، زیرا وقتی است که بر او رأفت کنی و زمان معین رسیده است

۱۵. چون که بندگان تو در سنگ‌های وی رغبت دارند، و بر خاک او شفقت می‌نمایند

۱۶. پس امت‌ها از نام خداوند خواهند ترسید، و جمیع پادشاهان جهان از کبریایی تو

۱۷. زیرا خداوند صیون را بنا نموده، و در جلال خود ظهور فرموده است

۱۸. به دعای مسکینان توجه نموده، و دعای ایشان را خوار نشمرده است

۱۹. این برای نسل آینده نوشته می‌شود، تا قومی که آفریده خواهند شد خداوند را تسبیح بخوانند

۲۰. زیرا که از بلندی قدس خود نگریسته، خداوند از آسمان بر زمین نظر افکنده است

۲۱. تا نالهٔ اسیران را بشنود، و آنانی را که (در معرض) موت قرار گرفته‌اند را آزاد نماید

۲۲. تا نام خداوند را در صیون ذکر نمایند، و تسبیح او را در اورشلیم

۲۳. هنگامی که قوم‌ها با هم جمع شوند، و ممالک نیز تا خداوند را عبادت نمایند
۲۴. توانایی من را در راه ناتوان ساخت، و روزهای من را کوتاه گردانید
۲۵. گفتم ای خد.ای من، من را در نصف روزهایم محو نکن، سالهای تو، جمیع نسل‌ها است
۲۶. از قدیم بنیاد زمین را نهادی، و آسمان عمل دست‌های تو است
۲۷. آن‌ها فانی می‌شوند لیکن باقی هستی، و جمیع آن‌ها مثل جامه مندرس خواهند شد، و مثل ردا آن‌ها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد
۲۸. لیکن تو همان هستی، و سال‌های تو تمام نخواهد گردید
۲۹. فرزندان بندگان باقی خواهند ماند، و ذریت ایشان در حضور تو پایدار خواهند بود

## مزمور صد و سوم

۱. مزمور داوید، ای جان من، خداوند را متبارک بخوان، و هرچه در درون من است نام قدوس او را متبارک می‌خواند
۲. ای جان من خداوند را متبارک بخوان، و جمیع احسان‌های او را فراموش مکن
۳. که تمام گناهان تو را می‌آمرزد، و همهٔ مرض‌های تو را شفا می‌بخشد
۴. که حیات تو را از گور فدیه می‌دهد، و تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می‌نهد
۵. که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند، تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود
۶. خداوند عدالت را به جا می‌آورد، و انصاف را برای جمیع مظلومان
۷. طریق‌های خویش را به موسی تعلی داد، و عمل‌های خود را به بنی‌اسرائیل
۸. خداوند رحمان و کریم است، دیر خشم و بسیار رحیم
۹. تا به ابد بازخواست نخواهد نمود، و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت
۱۰. با ما موافق گناهان ما عمل نموده، و به ما به حسب خطایای ما جزا نداده است
۱۱. زیرا آن‌قدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم است
۱۲. به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است
۱۳. چنان که پدر بر فرزندان خود رئوف است، همچنان خداوند بر ترسندگان خود رأفت می‌نماید
۱۴. زیرا سرشت ما را می‌داند، و یاد می‌دارد که ما خاک هستیم
۱۵. و اما انسان، ایام او مثل گیاه است، مثل گل صحرا همچنان می‌شکفد
۱۶. زیرا که باد بر آن می‌وزد و نابود می‌گردد، و مکانش دیگر آن را نمی‌شناسد
۱۷. لیکن رحمت خداوند بر ترسندگانش از ازل تا به ابد است، و عدالت او بر فرزندانِ فرزندان
۱۸. بر آنانی که عهد او را حفظ می‌کنند، و فرایض او را یاد می‌دارند تا آنها را به جا آورند

۱۹. خداوند تخت خود را بر آسمان‌ها استوار نموده، و سلطنت او بر همه مسلط است
۲۰. خداوند را متبارک خوانید ای فرشتگان او، که در قوت زور می‌آورید و کلام او را به جا می‌آورید، و آواز کلام او را گوش می‌گیرید
۲۱. ای جمیع لشگرهای او خداوند را متبارک خوانید، و ای خادمان او که ارادهٔ او را به جا می‌آورید
۲۲. ای همهٔ کارهای خد.اوند، او را متبارک خوانید، در همهٔ مکان‌های سلطنت او، ای جان من خداوند را متبارک بخوان

## مزمور صد و چهارم

۱. ای جان من خداوند را متبارک بخوان، ای خداوند خد.ای من تو بی‌نهایت عظیم هستی به عزت و جلال آراسته می‌باشی
۲. خویشتن را به نور مثل ردا پوشانیده‌ای، آسمان‌ها را مثل پرده پهن ساخته‌ای
۳. آن که نشانه‌های خود را بر آب‌ها بنا کرده است، و ابرها را مرکب خود نموده و بر بال‌های باد می خرامد
۴. فرشتگان خود را بادها می‌گرداند، و خادمان خود را آتش مشتعل
۵. که زمین را بر اساسش استوار کرده، تا لغزش نخورد تا به ابد
۶. آن را به لجه‌ها مثل ردا پوشانیده‌ای، که آب‌ها بر کوه‌ها ایستاده‌اند
۷. از عتاب تو می‌گریزند، از آواز رعد تو پراکنده می‌شوند
۸. به فراز کوه‌ها برمی‌آیند و به جلگه‌ها فرود می‌آیند، به مکانی که برای آن‌ها مهیا ساخته‌ای
۹. حدی برای آن‌ها قرار داده‌ای که از آن نگذرند، و برنگردند تا زمین را بپوشانند
۱۰. که چشمه‌ها را در وادی‌ها جاری می‌سازد، تا در میان کوه‌ها روان بشوند
۱۱. تمام حیوانات صحرا را سیراب می‌سازند، تا گورخران تشنگی خود را فرو نشانند
۱۲. بر آن‌ها مرغان هوا ساکن می‌شوند، و از میان شاخه‌ها آواز خود را می‌دهند
۱۳. او از نشانه‌های خود کوه‌ها را سیراب می‌کند، و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می‌شود
۱۴. نباتات را برای بهایم می‌رویاند، و سبزه‌ها را برای خدمت انسان، و نان را از زمین بیرون می‌آورد
۱۵. و شراب را که دل انسان را شادمان می‌کند، و چهرهٔ او را به روغن شاداب می‌سازد، و دل انسان را به نان قوی می‌گرداند
۱۶. درختان خداوند شاداب‌اند، یعنی سرودهای آزاد لبنان که کاشته شده است
۱۷. که در آن‌ها مرغان آشیان‌های خود را می‌گیرند، و اما صنوبر خانهٔ لک‌لک می‌باشد
۱۸. کوه‌های بلند برای بزهای کوهی، و صحرا برای یربوع پناهگاه است

۱۹. ماه را برای موسم‌ها ساخت، و آفتاب غروبگاه خود را می‌داند
۲۰. تاریکی می‌سازی و شب می‌شود، که در آن همهٔ حیوانات جنگلی راه می‌روند
۲۱. شیربچگان برای شکار خود غرش می کنند، و خوراک خویش را از خدا می جویند
۲۲. چون آفتاب طلوع می کند جمع می‌شوند، و در بیشه‌های خود می‌خوابند
۲۳. انسان برای کار خود بیرون می‌آید، و به جهت شغل خویش تا شامگاه
۲۴. ای خداوند اعمال تو چه بسیار است، جمیع آنها را به حکمت کرده‌ای زمین از دولت تو پُر است
۲۵. و آن دریای بزرگ و وسیع‌الاطراف نیز، که در آن جنبندگان از حد شماره زیاده‌اند و حیوانات کوچک و بزرگ
۲۶. و در آن کشتی‌ها راه می‌روند، و آن لِوْیاتان که به جهت بازی کردن (او) را در آن آفریده‌ای
۲۷. جمیع این‌ها از تو انتظار می کشند، تا خوراک آن‌ها را در وقتش برسانی
۲۸. آن‌چه را که به آن‌ها می‌دهی برمی‌چینند، دست خود را باز می کنی پس از چیزهای نیکو سیر می‌شوند
۲۹. روی خود را می‌پوشانی پس نگران می‌شوند، روح آن‌ها را آن‌ها را قبض می کنی پس می‌میرند و به خاک برمی گردند
۳۰. چون روح خود را می‌فرستی آفریده می‌شوند، و روی زمین را تازه می گردانی
۳۱. جلال خداوند تا به ابد است، خداوند از اعمال خود راضی خواهد بود
۳۲. که به زمین نگاه می کند و آن می‌لرزد، کوه‌ها را لمس می کند پس آتش‌فشان می‌شوند
۳۳. خداوند را خواهم سرایید تا زنده می‌باشم، برای خدای خود تسبیح خواهم خواند تا وجود دارم
۳۴. گفتار من او را خوش آید، و من در خداوند شادمان خواهم بود
۳۵. گناهکاران از زمین تمام می‌شوند، و شریران دیگر یافت نشوند، ای جان من خداوند را متبارک بخوان هَلِلویاه

## مزمور صد و پنجم

۱. خداوند را حمد گویید، و نام او را بخوانید، اعمال او را در میان قوم‌ها اعلام نمایید
۲. او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید، و در تمام کارهای عجیب او تفکر نمایید
۳. در نام قدوس او فخر کنید دل طالبان خداوند شادمان باشد
۴. خداوند و قوت او را طلب کنید، روی او را پیوسته طالب باشید
۵. کارهای عجیب را که او کرده است به یاد آورید، آیات او و داوری‌های امر او را
۶. ای ذریت بندهٔ او ابراهیم، ای فرزندان یعقوب برگزیدهٔ او
۷. خداوند خدای ماست، داوری‌های او در تمامی جهان است

۸. عهد خود را یاد می‌دارد تا به ابد، و کلامی را که بر هزاران نسل فرموده است
۹. آن عهدی را که با ابراهیم بسته، و قسمی را که برای اسحق خورده است
۱۰. و آن را برای یعقوب فریضه‌ای استوار ساخت، و برای (بنی) اسرائیل عهد جاودانی
۱۱. و گفت که زمین کنعان را به تو خواهم داد، تا حصهٔ میراث شما شود
۱۲. هنگامی که تعداد کمی بودند، قلیل‌العدد و غریب در آن‌جا
۱۳. و از امتی تا امتی سرگردان بودند، و از یک مملکت تا قوم دیگر
۱۴. او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند، بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود
۱۵. که بر ماشیح‌های من دست مگذارید، و انبیای من را زیان نرسانید
۱۶. پس قحطی را بر آن زمین خواند، و تمامی برکت نان را شکست
۱۷. و مردی پیش روی ایشان فرستاد، یعنی یوسف را که او را به غلامی می‌فروختند
۱۸. پای‌های وی را به زنجیر آزرده کردند، و جان او در آهن بسته شد
۱۹. تا وقتی که سخن او واقع شد، و کلام خداوند او را امتحان نمود
۲۰. آنگاه پادشاه فرستاده بندهای او را گشاد، و سلطانِ قوم‌ها او را آزاد ساخت
۲۱. او را بر خانهٔ خود حاکم قرار داد، و مختار بر تمام مایملک خویش
۲۲. تا به ارادهٔ خود سروران او را بند نماید، و مشایخ او را حکمت آموزد
۲۳. پس (بنی) اسرائیل به مصر درآمدند، و یعقوب در زمین حام غربت پذیرفت
۲۴. و او قوم خود را بارور گردانید، و ایشان را از دشمنان ایشان قوی‌تر ساخت
۲۵. لیکن دل ایشان را برگردانید تا بر قوم او کینه ورزند، و بر بندگان وی حیله نمایند
۲۶. بندهٔ خود موسی را فرستاد،و هارون را که برگزیده بود
۲۷. کلمات و آیات او را در میان ایشان اقامه کردند، و عجایب او را در زمین حام
۲۸. ظلمت را فرستاد که تاریک گردید، پس به کلام او مخالفت نورزیدند
۲۹. آب‌های ایشان را به خون مبدل ساخت، و ماهیانِ ایشان را هلاک نمود
۳۰. زمین ایشان غوک‌ها را به ازدحام پیدا نمود، حتی در حرم‌های پادشاهان ایشان
۳۱. تگرگ را به عوض باران بارانید، و آتش مشتعل را در زمین ایشان
۳۲. موها و انجیرهای ایشان را خشک کرد، و درختان محدوده ایشان
۳۳. موها و انجیرهای ایشان را خشک کرد، و درختان محدوده ایشان را بشکست
۳۴. او گفت و ملخ پدید آمد و کِرم‌ها از حد شماره افزون
۳۵. و هر سبزه را در زمین ایشان بخوردند، و میوه‌های زمین ایشان را خوردند
۳۶. و جمیع نخست‌زادگان را در زمین ایشان زد، آنگاه تمامی قوت ایشان را

۳۷. و ایشان را با طلا و نقره بیرون آورد، که در اسباط ایشان یکی ضعیف نبود
۳۸. مصریان از بیرون رفتن ایشان شاد بودند، زیرا که خوف ایشان بر آن‌ها مستولی گردیده بود
۳۹. ابری برای پوشش گسترانید، و آتشی که شامگاه روشنایی دهد
۴۰. سؤال کردند پس سَلاو برای ایشان فرستاد، و ایشان را از نان آسمان سیر گردانید
۴۱. صخره را بشکافت و آب جاری شد، در جای‌های خشک مثل نهر روان گردید
۴۲. زیرا کلام مقدس خود را به یاد آورد، و بندهٔ خویش ابراهیم را
۴۳. و قوم خود را با شادمانی بیرون آورد، و برگزیدگان خویش را با ترنم
۴۴. و زمین‌های امت‌ها را بدیشان داد، و دسترنج قوم‌ها را وارث شدند
۴۵. تا آن که فرایض او را نگاه دارند، و شریعت او را حفظ نمایند هَلِلویاه

## مزمور صد و ششم

۱. هَلِلویاه خداوند را حمد بگویید، زیرا که او نیکو است و رحمت او تا به ابد
۲. کیست که اعمال عظیم خداوند را بگوید، و همهٔ تسبیحات او را بازگو نماید
۳. خوشا به حال آنانی که انصاف را نگاه دارند، و آن که عدالت را در همهٔ وقت به‌عمل آورد
۴. ای خداوند من را یاد کن به رضامندی که با قوم خود می‌داری، و به نجات خود از من تفقد نما
۵. تا سعادت برگزیدگان تو را ببینم، و به شادمانی قوم تو مسرور شوم و به میراث تو فخر نمایم
۶. با پدران خود گناه نموده‌ایم، و عصیان ورزیده شرارت کرده‌ایم
۷. پدرانِ ما کارهای عجیب تو را در مصر نفهمیدند و کثرت رحمت تو را به یاد نبردند، بلکه نزد دریا یعنی بحر قلزم فتنه برانگیختند
۸. لیکن به خاطر اسم خود ایشان را نجات داد، تا توانایی خود را اعلان نماید
۹. و بحر قلزم را عتاب کرد که خشک گردید، پس ایشان را در لُجه‌ها مثل بیابان رهبری فرمود
۱۰. و ایشان را از دست دشمن نجات داد، و از دست خصم رهایی بخشید
۱۱. و آب دشمنان ایشان را پوشانید، که یکی از ایشان باقی نماند
۱۲. آن‌گاه به کلام او ایمان آوردند، و حمد او را سراییدند
۱۳. لیکن اعمال او را به زودی فراموش کردند، و مشورت او را انتظار نکشیدند
۱۴. بلکه شهوت‌پرستی نمودند در همه جا، و خدا را امتحان کردند در هامون
۱۵. و مسئلت ایشان را بدیشان داد، لیکن لاغری در جان‌های ایشان فرستاد
۱۶. پس به موسی درخیمه او حسد بردند و به هارونِ مقدس خداوند
۱۷. و زمین شکافته شده داتان را فرو برد، و جماعت ابیرام را پوشانید

۱۸. و آتش در جماعت ایشان افروخته شده، شعلهٔ آتش شریران را سوزانید

۱۹. گوساله‌ای در حوریب ساختند، و بتی ریخته شده را پرستش نمودند

۲۰. و جلال خود را تبدیل نمودند، به شکل گاوی که علف می‌خورد

۲۱. و خد.ای نجات‌دهندهٔ خود را فراموش کردند، که کارهای عظیم در مصر کرده بود

۲۲. و اعمال بزرگ را در زمین حام، و کاهای ترسناک را در بحر قلزم

۲۳. آنگاه گفت که ایشان را هلاک بکند، اگر برگزیدهٔ او موسی در شکاف به حضور وی نمی‌ایستاد، تا غضب او را از هلاکت ایشان برگرداند

۲۴. و زمین مرغوب را خوار شمردند، و به کلام وی ایمان نیاوردند

۲۵. و در خیمه‌های خود همهمه کردند، و قول خداوند را استماع ننمودند

۲۶. پس دست خود را بر ایشان برافراشت، که ایشان را در زمین‌ها پراکنده کند

۲۷. و ذریت ایشان را در میان امت‌ها بیندازد، و ایشان را در زمین‌ها پراکنده کند

۲۸. پس به بَعَل فِغُور پیوستند، و قربانی‌های مردگان را خوردند

۲۹. و به کارهای خود خشم او را به هیجان آوردند، و وبا بر ایشان سخت آمد

۳۰. آنگاه فینحاس بر پا ایستاده داوری نمود، و وبا متوقف شد

۳۱. و این برای او به عدالت محسوب گردید، نسلاً بعد نسل تا به ابد

۳۲. و او را نزد آب مریبا خشمناک نمودند، حتی موسی را به خاطر ایشان پریشان گردید

۳۳. زیرا که روح او را تلخ ساختند، تا از لب‌های خود سخن (سخت) گفت

۳۴. و آن قوم‌ها را هلاک نکردند، که دربارهٔ ایشان خداوند امر فرموده بود

۳۵. بلکه خویشتن را با امت‌ها آمیختند، و کارهای ایشان را آموختند

۳۶. و بت‌های ایشان را پرستش نمودند، تا آن‌که (بت‌ها) برای ایشان دام گردیدند

۳۷. و پسران و دختران خویش را، برای دیوها قربانی گذرانیدند

۳۸. و خون بی‌گناه را ریختند یعنی خون پسران و دختران خود را، که آن را برای بت‌های کنعان ذبح کردند، و زمین از خون ملوث گردید

۳۹. و از کارهای خود نجس شدند و در افعال خویش منحرف گردیدند

۴۰. پس خشم خداوند بر قوم خود افروخته شد، و میراث خویش را مکروه داشت

۴۱. و ایشان را به دست امت‌ها تسلیم نمود، تا آنانی‌که از ایشان نفرت داشتند بر ایشان حکمرانی کردند

۴۲. و دشمنان ایشان بر ایشان مسلط شدند، و زیر دست ایشان تسلیم گردیدند

۴۳. چندین بار ایشان را خلاصی داد، لیکن به مشورت‌های خویش بر او تمرد کردند، و به‌سبب گناه خویش خوار گردیدند

۴۴. با وجود این بر تنگی ایشان نظر کرد، وقتی که فریاد ایشان را شنید
۴۵. و به خاطر ایشان عهد خود را به یاد آورد، و در کثرت رحمت خویش بازگشت نمود
۴۶. و ایشان را حرمت داد، در نظر جمیع اسیرکنندگان ایشان
۴۷. ای خداوند خد.ای ما ما را نجات ده، و ما را از میان امت‌ها جمع کن، تا نام قدوس تو را حمد گوییم و در تسبیح تو فخر نماییم
۴۸. خداوند خد.ای (بنی) اسرائیل متبارک باد از ازل تا به ابد، و تمامی قوم بگویند آمین هَلِلویاه

## مزمور صد و هفتم

۱. خداوند را حمد بگویید زیرا که او نیکو است، و رحمت او باقیست تا به ابد
۲. فدیه شدگان خداوند این را بگویند، که ایشان را از دست دشمن فدیه داده است
۳. و ایشان را از شهرها جمع کرده، از مشرق و مغرب و از شمال و از (جزایر) دریا
۴. در صحرا آواره شدند و در بادی‌ای بی‌انتها، و شهری برای سکونت نیافتند
۵. گرسنه و تشنه نیز شدند، جان ایشان در ایشان ضعف نمود
۶. آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌های ایشان رهایی بخشید
۷. و ایشان را به راه راست رهبری نمود، تا به شهری مسکون درآمدند
۸. پس خداوند را به‌سبب رحمتش تشکر نمایند، و به سبب کارهای عجیب وی با بنی‌آدم
۹. زیرا که جان آرزومند را سیر گردانید، و جان نیازمند را از چیزهای نیکو پر ساخت
۱۰. آنانی که در تاریکی و سایهٔ مرگ نشسته بودند، که در تباهی و (زنجیر) آهنی بسته شده بودند
۱۱. زیرا به کلام خد.ا مخالفت نمودند، و به نصیحت (خد.اوند) متعال اهانت کردند
۱۲. و او دل ایشان را به مشقت تسلیم ساخت، لغزیدند و مددکننده‌ای نبود
۱۳. آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌های ایشان رهایی بخشید
۱۴. ایشان را از تاریکی و سایهٔ مرگ بیرون آورد، و بندهای ایشان را بگسست
۱۵. پس خداوند را به‌سبب رحمتش تشکر نمایند، و به‌سبب کارهای عجیب او با بنی‌آدم
۱۶. زیرا که دروازه‌های برنجین را شکسته، و بندهای آهنین را پاره کرده است
۱۷. احمقان به‌سبب طریق شریرانهٔ خود، و به‌سبب گناهان خویش خود را ذلیل ساختند
۱۸. جان ایشان هرگونه خوراک را مکروه داشت، و به دروازه‌های مرگ نزدیک شدند
۱۹. آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌های ایشان رهایی بخشید
۲۰. کلام خود را فرستاده ایشان را شفا بخشید، و ایشان را از هلاکت‌های ایشان رهانید
۲۱. پس خداوند را به‌سبب رحمتش حمد نمایند، و به‌سبب کارهای عجیب او با بنی‌آدم

۲۲. و قربانی‌های تشکر را بگذرانند، و اعمال وی را به ترنم دکر کنند
۲۳. آنانی که در کشتی‌ها به دریا رفتند، و در آب‌های فراوان کار کردند
۲۴. اینان کارهای خداوند را دیدند، و اعمال عجیب او را در لجه‌ها
۲۵. او گفت، پس باد تند را وزانید و امواج آن را برافراشت
۲۶. به آسمان‌ها بالا رفتند و به لجه‌ها فرود شدند، و جان ایشان از سختی گداخته گردید
۲۷. سرگردان گشته مثل مستان افتان و خیزان شدند، و عقل ایشان تماماً حیران گردید
۲۸. آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌های ایشان رهایی بخشید
۲۹. طوفان را به آرامی ساکت ساخت، که موج‌هایش ساکن گردید
۳۰. پس مسرور شدند زیرا که آسایش یافتند، و ایشان را به بندر مراد ایشان رسانید
۳۱. پس خداوند را به‌سبب رحمتش تشکر نمایند، و به‌سبب کارهای عجیب او با بنی‌آدم
۳۲. و او را در مجمع قوم متعال بخوانند، و در مجلس مشایخ او را تسبیح بگویند
۳۳. او نهرها را به بادیه مبدل کرد، و چشمه‌های آب را به زمین تشنه
۳۴. و زمین بارور را نیز به شوره‌زار، به‌سبب شرارت ساکنان آن
۳۵. بادیه را به دریاچهٔ آب مبدل کرد، و زمین خشک را به چشمه‌های آب
۳۶. و گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا شهری برای سکونت بنا نمودند
۳۷. و مزرعه‌ها کاشتند و تاکستان‌ها غرس نمودند، و حاصل غله به عمل آوردند
۳۸. و ایشان را برکت داد تا به غایت کثیر شدند، و بهایم ایشان را نگذارد کَم شوند
۳۹. و باز کَم گشتند و ذلیل شدند، از ظلم و شقاوت و حزن
۴۰. ذلت را بر بزرگان می‌ریزد، و ایشان را در بادیه‌ای که راه ندارد آواره می‌سازد
۴۱. اما مسکین را از مشقت برمی‌افرازد، و قبیله‌ها را مثل گله ها (افزون) می‌سازد
۴۲. صالحان این را دیده شادمان می‌شوند، و تمامی شرارت دهان خود را خواهد بست
۴۳. کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر نماید، که ایشان رحمت‌های خداوند را خواهند فهمید

## مزمور صد و هشتم

۱. سرود و مزمور داوید
۲. ای خد.ا دل من مستحکم است، من می‌خواهم سرایید و ترنم خواهم نمود و جلال من نیز
۳. ای عود و بربط بیدار شوید، من نیز صبحگاهان (را) بیدار خواهم نمود
۴. ای خداوند تو را در میان قوم‌ها حمد خواهم گفت، و در میان طایفه‌ها تو را خواهم سرایید
۵. زیرا که رحمت تو فراوان است فوق آسمان‌ها، و راستی تو تا افلاک می‌رسد

۶.	ای خد.ا بر فوق آسمان‌ها متعال باش، و جلال تو بر تمامی زمین (باشد)

۷.	تا محبوبان تو خلاصی یابند، به قدرت یمین خود نجات ده و من را اجابت فرما

۸.	خد.ا در قدوسیت خود سخن گفته است پس وجد خواهم نمود، شخم را تقسیم می‌کنم و وادی «سوکُت» را خواهم پیمود

۹.	جلعاد از آن من است و مَنَسی از آن من، و افرائیم خودِ سر من و یهودا عصای سلطنت من

۱۰.	موآب ظرف شُسْت‌وشوی من است، و بر اِدُوم نعلین خود را خواهم انداخت، و بر پِلِشت فخر خواهم نمود

۱۱.	کیست که من را به شهر حصین درآورد، کیست که من را به اِدُوم رهبری نماید

۱۲.	آیا نه تو ای خد.ا که ما را ترک کرده‌ای، و تو ای خد.ا که با لشگرهای ما بیرون نمی‌آیی

۱۳.	ما را از دشمن امداد فرما، زیرا که مدد انسان باطل است

۱۴.	با (کمک) خد.ا با شجاعت کار خواهیم کرد، و او دشمنان ما را پایمال خواهد نمود

## مزمور صد و نهم

۱.	برای سالار مغنیان، مزمور داوید، ای خد.ای تسبیح من خاموش مباش

۲.	زیرا که دهان شرارت و دهان فریب را بر من گشوده‌اند، و به زبان دروغ بر من سخن گفته‌اند

۳.	به زبان کینه من را احاطه کرده‌اند، و بی‌سبب با من جنگ نموده‌اند

۴.	به عوض محبت من با من شیطنت می‌ورزند، و اما من به دعا (متوسلم)

۵.	و به عوض نیکوئی به من بدی کرده‌اند، و به عوض محبت عداوت نموده(اند)

۶.	مردی شریر را بر او بگمار، و دشمن به قدرت یمین او بایستد

۷.	هنگامی که در محاکمه بیاید خطاکار بیرون آید، و دعای او گناه (محسوب) شود

۸.	ایام عمرش کم باشند، و منصب او را دیگری ضبط نماید

۹.	فرزندان او یتیم بشوند، و زوجهٔ وی بیوه گردد

۱۰.	و فرزندان او آواره شده بکنند، و از خرابه‌های خود (نان ) را بجویند

۱۱.	طلبکار تمامی مایملک او را با تله (ضبط) نماید، و اجنبیان دسترنج او را تاراج کنند

۱۲.	کسی نباشد که بر او رحمت کند، و بر یتیمان وی احدی رأفت ننماید

۱۳.	ذریت وی منقطع کردند، و در دورهٔ بعد نام ایشان محو شود

۱۴.	عصیان پدرانش نزد خداوند به یاد آورده شود، و گناه مادرش محو نگردد

۱۵.	و آنها در مدّنظر خداوند دائماً بمانند، تا نشانه‌های ایشان را از زمین بِبُرد

۱۶.	زیرا که رحمت نمودن را به یاد نیاوَرْد، بلکه بر فقیر و مسکین جفا کرد، و بر شکسته‌دل تا او را به قتل

رساند

۱۷. چون که لعنت را دوست می‌داشت بدو رسیده، و چون که برکت را نمی‌خواست از او دور شده است

۱۸. و لعنت را مثل ردای خود در برگرفت، و مثل آب به شکمش درآمد و مثل روغن در استخوان‌های وی

۱۹. پس مثل جامه‌ای که او را می‌پوشاند، و چون کمربندی که به آن همیشه بسته خواهد بود

۲۰. این است دستمزد مخالفانم از جانب خداوند، و برای آنانی که بر جان من بدی می‌گویند

۲۱. اما تو ای خدا، خداوند به خاطر نام خود با من عمل نما، چون که رحمت تو نیکوست من را خلاصی ده

۲۲. زیرا که من فقیر و مسکین هستم، و دل من در اندرونم مجروح است

۲۳. مثل سایه‌ای که در زوال باشد رفته‌ام، و مثل ملخ رانده شده‌ام

۲۴. زانوهایم از روزه داشتن می‌لرزد، و گوشتم از فربهی کاهیده می‌شود

۲۵. و من نزد ایشان خوار گردیده‌ام، و چون من را می‌بینند سر خود را می‌جنبانند

۲۶. ای خداوند، خدای من من‌را یاری فرما، و به حسب رحمت خود من را نجات ده

۲۷. تا بدانند که این است قدرت تو، و تو ای خداوند این را کرده‌ای

۲۸. ایشان لعنت بکنند اما تو برکت بده، ایشان برخیزند و خجل گردند، و اما بندهٔ تو شادمان شود

۲۹. جفا کنندگانم به رسوایی شناخته شوند، و خجالت خویش را مثل ردا بپوشند

۳۰. خداوند را به زبان خود بسیار حمد خواهم کرد، و او را در جماعت کثیر حمد خواهم گفت

۳۱. زیرا که به دست راست مسکین خواهد ایستاد، تا او را از آنانی که بر (ضد) جان او فتوی می‌دهند برهاند

## مزمور صد و دهم

۱. مزموری برای داوید، کلام خداوند درباره آقایم، به یمین من بنشین، تا دشمنانت را به پای تو اندازم

۲. خداوند عصای قوت تو را از صیون خواهد فرستاد، در میان دشمنان خود حکمرانی کن

۳. قوم تو در روز (تجمع) سپاهیانت (برای جنگ) با شکوهی قدسی داوطلب شد. (مثل زمان) خارج شدنت از رحم در (طراوت) شبنم طفولیّت

۴. خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد، که تو کاهن هستی تا به ابد، به رتبهٔ مَلِکی‌صَدَق

۵. خداوند که (یاری دهنده) به دست راست تو است، در روز غضب خود پادشاهان را شکست خواهد داد

۶. در میان امت‌ها داوری خواهد کرد، (صحنه جنگ را) از لاش‌ها انباشته خواهد ساخت، و سر آن‌ها را در زمین پهناور خواهد کوبید

۷. از نهر سرراه خواهد نوشید، بنابراین سر خود را بر خواهد افراشت

## مزمور صد و یازدهم

۱. هَلِلویا خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت، در مجلس راستان و در جماعت

۲. کارهای خداوند عظیم است، و کسانی که به آنها رغبت دارند در آنها تحقیق می‌کنند

۳. کار او جلال و کبریایی است، و عدالت وی پایدار تا به ابد

۴. یادگاری برای کارهای عجیب خود ساخته است، خداوند کریم و رحیم است

۵. ترسندگان خود را رزقی نیکو داده است، عید خویش را ب یاد خواهد داشت تا به ابد

۶. قدرت اعمال خود را برای قوم خود بیان کرده است، تا میراث امت‌ها را بدیشان عطا فرماید

۷. کارهای دست‌هایش راستی و انصاف است، و جمیع فرایض وی معتبرند

۸. آن‌ها پایدارند تا به ابد، در حقیقت و راستی استوار گشته‌اند

۹. فدیه‌ای برای قوم خود فرستاد، و عهد خویش را تا به ابد امر فرمود، نام او قدوس و مهیب است

۱۰. ترس خداوند ابتدای حکمت است، همهٔ عاملین آن‌ها را خردمندی نیکو است، حمد او پایدار است تا به ابد

## مزمور صد و دوازدهم

۱. هَلِلویا خوشا به حال کسی که از خداوند می‌ترسد، و در وصایای او بسیار رغبت دارد

۲. ذریتش در زمین توانا خواهند بود، طبقهٔ راستان مبارک خواهند شد

۳. توانگری و دولت در خانهٔ او خواهد بود، و عدالتش تا به ابد پایدار است

۴. نور برای راستان در تاریکی طلوع می‌کند، او کریم و رحیم و عادل اس

۵. فرخنده است شخصی که رئوف و قرض‌دهنده باشد، او کارهای خود را به انصاف استوار می‌دارد

۶. زیرا که تا به ابد لغزش نخواهد خورد، مرد عادل تا به ابد در یادها خواهد ماند

۷. از خَبَرِ بد نخواهد ترسید، دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد

۸. دل او استوار است و خواهد ترسید، تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند

۹. بذل نموده به فقرا بخشیده است عدالتش تا به ابد پایدار است، شاخ او با عزت افراشته خواهد شد

۱۰. شریر این را دیده غضبناک خواهد شد، دندان‌های خود را فشرده گداخته خواهد گشت، آرزوی شریران زایل خواهد گردید

## مزمور صدور سیزدهم

۱. هَلِلویا ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید، نام خداوند را تسبیح بخوانید

۲. نام خداوند متبارک باد، از حال و تا به ابد
۳. از طلوع آفتاب تا مغرب آن، نام خداوند تسبیح خوانده شود
۴. خداوند بر جمیع امت‌ها متعال است، و جلال وی فوق آسمان‌ها
۵. کیست مانند خداوند خد.ای ما، که بر اعلی‌علیّین نشسته است
۶. و متواضع می‌شود تا نظر نماید، و بر آسمان‌ها و بر زمین
۷. که مسکین را از خاک برمی‌دارد، و فقیر را از مزبله برمی‌افرازد
۸. تا او را با بزرگان بنشاند، یعنی با بزرگان قوم خویش
۹. زن نازا را خانه‌نشین می‌سازد، و مادر فرحناک فرزندان هَلِلویا

## مزمور صد و چهاردهم

۱. وقتی که (بنی) اسرائیل از مصر بیرون آمدند، و خاندان یعقوب از قوم اجنبی زبان
۲. یهودا مقدس او بود، و زمین مقدس محل سلطنت وی
۳. دریا این را بدید و گریخت، و اردن به عقب برگشت
۴. کوه‌ها مثل قوچ‌ها به جستن درآمدند، و تل‌ها مثل بره‌های گله
۵. ای دریا تو را چه شد که گریختی، و ای اردن که به عقب برگشتی
۶. ای کوه‌ها که مثل قوچ‌ها به جستن درآمدید، و ای تل‌ها که مثل بره‌های گله
۷. ای زمین از حضور خداوند متزلزل شو، و از حضور خد.ای یعقوب
۸. که صخره را دریاچه‌ای آب گردانید، و سنگ خارا را چشمه‌ای آب

## مزمور صدو پانزدهم

۱. ما را نه خد.اوند، ما را نه بلکه خود را جلال ده، به‌سبب رحمتت و به‌سبب راستی خویش
۲. امت‌ها چرا بگویند، که خد.ای ایشان الان کجاست
۳. اما خد.ای ما در آسمان‌هاست، آنچه را که اراده نمود به عمل آورده است
۴. بت‌های ایشان نقره و طلاست، از صنعت دست‌های انسان
۵. آن‌ها را دهان است و سخن نمی‌گویند، آن‌ها را چشم‌ها است و نمی‌بینند
۶. آن‌ها را گوش‌هاست و نمی‌شنوند، آن‌ها را بینی است و نمی‌بویند
۷. دست‌ها دارند و لمس نمی‌کنند، و پای‌ها و راه نمی‌روند، و به گلوی خود سخن نمی‌گویند
۸. سازندگان آن‌ها مثل آن‌ها هستند، و هر که بر آن‌ها توکل دارد
۹. ای (بنی) اسرائیل بر خداوند توکل نما، او یاری‌دهنده و سپر ایشان است

۱۰. ای خاندان هارون بر خداوند توکل نمایید، او همراه و سپر ایشان است

۱۱. ای ترسندگان خداوند بر خداوند توکل نمایید، او همراه و سپر ایشان است

۱۲. خداوند ما را به‌یاد آورده برکت می‌دهد، خاندان (بنی) اسرائیل را برکت خواهد داد، و خاندان هارون را برکت خواهد داد

۱۳. ترسندگان خداوند را برکت خواهد داد، چه کوچک و چه بزرگ

۱۴. خداوند شما را ترقی خواهد داد، شما و فرزندان شما را

۱۵. شما محبوب خداوند هستید، که آسمان و زمین را آفرید

۱۶. آسمان‌ها آسمان‌های خداوند است، و اما زمین را به بنی‌آدم عطا فرمود

۱۷. مردگان نیستند که «یاه» را تسبیح می‌خوانند، و نه آنانی که به خاموشی فرو می‌روند

۱۸. لیکن ما «یاه» را متبارک خواهیم خواند، از الان و تا به ابد هَلِلویا

## مزمور صد و شانزدهم

۱. خداوند را محبت می‌نمایم زیرا که، آواز من و تضرع شنیده است

۲. زیرا که گوش خود را به من فرا داشته است، پس در مدت حیات خود او را خواهم خواند

۳. ریسمان‌های مرگ من را احاطه کرد، تنگی‌های کور من را دریافت، تنگی و غم پیدا کردم

۴. آنگاه نام خداوند را خواندم، آه ای خداوند جان من را رهایی ده

۵. خداوند رئوف و عادل است، و خد.ای ما رحیم است

۶. خداوند ساده‌دلان را محافظت می‌کند، ذلیل بودم و من را نجات داد

۷. ای جان من به آسایش خود برگرد، زیرا خداوند به تو احسان نموده است

۸. زیرا که جان من را از موت خلاصی دادی، و چشمانم را از اشک و پای‌هایم را از لغزیدن

۹. به حضور خداوند سالک خواهم بود، در زمین زندگان

۱۰. ایمان آوردم پس سخن گفتم، من بسیار مستمند شدم

۱۱. در پریشانی خود گفتم، که جمیع آدمیان دروغ گویند

۱۲. خداوند را چگونه ستایش کنم، برای همهٔ احسان‌هایی که به من نموده است

۱۳. پیالهٔ نجات را خواهم گرفت، و نام خداوند را خواهم خواند

۱۴. نذرهای خود را برای خداوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم او

۱۵. مرگ مقدسان خداوند نیز، در نظر او گرانبها است

۱۶. آه ای خداوند من بندهٔ تو هستم، من بندهٔ تو و پسر کنیز تو هستم، بندهای من را گشوده‌ای

۱۷. قربانی‌های تشکر نزد تو خواهم گذرانید، و نام خداوند را خواهم خواند

۱۸. نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم وی

۱۹. در صحن‌های خانهٔ خد.اوند، در اندرون تو ای اورشلیم هللویا

## مزمور صد و هفدهم

۱. ای جمیع امت‌ها خداوند را تسبیح بخوانید، ای تمامی قبایل او را حمد گویید

۲. زیرا که رحمت او بر ما عظیم است، و راستی خداوند تا به ابد هللویا

## مزمور صد و هجدهم

۱. خداوند را حمد گویید زیرا که نیکوست، و رحمت او تا به ابد است

۲. (بنی) اسرائیل بگویند، که رحمت او تا به ابد است

۳. خاندان هارون بگویند، که رحمت او تا به ابد است

۴. ترسندگان خداوند بگویند، که رحمت او تا به ابد است

۵. در تنگی «یاه» را خواندم، «یاه» من را اجابت فرموده در جای وسیع آورد

۶. خداوند با من است پس نخواهم ترسید، انسان به من چه تواند کرد

۷. خداوند برایم از مددکاران من است، پس من بر نفرت‌کنندگان خود آرزوی خویش را خواهم دید

۸. به خداوند پناه بردن بهتر است، از توکل نمودن بر آدمیان

۹. به خداوند پناه بردن بهتر است، از توکل نمودن بر قدرتمندان

۱۰. جمیع امت‌ها من را احاطه کردند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد

۱۱. من را احاطه کردند و دور من را گرفتند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد

۱۲. مثل زنبورها من را احاطه کردند، و مثل آتش خارها خاموش شدند، زیرا که به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد

۱۳. بر من سخت هجوم آوردی تا بیفتم، لیکن خداوند من را یاری نمود

۱۴. خداوند قوت و سرود من است، و نجات من شده است

۱۵. آواز شادمانی و نجات در خیمه‌های عادلان است، یمین خداوند با شجاعت عمل می‌کند

۱۶. یمین خداوند متعال است، یمین خداوند با شجاعت عمل می‌کند

۱۷. نمی‌میرم بلکه زنده خواهم ماند، و کارهای «یاه» را ذکر خواهم نمود

۱۸. «یاه» من را به شدت تنبیه نموده، لیکن من را به دست مرگ نسپرده است

۱۹. دروازه‌های عدالت را برای من بگشایید، به آنها داخل شده «یاه» راه حمد گویم

۲۰. دروازهٔ خداوند اینست، عادلان در آن داخل خواهند شد

۲۱. تو را حمد می‌گویم زیرا که من را اجابت فرموده، و (باعث) نجات من شده‌ای
۲۲. سنگی را که معماران رد کردند، همان سنگ خشت اول شده است
۲۳. این از جانب خداوند شده، و در نظر ما عجیب است
۲۴. اینست روزی که خداوند ظاهر کرده است، در آن وجد و شادی خواهیم نمود
۲۵. آه ای خداوند نجات ببخش، آه ای خداوند سعادت عطا فرما
۲۶. متبارک باد او که به نام خداوند می‌آید، شما را از خانهٔ خداوند برکت می‌دهیم
۲۷. خداوند خد.ایی است که ما را روشن ساخته است، ذبیحه را به ریسمان‌ها بر شاخ‌های قربانگاه ببندید
۲۸. تو خد.ای من هستی تو، پس تو را حمد می‌گویم، خد.ای من تو را متعال خواهم خواند
۲۹. خداوند را حمد گویید زیرا که نیکوست، و رحمت او تا به ابد است

## مزمور صد و نوزدهم

۱. خوشا به حال کاملان طریق، که به شریعت خداوند سالکند
۲. خوشا به حال آنانی که شهادات او را حفظ می‌کنند، و به تمامی دل او را می‌طلبند
۳. کج‌روی نیز نمی‌کنند، و به طریق‌های وی سلوک می‌نمایند
۴. تو فرمان‌ها خود را امر فرموده‌ای، تا آن‌ها را تماماً نگاه داریم
۵. کاش که راههای من هموار شود، تا فرایض تو را حفظ کنم
۶. آنگاه خجل نخواهم شد، چون تمام اوامر تو را در مدّنظر خود دارم
۷. تو را به راستی دل حمد خواهم گفت، چون داوری‌های عدالت تو را آموخته شوم
۸. فرایض تو را نگاه می‌دارم، من را تا همیشه ترک منما
۹. به چه چیز مرد جوان راه خود را هموار می‌سازد، به نگاه موافق با کلام تو
۱۰. به تمامی دل تو را طلبیدم، مگذار که از اوامر تو گمراه شوم
۱۱. کلام تو را در دل مخفی داشتم، که مبادا به تو گناه ورزم
۱۲. ای خداوند تو متبارک هستی، فرایض خود را به من بیاموز
۱۳. به لبهای خود بیان کردم، تمامی داوری‌های دهان تو را
۱۴. در طریق گواهی‌های تو شادمانم چنان که در هر کاری توانگری
۱۵. در اوامر تو تفکر می‌کنم، و در طریق‌های تو تأمل خواهم کرد
۱۶. از فرایض تو لذت می‌برم، پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد
۱۷. به بندهٔ خود احسان بنما تا زنده بمانم، و کلام تو را حفظ نمایم
۱۸. چشمان من را بگشا تا از شریعت تو چیزهایی عجیب بینم

۱۹. من در زمین غریب هستم، اوامر خود را از من مخفی مدار

۲۰. جان من شکسته می‌شود، از اشتیاق داوری‌های تو در هر وقت

۲۱. ظالمان ملعون را توبیخ نمودی، که از اوامر تو گمراه می‌شوند

۲۲. ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که گواهی‌های تو را حفظ کرده‌ام

۲۳. سروران نیز نشسته به ضد من سخن گفتند، لیکن بندۀ تو در فرایض تو تفکر می کند

۲۴. گواهی‌های تو نیز شادی من، و مشورت‌دهندگان من بوده‌اند

۲۵. جان من به خاک چسبیده است، من را موافق کلام خود زنده ساز

۲۶. راه‌های خود را ذکر کردم و من را اجابت نمودی، پس فرایض خویش را به من بیاموز

۲۷. طریق اوامر خود را به من بفهمان، و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود

۲۸. جان من از حزن گداخته می‌شود، من را موافق کلام خود برپا بدار

۲۹. راه دروغ را از من دور کن، و شریعت خود را به من عنایت فرما

۳۰. طریق راستی را اختیار کردم، و داوری‌های تو را پیش (روی) خود گذاشتم

۳۱. به گواهی‌های تو پیوستم، ای خداوند من را خجل مساز

۳۲. در طریق فرمان‌های تو دوان خواهم رفت، وقتی که دل من را وسعت دادی

۳۳. ای خداوند طریق فرایض خود را به من بیاموز، پس آنها را تا به آخر نگاه خواهم داشت

۳۴. من را فهم بده و شریعت تو را نگاه خواهم داشت، و ان را به تمامی دل خود حفظ خواهم نمود

۳۵. من را در طریق اوامر خود سالک گردان، زیرا که در آن رغبت دارم

۳۶. دل من را به گواهی‌های خود مایل گردان، و نه به سوی طمع

۳۷. چشمانم را از دیدن بدی‌ها برگردان، و از طریق خود من را زنده ساز

۳۸. کلام خود را بر بندۀ خویش استوار کن، که بترس تو سپرده شده است

۳۹. ننگ بدنامی من را که از آن می‌ترسم از من دور کن، زیرا که داوری‌های تو نیکو است

۴۰. هان به اوامر تو اشتیاق دارم، به حسب عدالت خود من را زنده ساز

۴۱. ای خداوند رحمت‌ها تو به من برسد، و نجات تو به حسب کلام تو

۴۲. تا بتوانم ملامت کنندۀ خود را جواب دهم، زیرا بر کلام تو توکل دارم

۴۳. و کلام راستی را از دهانم هرگز مگیر، زیرا که به داوری‌های تو امیدوارم

۴۴. و شریعت تو را همیشه نگاه خواهم داشت، تا به ابد

۴۵. و به آزادی راه خواهم رفت، زیرا که اوامر تو را طلبیده‌ام

۴۶. و در گواهی‌های تو به حضور پادشاهان سخن خواهم گفت، و خجل نخواهم شد

۴۷. و از اوامر تو شادی خواهم یافت، که آن‌ها را دوست می‌دارم

۴۸. و دست‌های خود را به امر تو که دوست می‌دارم برنخواهم افراشت، و در فرایض تو تفکر خواهم نمود
۴۹. کلام خود را با بندهٔ خویش به یاد آور، که من را بر آن امیدوار گردانیدی
۵۰. این در پریشانی تسلی من است، زیرا قول تو من را زنده ساخت
۵۱. ظالمان من را بسیار استهزاء کردند، لیکن از شریعت تو رو نگردانیم
۵۲. ای خداوند داوری‌های تو را از قدیم به یادآوردم، و تسلی می‌یابم
۵۳. فراوانی خشم من را درگرفته است، به‌سبب شریرانی که شریعت تو را ترک کرده‌اند
۵۴. فرایض تو سرودهای من گردید، در خانهٔ تنهایی من
۵۵. ای خداوند نام تو را در شب به یاد آوردم، و شریعت تو را نگاه داشتم
۵۶. این بهرهٔ من گردید، زیرا که اوامر تو را نگاه داشتم
۵۷. خداوند نصیب من است، گفتم که کلام تو را نگاه خواهم داشت
۵۸. رضامندی تو را به تمامی دل خود طلبیدم، به حسب کلام خود بر من رحم فرما
۵۹. در راه‌های خود تفکر کردم، و پای‌های خود را به گواهی‌های تو مایل ساختم
۶۰. شتاب کردم و درنگ نکردم، تا اوامر تو را نگاه دارم
۶۱. ریسمان‌های شریران من را احاطه کرد، لیکن شریعت تو را فراموش نکردم
۶۲. در نصف شب برخاستم تا تو را حمد گویم، برای داوری‌های عدالت تو
۶۳. من همهٔ ترسندگانت را رفیق هستم، و آنانی را که اوامر تو را نگاه می‌دارند
۶۴. ای خداوند زمین از رحمت تو پر است، فرایض خود را به من بیاموز
۶۵. با بندهٔ خود احسان نمودی، ای خداوند موافق کلام خویش
۶۶. خردمندی نیکو و معرفت را به من بیاموز، زیرا که به اوامر تو ایمان آوردم
۶۷. قبل از آنکه مصیبت را ببینم من گمراه شدم، لیکن اینک کلام تو را نگاه داشتم
۶۸. تو نیکو هستی و نیکویی می‌کنی، فرایض خود را به من بیاموز
۶۹. ظالمان بر من دروغ بستند، و اما من به تمامی دل اوامر تو را نگاه داشتم
۷۰. دل ایشان مثل پیه فربه است، و اما من به تمامی دل اوامر تو را نگاه داشتم
۷۱. من را نیکو است که مصیبت را دیدم، تا فرایض تو را بیاموزم
۷۲. شریعت دهان تو برای من بهتر است، از هزاران طلا و نقره
۷۳. دست‌های تو من را ساخته و آراسته است، من را فهیم گردان تا اوامر تو را بیاموزم
۷۴. ترسندگان تو چون من را ببینند شادمان گردند، زیرا به کلام تو امیدوار هستم
۷۵. ای خداوند دانسته‌ام که داوری‌های تو عدل است، و بر حق من را مصیبت داده‌ای
۷۶. پس رحمت تو برای تسلی من بشود، موافق کلام تو با بندهٔ خویش

۷۷. رحمت‌های تو به من برسد تا زنده بمانم، زیرا که شریعت تو شادمانی من است
۷۸. شریران خجل شوند، زیرا به عبث من را ظلم رسانیدند، و اما من در اوامر تو تفکر می‌کنم
۷۹. ترسندگان تو به من رجوع کنند، و آنانی که گواهی‌های تو را می‌دانند
۸۰. دل من در فرایض تو کامل شود، تا خجل نشوم
۸۱. جان من برای (دریافتن) نجات از تو کاهیده می‌شود، لیکن به کلام تو امیدوار هستم
۸۲. چشمان من برای کلام تو تار گردیده است، و می‌گویم کی من را تسلی خواهی داد
۸۳. زیرا که مثل مَشک دود زده گردیده‌ام، لیکن فرایض تو را فراموش نکرده‌ام
۸۴. چند است ایام عمر بندهٔ تو، و کی بر جفاکنندگانم داوری خواهی نمود
۸۵. شریران برای من دام‌ها گستردند، زیرا که موافق شریعت تو نیستند
۸۶. تمامی اوامر تو امین است، بر من ناحق جفا کردند پس من را امداد فرما
۸۷. نزدیک بود که من را از زمین نابود سازند، اما من اوامر تو را ترک نکردم
۸۸. به حسب رحمت خود من را زنده نگاهدار، تا شهادات ندای تو را نگاه دارم
۸۹. ای خداوند کلام تو، تا به ابد در آسمان‌ها پایدار است
۹۰. امانت تو نسلاً بعد نسل است، زمین را آراستی و پایدار می‌ماند
۹۱. برای داوری‌های تو تا امروز ایستاده‌اند، زیرا که همه بندهٔ تو هستند
۹۲. اگر شریعت تو شادمانی من نمی‌بود، هر آینه در مذلت خود هلاک می‌شدم
۹۳. اوامر تو را تا به ابد فراموش نخواهم کرد، زیرا به آنها من را زنده ساخته‌ای
۹۴. من از آن تو هستم من را نجات ده، زیرا که اوامر تو را طلبیدم
۹۵. شریران برای من انتظار کشیدند تا من را هلاک کنند، لیکن در پیمان‌ها تو تأمل می‌کنم
۹۶. برای هر کمالی پایانی دیدم، لیکن رحمت تو بی‌نهایت وسیع است
۹۷. شریعت تو را چه‌قدر دوست می‌دارم، تمامی روز تفکر من است
۹۸. اوامر تو من را از دشمنانم حکیم‌تر ساخته است، زیرا که همیشه نزد من می‌باشد
۹۹. از جمیع معلمان خود داناتر شدم، زیرا که گفته‌های تو تفکر من است
۱۰۰. از مشایخ خردمندتر شدم، زیرا که اوامر تو را نگاه داشتم
۱۰۱. پای‌های خود را از هر راه بد نگاه داشتم، تا آنکه کلام تو را حفظ کنم
۱۰۲. از داوری‌های تو رو برنگردانیم، زیرا که تو من را تعلیم دادی
۱۰۳. کلام تو به مذاق من چه شیرین است، و به دهانم از عسل شیرین‌تر
۱۰۴. از احکام تو خویشتن‌داری را تحصیل کردم، بنابراین هر راه دروغ را مکروه می‌دارم
۱۰۵. کلام تو چراغ راه من، و برای راه‌های من روشنایی است

۱۰۶. قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود، که داوری‌های عدالت تو را نگاه خواهم داشت
۱۰۷. بسیار ذلیل شده‌ام، ای خداوند موافق کلام خود من را احیاء ساز
۱۰۸. ای خداوند هدایای بخشیدنی دهان من را منظور فرما، و داوری‌های خود را به من بیاموز
۱۰۹. جان من همیشه در کف من است، لیکن شریعت تو را فراموش نمی‌کنم
۱۱۰. شریران برای من دام گذاشته‌اند، اما از اوامر تو گمراه نشدم
۱۱۱. گواهی‌های تو را تا به ابد میراث خود ساخته‌ام، زیرا که آن‌ها شادمانی دل من هستند
۱۱۲. دل خود را برای به‌جا آوردن فرایض تو مایل ساختم، تا به ابد و تا نهایت
۱۱۳. مردمان دورو را مکروه داشته‌ام، لیکن شریعت تو را دوست می‌دارم
۱۱۴. پناه و سپر من تو هستی، به کلام تو انتظار می‌کشم
۱۱۵. ای بدکاران از من دور شوید، اوامر خد.ای خویش را نگاه خواهم داشت
۱۱۶. من را به حسب کلام خود تأیید کن تا زنده بمانم، و از امید خود خجل نگردم
۱۱۷. من را تقویت کن تا رستگار گردم، و بر فرایض تو همیشه نظر نمایم
۱۱۸. همهٔ کسانی را که از فرایض تو گمراه شده‌اند حقیر شمرده‌ای، زیرا که تظاهر ایشان دروغ است
۱۱۹. جمیع شریرانِ زمین را مثل دُرد فنا می‌کنی، بنابراین گواهی‌های تو را دوست می‌دارم
۱۲۰. موی بدن من از خوف تو برخاسته است، و از داوری‌های تو ترسیدم
۱۲۱. داد و عدالت را به جا آوردم، من را به ظلم‌کنندگانم تسلیم منما
۱۲۲. برای سعادت بندهٔ خود ضامن شو، تا شریران بر من ظلم نکنند
۱۲۳. چشمانم برای نجات تو تار شده است، و برای کلام عدالت تو
۱۲۴. با بندهٔ خویش موافق رحمت خود عمل نما، و فرایض خود را به من بیاموز
۱۲۵. من بندهٔ تو هستم من را فهیم گردان، تا گواهی‌های تو را دانسته باشم
۱۲۶. وقت است که خداوند عمل کند، زیرا که شریعت تو را باطل نموده‌اند
۱۲۷. بنابراین اوامر تو را دوست می‌دارم، زیادتر از طلا و زر خالص
۱۲۸. بنابراین همهٔ اوامر تو را در هر چیز راست می‌دانم، و هر راه دروغ را مکروه می‌دارم
۱۲۹. گواهی‌های تو عجیب است، ازین سبب جان من آنها را نگاه می‌دارد
۱۳۰. کشف کلام تو نور می‌بخشد، و ساده‌دلان را فهیم می‌گرداند
۱۳۱. دهان خود را به خوبی بازکرده نفس کشیدم، زیرا که مشتاق اوامر تو بودم
۱۳۲. بر من نظر کن و کرم فرما، بر حسب عادت تو به آنانی که نام تو را دوست می‌دارند
۱۳۳. قدم‌های من را در کلام خودت بیارا، تا هیچ کج‌رفتاری بر من تسلط نیابد
۱۳۴. من را از ظلم انسان خلاصی ده، تا اوامر تو را نگاه دارم

۱۳۵. روی خود را بر بندهٔ خود روشن ساز، و فرایض خود را به من بیاموز
۱۳۶. نهرهای آب از چشمانم جاریست، بخاطر (آنانیکه) که شریعت تو را نگاه نمی‌دارند
۱۳۷. ای خداوند تو عادل هستی، و داوری‌های تو راست است
۱۳۸. گواهی‌های خود را به راستی امر فرمودی، و به امانت تا نهایت
۱۳۹. غیرت من من‌را هلاک کرده است، زیرا که دشمنان من کلام تو را فراموش کرده‌اند
۱۴۰. کلام تو بی‌نهایت مصفا است، و بندهٔ تو آن را دوست می دارد
۱۴۱. من کوچک و حقیر هستم، اما اوامر تو را فراموش نکردم
۱۴۲. عدالت تو عدل است تا به ابد، و شریعت تو راست است
۱۴۳. تنگی و ناتوانی من را درگرفته است، اما اوامر تو شادمانی من است
۱۴۴. گواهی‌های تو عادل است تا به ابد، من را فهیم گردان تا زنده بمانم
۱۴۵. به تمامی دل خوانده‌ام ای خداوند من را جواب ده، تا فرایض تو را نگاه دارم
۱۴۶. تو را خوانده‌ام پس من را نجات ده، و پیمان‌های تو را نگاه خواهم داشت
۱۴۷. بر طلوع فجر سبقت جسته استغاثه کردم، و کلام تو را انتظار کشیدم
۱۴۸. چشمانم بر پاس‌های شب سبقت جست، تا در کلام تو تفکر بنمایم
۱۴۹. به حسب رحمت خود آواز من را بشنو، ای خداوند موافق داوری‌های خود من را زنده ساز
۱۵۰. آنانی که در پی پستی می‌روند نزدیک می‌آیند، و از شریعت تو دور می‌باشند
۱۵۱. ای خداوند تو نزدیک هستی، و جمیع اوامر تو راست است
۱۵۲. گواهی‌های تو را از زمان پیش دانسته‌ام، که آنها را بنیان کرده‌ای تا به ابد
۱۵۳. بر بیچارگی من نظر کن و من را خلاصی ده، زیرا که شریعت تو را فراموش نکرده‌ام
۱۵۴. در دعوای من دادرسی فرموده من را نجات ده، و به حسب کلام خویش من را زنده ساز
۱۵۵. نجات از شریران دور است، زیرا که فرایض تو را نمی‌طلبند
۱۵۶. ای خداوند رحمت‌های تو بسیار است، به حسب داوری‌های خود من را زنده ساز
۱۵۷. جفا کنندگان و دشمنان من بسیارند، اما از فرامین تو روبرنگردانیدم
۱۵۸. خیانت‌کاران را دیدم و (با آنها) جَدَل کردم، زیرا کلام تو را نگاه نمی‌دارند
۱۵۹. ببین که اوامر تو را دوست می‌دارم، ای خداوند به حسب رحمت خود من را زنده ساز
۱۶۰. جملهٔ کلام تو راستی است، و تمامی داوری عدالت تو تا به ابد است
۱۶۱. فرمانروایان بی‌جهت بر من جفا کردند، اما دل من از کلام تو ترسان است
۱۶۲. من در کلام تو شادمان هستم، مثل کسی که غنیمت وافر پیدا نموده باشد
۱۶۳. از دروغ کراهت و نفرت دارم، اما شریعت تو را دوست می‌دارم

۱۶۴. هر روز تو را هفت مرتبه تسبیح می‌خوانم، برای داوری‌های عادلانه تو

۱۶۵. آنانی را که شریعت تو را دوست می‌دارند سلامتی عظیم است، و هیچ چیز باعث لغزش ایشان نخواهد شد

۱۶۶. ای خداوند برای نجات تو امیدوار هستم، و اوامر تو را به جا می‌آورم

۱۶۷. جان من گواهی‌های تو را نگاه داشته است، و آنها را بی‌نهایت دوست می‌دارم

۱۶۸. اوامر و پیمان‌های تو را نگاه داشته‌ام، زیرا که تمام طریق‌های من در مدّنظر تو است

۱۶۹. ای خداوند فریاد من به حضور تو برسد، به حسب کلام خود من را فهیم گردان

۱۷۰. مناجات من به حضور تو برسد، به حسب کلام خود من را خلاصی ده

۱۷۱. لبهای من حمد تو را جاری کند، زیرا فرایض خود را به من آموخته‌ای

۱۷۲. زبان من کلام تو را بسراید، زیرا که تمام اوامر تو عدل است

۱۷۳. دست تو یاری من بشود، زیرا که وصایای تو را برگزیده‌ام

۱۷۴. ای خداوند برای نجات تو مشتاق بوده‌ام، و شریعت تو شادمانی من است

۱۷۵. جان من زنده باشد تا تو را تسبیح بخواند، و داوری‌های تو مددکار من باشند

۱۷۶. مثل گوسفندِ گم شده آواره گشتم بندهٔ خود را طلب نما، زیرا که اوامر تو را فراموش نکردم

## مزمور صد و بیستم

۱. سرود مَعَلوت، نزد خداوند در تنگی خود فریاد کردم، و من را اجابت فرمود

۲. ای خداوند جان من را خلاصی ده، از لبان دروغگو و از زبان حیله‌گر

۳. چه چیز به تو داده شود و چه چیز بر تو افزوده گردد، ای زبان حیله‌گر

۴. تیرهای تیز جباران، با اخگرهای رتم

۵. وای بر من که در ماشَک مأوا گزیده‌ام، و در خیمه‌های قیدار ساکن شده‌ام

۶. چه طویل شد آرامش جان من، با کسی که سلامتی را دشمن می‌دارد

۷. من از اهل سلامتی هستم، لیکن چون سخن می‌گویم، ایشان آمادهٔ جنگ می‌باشند

## مزمور صد و بیست و یکم

۱. سرود بر معلوت، چشمان خود را به سوی کوه‌ها برمی‌افرازم، که از کجا به یاری من می‌آید

۲. یاری من از جانب خداوند است، که آسمان و زمین را آفرید

۳. او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد، او که حافظ تو است نخواهد خوابید

۴. اینک او که حافظ (بنی) اسرائیل است، نمی‌خوابد و به خواب نمی‌رود

۵. خداوند حافظ تو می‌باشد، خداوند به دست راستت سایهٔ تو است
۶. آفتاب در روز به تو اذیت نخواهد رسانید، و نه ماهتاب در شب
۷. خداوند تو را از هر بدی نگاه می‌دارد، او جان تو را حفظ خواهد کرد
۸. خداوند خروج و ورودت را نگاه خواهد داشت، از حالا و تا به ابد

## مزمور صد و بیست و دوم

۱. سرود معلوت از داوید، شادمان می‌شدم چون به من می گفتند، به خانهٔ خداوند برویم
۲. پای‌های ما می‌ایستادند، به اندرون دروازه‌های تو ای اورشلیم
۳. ای اورشلیم که بنا شده‌ای، مثل شهری که تماماً با هم پیوسته باشد
۴. که بدانجا اسباط بالا می‌رفتند، یعنی اسباط «یاه» تا شهادت باشد برای (بنی) اسرائیل، تا نام خداوند را تسبیح بخوانند
۵. زیرا که در آنجا کرسی‌های داوری برپا شده بود، یعنی کرسی‌های خاندان داوید
۶. برای سلامتی اورشلیم دعا کنید، آنانی که تو را دوست می‌دارند خجسته حال خواهند شد
۷. سلامتی پیشگاه تو باشد، و آسایش در قصرها تو
۸. به خاطر برادران و یاران خویش، می گویم که سلامتی بر تو باد
۹. به خاطر خانهٔ خداوند خد.ای ما، سعادت تو را خواهم طلبید

## مزمور صد و بیست و سوم

۱. سرود معلوت به سوی تو چشمان خود را برمی‌افرازم، ای که بر آسمان‌ها جلوس فرموده‌ای
۲. اینک مثل چشمان غلامان به سوی آقایان خود، و مثل چشمان کنیزی به سوی خاتون خویش، همچنان چشمان ما به سوی خداوند خد.ای ماست، تا بر ما کرم بفرماید
۳. ای خداوند بر ما کرم فرما بر ما کرم فرما، زیرا که چه بسیار از اهانت پر شده‌ایم
۴. چه بسیار جان ما انباشته شده است، از استهزای آسودگان و اهانت متکبران

## مزمور صدو بیست و چهارم

۱. سرود معلوت از داوید، اگر خداوند با ما نمی‌بود، (بنی) اسرائیل الآن بگوید
۲. اگر خداوند با ما نمی‌بود، وقتی که آدمیان بر ما هجوم می‌نمودند
۳. آنگاه هر آینه ما را زنده فرو می‌بردند، چون خشم ایشان بر ما افروخته بود
۴. آنگاه آب‌ها ما را غرق می کرد، و نهرها بر جان ما می گذشت

۵. آنگاه آب‌های پر زور، از جان ما می‌گذشت

۶. متبارک باد خد.اوند، که ما را شکار برای دندان‌های ایشان نساخت

۷. جان ما مثل مرغ از دام صیادان خلاص شد، دام گسترده شد و ما خلاصی یافتیم

۸. یاری ما به نام خداوند است، که آسمان و زمین را آفرید

## مزمور صدو بیست و پنجم

۱. سرود معلوت، آنانی که بر خداوند توکل دارند، مثل کوه صیون‌اند، که لغزش نمی‌خورد و پایدار است تا به ابد

۲. کوه‌ها گرداگرد اورشلیم است، و خداوند گرداگرد قوم خود، از اینک و تا به ابد است

۳. زیرا که عصای شریران بر پیکر عادلان قرار نخواهد گرفت، مبادا عادلان دست خود را به گناه دراز کنند

۴. ای خداوند به صالحان احسان فرما، و به آنانی که راست‌دل می‌باشند

۵. و اما آنانی که به راه‌های کج خود مایل می‌باشند، خداوند ایشان را با بدکاران خواهد برد، سلامتی بر (بنی) اسرائیل باد

## مزمور صدو بیست و ششم

۱. سرود معلوت، چون خداوند اسیران صیون را بازآورد، مثل خواب‌زدگان شدیم

۲. آنگاه دهان ما از خنده پُر شد، و زبان ما از ترنم، آنگاه در میان امت‌ها گفتند، که خداوند با ایشان کارهای عظیم کرده است

۳. خداوند برای ما کارهای عظیم کرده است، که از آن‌ها شادمان هستیم

۴. ای خداوند اسیران ما را بازآور، مثل نهرها در جنوب

۵. آنانی که با اشک‌ها می‌کارند، با ترنم درو خواهند نمود

۶. آن که با گریه بیرون می‌رود و تخم برای زراعت می‌برد، هر آینه با ترنم خواهد برگشت و بافه‌های خویش را خواهد آورد

## مزمور صدو بیست و هفتم

۱. سرود معلوت از سلیمان، اگر خداوند خانه را برپا نکند، بنایانش زحمت بی‌فایده می‌کشند، اگر خداوند شهر را نگهبانی نکند، پاسبانان بی‌فایده پاسبانی می‌کنند

۲. بی‌فایده است که شما صبح زود برمی‌خیزید و شب دیر می‌خوابید، و نان مشقت را می‌خورید، در

حالیکه (خد.اوند) محبوب خویش را خواب راحت می‌بخشد

۳. اینک پسران میراث از جانب خداوند می‌باشند، و ثمرهٔ بطن، اجرتی از اوست

۴. مثل تیرها در دست مرد زورآور، همچنان هستند اولاد (دوره) جوانی

۵. خوشا به حال کسی که ترکش خود را از ایشان پر کرده است، خجل نخواهند شد بلکه با دشمنان در دروازه سخن خواهند راند

## مزمور صدو بیست و هشتم

۱. سرود معلوت، خوشا به حال کسی که از خداوند می‌ترسد، و بر طریق‌های او سالک می‌باشد

۲. نتیجه عمل دست‌های خود را خواهی خورد، خوشا به حال تو و سعادت با تو خواهد بود

۳. زن تو مثل مُوِ بارور به اطراف خانهٔ تو خواهد بود، و پسرانت مثل نهال‌های زیتون گرداگرد سفرهٔ تو

۴. اینک همچنین مبارک خواهد بود، کسی که از خداوند می‌ترسد

۵. خداوند تو را از صیون برکت خواهد داد، و در تمام ایام عمرت سعادت اورشلیم را خواهی دید

۶. پسرانِ پسران خود را خواهی دید، سلامتی بر (بنی) اسرائیل باد

## مزمور صدو بیست و نهم

۱. سرود معلوت، چه بسیار از طفولیتم من را اذیت رسانیدند، (بنی) اسرائیل الآن بگویند

۲. چه بسیار از طفولیتم من را اذیت رسانیدند، لیکن بر من غالب نیامدند

۳. شیارکنندگان بر پشت من شیار کردند، و شیارهای خود را طولانی نمودند

۴. اما خداوند عادل است، و بندهای شریران را گسیخت

۵. خجل و برگردانیده شوند، همهٔ کسانی که از صیون نفرت دارند

۶. مثل گیاه بر پشت بام‌ها باشند، که پیش از آنکه آن را بچینند می‌خشکد

۷. که دروکننده دست خود را از آن پر نمی‌کند، و نه دسته‌بند آغوش خود را

۸. و راهگذران نمی‌گویند برکت خداوند بر شما باد، شما را به نام خداوند مبارک می‌خوانیم

## مزمور صد و سی‌ام

۱. سرود معلوت، ای خداوند از نهادم نزد تو فریاد برآوردم

۲. ای خداوند آواز من را بشنو، و گوش‌های تو به آواز ناله من آشنا شود

۳. ای «یاه» اگر گناهان را به نظر آوری، کیست ای خداوند که به حضور تو بایستد

۴. لیکن مغفرت نزد تو است، تا از تو بترسند

۵. منتظر خداوند هستم جان من منتظر است، و به کلام او امیدوارم
۶. جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح بلی زیاده از منتظران صبح
۷. (بنی) اسرائیل برای خداوند امیدوار باشند، زیرا که رحمت نزد خداوند است، و نزد اوست نجات فراوان
۸. و او (بنی) اسرائیل را فدیه خواهد داد، از جمیع گناهان وی

## مزمور صد و سی و یکم

۱. سرود درجات از داوید، ای خداوند دل من متکبر نیست، و نه چشمانم مغرور و خویشتن را به کارهای بزرگ مشغول نساختم، و نه به‌کارهایی که از عقل من بعید است
۲. بلکه جان خود را آرام و ساکت ساختم، مثل بچهٔ از شیر باز داشته شده نزد مادر خود، جانم در من بود مثل بچهٔ از شیر بازداشته شده
۳. (بنی) اسرائیل بر خداوند امیدوار باشند، از حالا و تا به ابد

## مزمور صد و سی و دوم

۱. سرود معلوت، ای خداوند برای داوید به یاد آور، همهٔ مذلت‌های او را
۲. چگونه برای خداوند قسم خورد، و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود
۳. که به خیمهٔ خانهٔ خود هرگز داخل نخواهم شد، و بر بستر آرام نخواهم گرفت
۴. خواب به چشمان خود نخواهم داد، و نه چرت به مژگان خویش
۵. تا مکانی برای خداوند پیدا کنم، و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب
۶. اینک ذکر آن را در «افراته» شنیدیم، و آن را در صحرای جنگل یافتیم
۷. به مسکن‌های او داخل شویم، و نزد قدمگاه وی پرستش نماییم
۸. ای خداوند از جایگاه خود برخیز و بیا، تو و صندوق جلال تو
۹. کاهنان تو به عدالت ملبس شوند، و مقدسانت ترنم نمایند
۱۰. به خاطر بندهٔ خود داوید، روی ماشیح خود را از ما بر مگردان
۱۱. خداوند برای داوید به راستی قسم خورد، و از آن بر نخواهد گشت، که از ثمرهٔ صُلْب تو را بر تخت تو خواهم گذاشت
۱۲. اگر پسران تو عهد من را نگاه دارند، و فرمان‌هایم را که بدیشان می‌آموزم، پسران ایشان نیز بر کرسی تو تا به ابد خواهند نشست
۱۳. زیرا که خداوند صیون را برگزیده است، و آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده
۱۴. این است جایگاه من تا به ابد، اینجا ساکن خواهم بود زیرا در این رغبت دارم

۱۵. آذوقهٔ آن را هر آینه برکت خواهم داد، و فقیرانش را به نان سیر خواهم ساخت
۱۶. و کاهنانش را به نجات ملبس خواهم ساخت، و مقدسانش هر آینه ترنم خواهند نمود
۱۷. در آنجا شاخ داوید را خواهم رویانید، و چراغی برای ماشیح خود آماده خواهم ساخت
۱۸. دشمنان او را به خجالت ملبس خواهم ساخت، و تاج او به روی شکوفه خواهد آورد

## مزمور صد و سی و سوم

۱. سرود معلوت از داوید، اینک چه خوش و چه دلپسند است، که برادران به یک‌دلی با هم ساکن شوند
۲. مثل روغن نیکو بر سر است، که به ریش فرود می‌آید، یعنی به ریش هارون، که به دامن ردایش فرود می‌آید
۳. و مثل شبنم حرمون است، که بر کوه‌های صیون فرود می‌آید، زیرا که در آنجا خداوند برکت خود را فرموده است، یعنی حیات را تا به ابد

## مزمور صد و سی و چهارم

۱. سرود معلوت، هان خداوند را متبارک خوانید، ای جمیع بندگان خد.اوند، که شبانگاه در خانهٔ خداوند می‌ایستید
۲. دست‌های خود را به قدس برافرازید، و خداوند را متبارک خوانید
۳. خداوند که آسمان و زمین را آفرید، تو را از صیون برکت خواهد داد

## مزمور صد و سی و پنجم

۱. هللویاه نام خداوند را تسبیح بخوانید، ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید
۲. ای شما که در خانهٔ خداوند می‌ایستید، در صحن‌های خانهٔ خد.ای ما
۳. هللویاه زیرا خداوند نیکو است، نام او را بسرایید زیرا که دلپسند است
۴. زیرا که خداوند یعقوب را برای خود برگزید، و (بنی) اسرائیل را به جهت مِلک خاصّ خویش
۵. زیرا می‌دانم که خداوند بزرگ است، و خداوند ما برتر است از جمیع فرشتگان
۶. هر آنچه خداوند خواست آن را انجام داد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همهٔ لجّه‌ها
۷. ابرها را از اقصای زمین بر می‌آورد و برق‌ها را برای باران می‌سازد، و بادها را از مخزن‌های خویش بیرون می‌آورد
۸. که نخست‌زادگان مصر را کُشت، هم از انسان و هم از بهایم
۹. آیات و معجزات را در میان تو ای مصر فرستاد، بر فرعون و بر جمیع بندگان وی
۱۰. که امت‌های بسیار را زد، و پادشاهان عظیم را نابود ساخت

۱۱.	سیحون پادشاه اموریان، و عوج پادشاه باشان، و جمیع ممالک کنعان را
۱۲.	و زمین ایشان را به میراث داد، یعنی به میراث قوم خود (بنی) اسرائیل
۱۳.	ای خداوند نام تو است تا به ابد، و ای خداوند یادگاری تو است تا جمیع دوران
۱۴.	زیرا خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود، و بر بندگان خویش شفقت خواهد فرمود
۱۵.	بت‌های امت‌ها طلا و نقره می‌باشند، عمل دست‌های انسان
۱۶.	دهن‌ها دارند و سخن نمی‌گویند، چشمان دارند و نمی‌بینند
۱۷.	گوش‌ها دارند و نمی‌شنوند بلکه در دهان ایشان هیچ نَفَس نیست
۱۸.	سازندگان آن‌ها مثل آن‌ها می‌باشند، و هر که بر آن‌ها توکل دارد
۱۹.	ای خاندان (بنی) اسرائیل خداوند را متبارک خوانید، ای خاندان هارون خداوند را متبارک خوانید
۲۰.	ای خاندان لاوی خداوند را متبارک خوانید، ای ترسندگان خد.اوند، خداوند را متبارک خوانید

## مزمور صد و سی و ششم

۱.	خداوند از صیون متبارک باد، که در اورشلیم ساکن است هللویاه
۲.	خداوند را حمد گویید زیرا که نیکو است، و رحمت او ابدی است
۳.	خد.ای فرشتگان را حمد گویید، زیرا که رحمت او ابدی است
۴.	پادشاه پادشاهان را حمد گویید، زیرا که رحمت او ابدی است
۵.	او را که تنها کارهای عجیبِ عظیم می‌کند، زیرا که رحمت او ابدی است
۶.	او را که آسمان‌ها را به حکمت آفرید، زیرا که رحمت او ابدی است
۷.	او را که زمین را بر آب‌ها گسترانید، زیرا که رحمت او ابدی است
۸.	او را که نورهای بزرگ آفرید، زیرا که رحمت او ابدی است
۹.	آفتاب را برای سلطنت روز، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۰.	ماه و ستارگان را برای سلطنت شب، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۱.	که مصر را در نخست‌زادگانش زد، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۲.	و (بنی) اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورد، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۳.	با دست قوی و بازوی برافراشته، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۴.	او را که بحر قلزم را به دو بخش تقسیم کرد، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۵.	و (بنی) اسرائیل را از میان آن گذرانید، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۶.	و فرعون و لشکر او را در بحر قلزم انداخت، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۷.	او را که قوم خویش را در صحرا رهبری نمود، زیرا که رحمت او ابدی است

۱۸. او را که پادشاهان بزرگ را زد، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۹. و پادشاهان نامور را نابود کرد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۰. سیحون پادشاه اموریان را، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۱. و عوج پادشاه باشان را، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۲. و زمین ایشان را به ارثیّت داد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۳. یعنی به ارثیّت بندهٔ خویش (بنی) اسرائیل، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۴. و ما را در مذلت ما به یاد آورد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۵. و ما را از دشمنان ما رهایی داد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۶. که همهٔ بشر را روزی می‌دهد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۷. خد.ای آسمان‌ها را حمد گویید، زیرا که رحمت او ابدی است

## مزمور صد و سی و هفتم

۱. نزد نهرهای بابل آنجا نشستیم، و گریه نیز کردیم چون صیون را به یاد آوردیم
۲. بربط‌های خود را آویختیم، بر درختان بید که در میان آن بود
۳. زیرا که آنانی که ما را به اسیری برده بودند، در آن‌جا از ما سرود خواستند، و آنانی که ما را تاراج کرده بودند شادمانی (خواستند)، که یکی از سرودهای صیون را برای ما بسرایید
۴. چگونه سرود خداوند را، در زمین بیگانه بخوانیم
۵. اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم، آنگاه دست راست من (مرا) فراموش کند
۶. اگر تو را به یاد نیاورم آنگاه زبانم به کامم بچسبد، اگر اورشلیم را در رأس شادمانی خود قرار ندهم
۷. ای خداوند روز (ویرانی) اورشلیم را برای بنی اِدُوم به یاد آور، که می‌گفتند منهدم سازید تا بنیادش منهدم سازید
۸. ای دختر بابِل که ویران خواهی شد، خوشا به حال آن که به تو جزا دهد، چنان که تو به ما جزا دادی
۹. خوشا به حال آن که افراد تو را بگیرد، و ایشان را به صخره‌ها بزند

## مزمور صد و سی و هشتم

۱. مزمور داوید، تو را به تمامی دل خود حمد خواهم گفت، به حضور بزرگان تو را حمد خواهم گفت
۲. به سوی محراب قدس تو عبادت خواهم کرد، و نام تو را حمد خواهم گفت، به‌سبب رحمت و راستی تو، زیرا (با ادای) کلامت، نامت را بیش از (انجام) تمام (عجایب) بزرگ آوازه کردی
۳. در روزی که تو را خواندم من را اجابت فرمودی، و من را با قوت در جانم شجاع ساختی

۴.	ای خداوند تمام پادشاهان جهان تو را حمد خواهند گفت، چون کلام دهان تو را بشنوند
۵.	و طریق‌های خداوند را خواهند سرایید، زیرا که جلال خداوند عظیم است
۶.	زیرا که خداوند متعال است لیکن بر فروتنان نظر می کند، و اما متکبران را از دور می‌شناسد
۷.	اگر چه در تنگنا راه بروم من را زنده نگه می‌دارد، دست خود را بر خشم دشمنان دراز می کنی، و یمینت من را نجات خواهد داد
۸.	خداوند کار من را به کمال خواهد رسانید، ای خداوند رحمت تو ابدی است، کارهای دست خویش را ترک منما

## مزمور صد و سی و نهم

۱.	برای سالار مغنیان، مزمور داوید، ای خداوند من را آزموده و شناخته‌ای
۲.	تو نشستن و برخاستن من را می‌دانی، و فکرهای من را از دور فهمیده‌ای
۳.	راه رفتن و خوابیدن من را نظاره کرده‌ای، و همهٔ طریق‌ها من را دانسته‌ای
۴.	زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز اینکه تو ای خداوند آن را تماماً دانسته‌ای
۵.	از عقب و از پیش من را احاطه کرده‌ای، و دست خویش را بر من نهاده‌ای
۶.	این گونه معرفت برایم زیاده عجیب است، و عظیم است که بدان نمی‌توانم رسید
۷.	سوی تو کجا بروم، و از حضور تو کجا بگریزم
۸.	اگر به آسمان صعود کنم تو آنجا هستی، و اگر در گور بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی
۹.	اگر بال‌های سَحَر را بگیرم، و در اقصای دریا ساکن شوم
۱۰.	در آنجا نیز دست تو من را رهبری خواهد نمود، و دست راست تو من را خواهد گرفت
۱۱.	و گفتم یقیناً تاریکی من را خواهد پوشانید، که در حالْ شب گرداگرد من روشنایی گردید
۱۲.	تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن است، و تاریکی و روشنایی یکی‌است
۱۳.	زیرا که تو بر دل من مالک هستی، من را در رَحِم مادرم نقش بستی
۱۴.	تو را حمد خواهم گفت زیرا که به طور مهیب و عجیب خلق شده‌ام، کارهای تو عجیب است و جان من این را نیکو می‌داند
۱۵.	استخوان‌هایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهان ساخته می‌شدم، و در اسفل زمین نقشبندی می گشتم
۱۶.	چشمان تو جنین من را دیده است، و در دفتر تو همهٔ اعضای من نوشته شده، در روزهایی که ساخته می شد، وقتی که یکی از آن‌ها وجود نداشت
۱۷.	ای خد.ا فکرهای تو نزد من چه‌قدر گرامی است، و جملهٔ آنها چه عظیم است
۱۸.	اگر آن‌ها را بشمارم از ریگ زیاده است، وقتی که بیدار می‌شوم هنوز نزد تو حاضر هستم

۱۹. یقیناً ای خد.ا شریران را از میان خواهی برد، پس ای مردمان خون‌ریز از من دور شوید
۲۰. زیرا سخنان مکرآمیز دربارهٔ تو می‌گویند، و دشمنانت نام تو را به باطل می‌برند
۲۱. ای خداوند آیا نفرت نمی‌دارم از آنانی که تو را نفرت می‌دارند، و آیا مخالفان تو را مجادله نخواهم کرد
۲۲. ایشان را به نفرت تمام نفرت می‌دارم، ایشان را دشمنان خویشتن می‌شمارم
۲۳. ای خد.ا من را نظاره کن و دل من را بشناس، من را آزمایش کن و فکرهای من را بدان
۲۴. و ببین که آیا در من راه فساد است، و من را به طریق جاودانی هدایت فرما

## مزمور صد و چهلم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. ای خداوند من را از مرد شریر رهایی ده، و از مرد ظالم من را محفوظ فرما
۳. که در دل های خود در شرارت تفکر می‌کنند، و تمامی روز برای جنگ جمع می‌شوند
۴. زبان‌های خود را مثل مار تیز می‌کنند، و زهر افعی زیر لب ایشان است سلاه
۵. ای خداوند من را از دست شریر نگاه دار، از مرد ظالم من را محافظت فرما که تدبیر می‌کنند تا پای‌های من را بلغزانند
۶. متکبران برای من تله و ریسمان‌ها پنهان کرده و دام به سر راه گسترده، و کمندها برای من نهاده‌اند سلاه
۷. به خداوند گفتم تو خد.ای من هستی، ای خداوند آواز تضرع من را بشنو
۸. ای خد.اوند، خد.ا که قوت نجات من هستی،، تو سر من را در روز جنگ پوشانیده‌ای
۹. ای خداوند آرزوهای شریر را برایش برآورده نکن، و تدابیر او را به انجام مرسان مبادا (شریران) سرافراشته شوند سلاه
۱۰. و اما سرهای آنانی که من را احاطه می‌کنند، شرارت لب‌های ایشان آن‌ها را در آتش خواهند پوشانید
۱۱. اخگرهای سوزنده را برایشان خواهند ریخت، ایشان را در آتش خواهند انداخت، و در ژرفی‌ها که دیگر نخواهند برخاست
۱۲. مرد بدگو زمین پایدار نخواهد شد، مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را به پرتگاه افکند
۱۳. می‌دانم که خداوند دادرسی فقیر را خواهد کرد، و داوری مسکینان را خواهد نمود
۱۴. هر آینه عادلان نام تو را حمد خواهند گفت، و راستان به حضور تو ساکن خواهند شد

## مزمور صد و چهل و یکم

۱. مزمور داوید، ای خداوند تو را می‌خوانم نزد من بشتاب، و چون تو را بخوانم آواز من را بشنو

۲. دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود، و برافراشتن دست‌هایم مثل هدیهٔ شام
۳. ای خداوند بر دهان من نگاهبانی قرار ده، و در لب‌هایم را نگاه دار
۴. دل من را به عمل بد مایل مگردان، تا مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم، و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم
۵. مرد عادل چون من را بزند لطف خواهد بود، و من را تأدیب نماید روغن برای سر خواهد بود، و سر من آن را ابا نخواهد نمود، زیرا که در بدی‌های ایشان نیز دعای من دایم خواهد بود
۶. چون داوران ایشان از بلندی صخره‌ها انداخته شوند، آنگاه سخنان من را خواهند شنید زیرا که شیرین است
۷. مثل کسی که زمین را شخم و شیار بکند، استخوان‌های ما بر سر قبرها پراکنده می‌شوند
۸. زیرا که ای خد.اوند، خد.ا چشمان من به سوی تو است، و بر تو توکل دارم پس جان من را تلف منما
۹. من را از دامی که برای من نهاده‌اند نگاه‌دار، و از کمندهای گناه‌کاران
۱۰. شریران به دامهای خود با هم بیفتند، و من به سلامتی دربگذرم

## مزمور صد و چهل و دوم

۱. قصیدهٔ داوید و دعا وقتی که در مغاره بود
۲. به آواز خود نزد خداوند فریاد برمی‌آورم، به آواز خود نزد خداوند تضرع می‌نمایم
۳. نالهٔ خود را در حضور او خواهم گفت، تنگی‌های خود را نزد او بیان خواهم کرد
۴. وقتی که روح من در من مدهوش می‌شود، پس تو طریقت من را دانسته‌ای، در راهی که می‌روم دام برای من پنهان کرده‌اند
۵. به طرف راست بنگر و ببین که آشنایی ندارم، ملجا برای من نابود شد، کسی که در فکر جان من باشد
۶. نزد تو ای خداوند فریاد کردم و گفتم، که تو پناه و حصهٔ من در زمین زندگان هستی
۷. به نالهٔ من توجه کن زیرا که بسیار ذلیلم، من را از جفا کنندگانم برهان زیرا که از من زورآورترند
۸. جان من را از زندان درآور تا نام تو را حمد گویم، عادلان گرداگرد من خواهند آمد زیرا که به من احسان نموده‌ای

## مزمور صد و چهل و سوم

۱. مزمور داوید، ای خداوند دعای من را بشنو و به نالهٔ من گوش بده، در امانت و عدالت خویش من را اجابت فرما
۲. و بندهٔ خود محاکمه نفرما زیرا زنده‌ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود

۳.	زیرا که دشمن بر جان من جفا کرده حیات من را به زمین کوبیده است، و من را در ظلمت ساکن گردانیده مثل آنانی که مدتی مرده باشند
۴.	پس روح من در من مدهوش شده و دلم در اندرونم پریشان گردیده است
۵.	ایام قدیم را به یاد می‌آورم، در همهٔ اعمال تو تفکر نموده، در کارهای دست تو تأمل می کنم
۶.	دست‌های خود را به سوی تو دراز می‌کنم، جان من مثل زمین خشک تشنهٔ تو است سلاه
۷.	ای خداوند به زودی من را اجابت فرما زیرا که روح من کاهیده شده است، روی خود را از من مپوشان مبادا مثل فرو روندگان به گور بشوم
۸.	بامدادان رحمت خود را به من ارزانی فرما زیرا که بر تو توکل دارم، طریقی که بر آن بروم من را بیاموز زیرا نزد تو جان خود را بر می‌افرازم
۹.	ای خداوند من را از دشمنانم برهان، زیرا که نزد تو پناه برده‌ام
۱۰.	من را تعلیم ده تا ارادهٔ تو را به جا آورم زیرا خد.ای من تو هستی، اراده مهربان تو من را در زمین هموار هدایت بنماید
۱۱.	به خاطر نام خود ای خداوند من را احیا ساز، به خاطر عدالت خویش جان من را از تنگی برهان
۱۲.	و به خاطر رحمت خود دشمنانم را منقطع ساز، و همهٔ مخالفان جان من را هلاک کن زیرا که من بندهٔ تو هستم

## مزمور صد و چهل و چهارم

۱.	مزمور داوید،خداوند که صخرهٔ من است متبارک باد، که دست‌های من را به جنگ و انگشت‌های من را به حرب تعلیم داد
۲.	رحمت من اوست و ملجای من و قلعهٔ بلند من و رهانندهٔ من، و سپر من و آنکه بر او توکل دارم، که قوم من را در زیر اطاعت من می‌دارد
۳.	ای خداوند آدمی چیست که او را بشناسی، و پسر انسان که او را به حساب بیاوری
۴.	انسان مثل نفسی است، و روزهایش مثل سایه‌ایست که می گذرد
۵.	ای خداوند آسمان‌های خود را خم ساخته نزول اجلال فرما، و کوه‌ها را لمس کن تا دود شوند
۶.	برق را بتابان آن‌ها را پراکنده ساز، تیرهای خود را بفرست و آن‌ها را منهزم نما
۷.	دست خود را از اعلی بفرست، و من را رهانیده از آب‌های بسیار خلاصی ده، یعنی از دست بیگانگان
۸.	که دهان ایشان به باطل سخن می گوید، و دست راست ایشان دست دروغ است
۹.	ای خد.ا تو را با سرودی تازه می‌سرایم، با بربط ذات ده تار تو را ترنم خواهم نمود
۱۰.	که پادشاهان را نجات می‌بخشی، و بندهٔ خود داوید را از شمشیر مهلک می‌رهانی

۱۱. من را از دست بیگانگان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان به باطل سخن می‌گوید، و دست راست ایشان دست دروغ است
۱۲. تا پسران ما در جوانی خود نمو کرده مثل نهال‌ها باشند، و دختران ما مثل سنگ‌های زاویه تراشیده شده به مثال قصر
۱۳. و انبارهای ما پر شده به انواع نعمت ریزان شوند، و گله‌های ما هزارها و کرورها در صحراهای ما بزایند
۱۴. و گاوان ما باربردار شوند، و هیچ رخنه و خروج و ناله‌ای در کوچه‌های ما نباشد

## مزمور صد و چهل و پنجم

۱. خوشا به حال قومی که نصیب ایشان این است، خوشا به حال آن قوم که خداوند خد.ای ایشان است
۲. تسبیح داوید، ای خد.ای من ای پادشاه تو را متعال می‌خوانم، و نام تو را متبارک می‌گویم تا به ابد
۳. تمامی روز تو را متبارک می‌خوانم، و نام تو را حمد می‌گویم تا به ابد
۴. خداوند عظیم است و بی‌نهایت بزرگوار، و عظمت او را کتمان نتوان کرد
۵. نسل به نسل اعمال تو را تسبیح می‌خوانند، و کارهای عظیم تو را بیان خواهند نمود
۶. در مجد جلیل کبریایی تو، و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود
۷. در اهمیت کارهای مهیب تو سخن خواهند گفت، و من عظمت تو را بیان خواهم نمود
۸. و یادآوری کثرت احسان تو را حکایت خواهند کرد، و عدالت تو را خواهند سرایید
۹. خداوند کریم و رحیم است، و دیرغضب و کثیرالاحسان
۱۰. خداوند برای همگان نیکو است، و رحمت‌های او بر همهٔ مخلوقات است
۱۱. ای خداوند جمیع مخلوقات تو تورا حمد می‌گویند، و توانایی تو را حکایت می‌کنند
۱۲. تا کارهای عظیم او را به بنی‌آدم تعلیم دهند، و کبریایی مجید ملکوت او را
۱۳. تا کارهای عظیم او را به بنی‌آدم تعلیم دهند، و کبریایی مجید ملکوت او را
۱۴. ملکوت تو ملکوتیست تا جمیع افلاک، و سلطنت تو باقی تا تمام دوره‌ها
۱۵. خداوند جمیع افتادگان را تأیید می‌کند، و خم‌شدگان را بر می‌خیزاند
۱۶. چشمان همگان منتظر تو می‌باشد، و تو طعام ایشان را در موسمش می‌دهی
۱۷. دست خویش را باز می‌گشایی، و آرزوی همهٔ زندگان را برآورده می‌نمایی
۱۸. خداوند عادل است در جمیع طریق‌های خود، و رحیم در کل اعمال خویش
۱۹. خداوند نزدیک است به آنانی که او را می‌خوانند، به آنانی که او را به راستی می‌خوانند
۲۰. آرزوی ترسندگان خود را به جا می‌آورد، و تضرع ایشان را شنیده ایشان را نجات می‌دهد
۲۱. خداوند همهٔ محبان خود را نگاه می‌دارد، و همهٔ شریران را هلاک خواهد ساخت

## مزمور صد و چهل و ششم

۱. دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت، و همهٔ بشر نام قدوس او را متبارک بخوانند تا به ابد
۲. هللویاه ای جان من خداوند را تسبیح بخوان
۳. تا زنده هستم خداوند را حمد خواهم گفت، مادامی که وجود دارم خد.ای خود را خواهم سرایید
۴. بر قدرتمندان توکل مکنید، و نه بر این آدم که نزد او یاری نیست
۵. روح او بیرون می‌رود و او به خاک خود برمی‌گردد، و در همان روز فکرهایش نابود می‌شود
۶. خوشا به حال آن که خد.ای یعقوب مددکار اوست، که امید او بر خداوند خد.ای وی می‌باشد
۷. که آسمان و زمین را آفرید، و دریا و آنچه را که در آن‌هاست، که راستی را نگاه دارد تا به ابد
۸. که مظلومان را دادرسی می‌کند، و گرسنگان را نان می‌بخشد، خداوند اسیران را آزاد می‌سازد
۹. خداوند چشمان کوران را باز می‌کند، خداوند خم‌شدگان را برمی‌افرازد، خداوند عادلان را دوست می دارد
۱۰. خداوند غریبان را محافظت می‌کند، و یتیمان و بیوه‌زنان را پایدار می‌نماید، لیکن طریق شریران را کج می‌سازد
۱۱. خداوند سلطنت خواهد کرد تا به ابد، خد.ای تو ای صیون نسلاً بعد نسل هللویاه

## مزمور صد و چهل و هفتم

۱. هللویاه زیرا خد.ای ما را سراییدن نیکوست، و دل‌پسند و تسبیح خواندن شایسته است
۲. خداوند اورشلیم را بنا می‌کند، و پراکندگان (بنی) اسرائیل را جمع می‌نماید
۳. شکسته‌دلان را شفا می‌دهد، و جراحت‌های ایشان را می‌بندد
۴. عدد ستارگان را می‌شمارد، و جمیع آن‌ها را به نام می‌خواند
۵. خداوند ما بزرگ است و قوت او عظیم، و حکمت وی لایتناهی
۶. خداوند مسکینان را برمی‌افرازد، شریران را به زمین می‌اندازد
۷. خداوند را با حمد بسرایید، خد.ای ما را با بربط سرود بخوانید
۸. که آسمان‌ها را با ابرها می‌پوشاند، و باران را برای زمین مهیا می‌نماید، و گیاه را بر کوه‌ها می‌رویاند
۹. که بهایم را آذوقه می‌دهد، و بچه‌های غراب را که او را می‌خوانند
۱۰. در قوت اسب رغبت ندارد، و به ساق‌های انسان مایل نیست
۱۱. رضامندی خداوند از ترسندگان وی است، و از آنانی که به رحمت وی امیدوارند

۱۲. ای اورشلیم خداوند را تسبیح بخوان، ای صیون خدا.ی خود را حمد بگو
۱۳. زیرا که پشت بندهای دروازه‌هایت را مستحکم کرده، و فرزندان تو را در اندوهت مبارک فرموده است
۱۴. که حدود تو را سلامتی می‌دهد، و تو را از چربی گندم سیر می گرداند
۱۵. که کلام خود را بر زمین فرستاده است، و قول او به زودی هرچه تمام‌تر پیش خواهد رفت
۱۶. که برف را مثل پشم می‌باراند، و ژاله را مثل خاکستر می‌پاشد
۱۷. که تگرگ خود را در قلعه‌ها می‌اندازد، و کیست که پیش سرمای او تواند ایستاد
۱۸. کلام خود را می‌فرستد و آن‌ها را می گدازد، باد خویش را می‌وزاند پس آب‌ها جاری می‌شود
۱۹. کلام خود را به یعقوب بیان کرده، و فرایض و داوری‌های خویش را به (بنی) اسرائیل
۲۰. با هیچ امتی چنین نکرده است، و داوری‌های او ندانسته‌اند هللویاه

## مزمور صد و چهل و هشتم

۱. هللویاه خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید، در اعلی‌علیّین او را تسبیح بخوانید
۲. ای همهٔ فرشتگانش او را تسبیح بخوانید، ای همهٔ لشکرهای او، او را تسبیح بخوانید
۳. ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید، ای همهٔ ستارگان نور او را تسبیح بخوانید
۴. ای فلک‌الافلاک او را تسبیح بخوانند، و ای آب‌هایی که فوق آسمان‌هایید
۵. نام خداوند را تسبیح بخوانید، زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند
۶. و آن‌ها را پایدار نمود تا به ابد، و قانونی قرار داد که از آن در نگذرند
۷. خداوند را از زمین تسبیح بخوانید، ای نهنگان و جمیع لجه‌ها
۸. ای آتش و تگرگ و برف و مه، و باد تند که فرمان او را به‌جا می‌آورید
۹. ای کوه‌ها و تمام تل‌ها، و درختان میوه‌دار و همهٔ سروهای آزاد
۱۰. ای وحوش و جمیع بهایم، و حشرات و مرغان بالدار
۱۱. ای پادشاهان زمین و جمیع امت‌ها، و سروران و همهٔ داوران جهان
۱۲. ای جوانان و دوشیزگان نیز، و پیران و اطفال
۱۳. نام خداوند را تسبیح بخوانند، زیرا نام او تنها متعال است، و جلال او فوق زمین و آسمان
۱۴. و او شاخی برای قوم خود برافراشته است، تا فخر باشد برای همهٔ مقدسان او، یعنی برای بنی‌اسرائیل که قوم مقرب او می‌باشند هللویاه

## مزمور صد و چهل و نهم

۱. هللویاه خداوند را با سرود تازه بسرایید، و تسبیح او را در جماعت مقدسان

۲. (بنی) اسرائیل در آفرینندهٔ خود شادی کنند، و پسران صیون در پادشاه خویش وجد نمایند

۳. نام او را با رقص تسبیح بخوانند، با بربط و عود او را بسرایند

۴. زیرا خداوند از قوم خویش رضامندی دارد، مسکینان را به نجات خرسند می‌سازد

۵. مقدسان از جلال فخر بنمایند، و بر بسترهای خود ترنم بکنند

۶. ستایش بلند خد.ا در دهان ایشان باشد، و شمشیر دودمه در دست ایشان

۷. تا از امت‌ها انتقام بکشند، و تأدیب‌ها بر طوایف بنمایند

۸. و پادشاهانِ ایشان را به زنجیرها ببندند، و سروران ایشان را به پابندهای آهنین

۹. و داوری را که مکتوب است بر ایشان اجرا دارند، این کرامت است برای همهٔ مقدسان او هللویاه

## مزمور صد و پنجاهم

۱. هللویاه خد.ا را در قدس او تسبیح بخوانید، در فلک قوّت او او را تسبیح بخوانید

۲. او را به‌سبب کارهای عظیم او تسبیح بخوانید، او را به حسب کثرت عظمتش تسبیح بخوانید

۳. او را به آواز شوفار تسبیح بخوانید، او را با بربط و عود تسبیح بخوانید

۴. او را با دف و رقص تسبیح بخوانید، او را با ذوات‌اوتار و نی تسبیح بخوانید

۵. او را با سنج‌های بلند آواز تسبیح بخوانید، او را با سنج‌های خوش‌صدا تسبیح بخوانید

۶. هر که روح دارد خداوند را تسبیح بخواند، هللویاه